
بر گنهکاران
خدای مهربان
رحمت واسعه
نویسنده:محمد امینی گلستانی

بسم الله الرحمن الرحیم

# رحمت واسعه خدای مهربان بر گنهکاران


نویسنده:

محمد امینی گلستانی



ناشر چاپی:

سپهر آذین

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

# فهرست

# رحمت واسعه خدای مهربان بر گنهکاران

## مشخصات کتاب

سرشناسه : امینی گلستانی، محمد، ۱۳۱۷ -

عنوان و نام پدیدآور : رحمت واسعه خدای مهربان بر گنهکاران/ محمد امینی گلستانی.

مشخصات نشر : قم: سپهر آذین، ۱۳۹۰.

مشخصات ظاهری : ۲۰۱ ص.

موضوع : رحمت الهی

ص: ۱

ص: ۲

ص: ۳

ص: ۴

ص: ۵

## تقدیم به

به عزیزانی که در اثر گناهان سنگین در نا امیدی و وحشت مطلق، به سر می برند و از به دست آوردن رضای خدا و نعمت های بهشتی، مأیوس گشته و خود را در وادی حیرت و سرگردانی رها ساخته و از زندگی، سیر می گردند، امیدوارم با مطالعه این کتاب خود را از این ورطه خطرناک نجات داده و به سوی معبودبر گردند.

محمّد امینی گلستانی

ص: ۶

## فهرست موضوعات

ص: ۷

ص: ۸

ص: ۹

ص: ۱۰

ص: ۱۱

بسم اللّه الرّحمن الرّحیم

الحمـد للّه ربّ العالمین، و الصّلوه والسّلام علی سیّدالأنبیاء و المرسـلین و علی آله الطیّبین الطّاهرین لاسیّمابقیّه اللّه فی الأرضین و حجّته علی عباده اجمعین، الحجّه بن الحسن روحی و ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداء و صلوات اللّه و سلامه علیه، واللّعنه الدّائمه الأبدیّه علی اعدائهم اجمعین من الان الی لقاء یوم الدّین آمین ربّ العالمین.

ص: ۱۲

## پیشگفتار

لطفاپیش از شروع به مطالعه کتاب، این پیشگفتار را تماماً مطالعه فرمائید.

۱

نومیدی و یأس و بدبینی از خصلت های خانمان برانداز و بنیان کن است که هرکس به آن گرفتار آید، زندگی دنیا و آخرت خود را تباه ساخته و هیچ وقت روی سعادت و خوشبختی را ندیده و طعم آرامش و استواری و سکون را، نخواهد چشید.

پس انسان تا می تواند این صفات ذمیمه و خانمان سوز را، از خود دور ساخته و از حیطه فکری خود براند و پیرامون آن نگردد.

۲

در دوران زندگی، هر انسانی در اثر نادانی و خواسته های نفسانی، به گناهان و خواسته های نا مشروع نفس و تسویلات شیطانی، گرفتار می شود، چون بشر مانند فرشتگان، معصوم آفریده نشده اند تا از گناه و معصیت، مبرّا گردند.

و مثل حیوان نیست که بی عقل و بلا تکلیف زندگی نماید، نه امر و نهیی، دامنگیر او شود و نه اطاعت از

ص: ۱۳

دستورات آسمانی متوجه او گردد.

پس موجودی که از دو عنصر تجرد و مادیت، ترکیب یافته و متشکل گردیده و زیر بار هزاران تکالیف و دستورات الهی قرار گرفته است، خواه و ناخواه، خطا و اشتباهی از او سرخواهد زد، مگر آنانکه به مصداق «عَبْدی أطِعْنی حتی أجْعَلَکَ مَثَلی بنده من، از من فرمان بر تا تو را همانند خود قرار دهم! آن گونه که من به هرچیز می گویم «باش» می شود، تو هم به هر چیزی بگوئی، می شود» عمل کرده و خود را از آلودگی های نفسانی، دورساخته اند (مانند انبیاء و اولیاءالهی) که پیرامون معاصی، نگشته اند.

با این مقدمه روشن می شود که اکثریت قریب به اتفاق بشر، به گناه و نافرمانی خدا، مبتلا می شوند، در این صورت نباید خود را ببازد و از گردونه بندگی بیرون رود، زیرا خدائی که او را آفریده با یک جمله محکم ونیرومند «وَ رَحْمَتِی وَسِعَتْ کُلَّ شَیْ ءٍ رحمت من

ص: ۱۴

همه چیز را فراگرفته» به یأس و ناامیدی، خط بطلان کشیده و به سوی عفو وبخش و گذشت خویش رهنمون گشته است که در خلال این اثر مقداری در باره آن با آیات مربوطه واسناد و مدارک، صحبت خواهیم نمود.

۳- کسانی که با تلاوت قرآن و تدبّر در فرازها و آیات آن، سر و کار دارند، می دانند که این کتاب آسمانی و کلام ربّانی، مشحون از آیات عفو و بخش با تعابیر و جملات گوناگون می باشد که آوردن همه آنها در این مجموعه کوچک، امکان پذیر نیست زیرا اول ۱۱۳ سوره را با بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ افتتاح می کند بعد در سوره های گوناگون برای عفو و بخش، آیات زیادی در جملات و تعابیر گوناگون که به بخشیدن و گذشت کردن و توبه پذیر و رحم نمودن وو ... تصریح فرموده و هیچ گونه جای شک و تردید نگذاشته است که تعدادی از آنها را در این مجموعه در بخش آیات

ص: ۱۵

می آوریم و تفصیل آن رابرای مراجعه به خود قرآن کریم حواله می دهیم.

پس آن بندگانی که غرق گناهند و فرو رفته در منجلاب معصیت، نترسند و برگردند و توبه کنند و بگویند خدایا غلط کردم و نفهمیدم بنده فراریت، به درِ رحمتت برگشته و از درگاه کرم و لطف و مغفرتت، طلب بخشش و گذشت و چشم پوشی می نماید ای رحمان و رحیم و ای غفور و کریم و ای رؤف و ودود و ای غفّار و توّاب، از من درگذر و مرا بپذیر به احترام مقرّبین درگاهت و مخصوصاً پنج تن آل عبارا به درگاهت شفیع می آورم.

نترس بچسب به دامن رحمتش واقعاً برگرد و توبه کن و روی بر آستان کبریائیش بگذار مأیوس نباش، به خدا این درِ رحمت ردخور ندارد مگر این همه وعده مغفرت و کرم و لطف و گذشت وو .. آن هم در آخرین کتاب آسمانیش (قرآن) بی اساس است؟! نه به خدا.

ص: ۱۶

۴

شکی نیست اگر کسی با کوهی از گناه، بدون توبه از دنیا رود، در آتش جهنّم خواهد سوخت، اگر مسلمان باشد به اندازه کیفر گناهانش که مدت و حدّتش را خدا می داند و اگر کافر باشد «خالِدِینَ فِیها ما دامَتِ السَّماواتُ وَ الْأَرْضُ همیشه در آن (جهنمند) مادامی که زمین و آسمان برپاست».

اما اگر تا زنده است با بار سنگین گناه به سوی معبود خود برگردد و واقعاً توبه نماید، باز بدون شک خداوند علاوه براین که به تعداد گناهانش اجر و ثواب می نویسد، «یُبَدِّلُ اللَّهُ سَیِّئاتِهِمْ حَسَناتٍ» تمامی معصیت هایش را از پرونده اش محو نموده و او را می بخشد و قبول می کند و گناهانش را به ثواب تبدیل می نماید.

پس گناهکاران دغدغه نومیدی را به خود راه ندهند معبودشان صاحب عظمت و بخش و گذشت است و نگرانی ندارد.

ص: ۱۷

مگر اینکه مشمول این آیه شوند «وَ الَّذِینَ کَفَرُوا بِآیاتِ اللَّهِ وَ لِقائِهِ أُولئِکَ یَئِسُوا مِنْ رَحْمَتِی وَ أُولئِکَ لَهُمْ عَذابٌ أَلِیمٌ عنکبوت: ۲۳

کسانی که به آیات خدا و دیدار او کافر شدند، آنان از رحمت من مأیوسند؛ و برای آنها عذاب دردناکی است!.

۵- پرواضح است که یکی از واجبات مهم ادیان مختلف و دستورات کتاب های آسمانی و فرمایشات انبیاء الهی، توبه کردن و برگشتن از انجام معاصی و ارتکاب گناهان و تصمیم گرفتن بر نکردن آنها در آینده است،

بدینجهت در کتابهای فقهی و حدیثی ابواب و فصلهای مختلف در این باره، باز کرده و انواع و اقسام توبه ها را بیان نموده و توضیح داده اند که طالبین تفصیل به آن منابع و مصادر مراجعه نمایند؛

ص: ۱۸

پس نبایـد توبه و بازگشت به سوی پروردگار را به تأخیر انـداخت و امروز و فردا کرد، زیرا ما حتی تا یک لحظه دیگر نمیدانیم، چه پیش خواهـد آمـد و بـا چه حوادثی، مواجه و روبرو خواهیم شـد، به این خـاطر هرچه زودتر، به امحـاء و نابود ساختن گناهان اقـدام نموده و تـا فرصت باقیست با دست زدن به دامن رحمت پروردگار مهربان، پرونـده خود را از نافرمانی ها پاک نموده و رو سـفید از این دنیا رخت بر بندیم انشاءاللّه تعالی.

پس به لحن آیات و احادیثی که آورده می شود، دقت کامل نمائیـد و ببینیـد با چه کلماتی به ما وعده مغفرت می دهد و از نومیدی دور می سازد.

البته توجه داشته باشید من با تشریح و توضیح، زیاد وقتتان را نمیگیرم و از بزرگ وسنگین کردن حجم کتاب پرهیز مینمایم.

ص: ۱۹

## آیات

۱- رحمت من تمام اشیاء را فراگرفته است

۱- انعام ۱۲ قُلْ لِمَنْ ما فِی السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ قُلْ لِلَّهِ کَتَبَ عَلی نَفْسِهِ الرَّحْمَهَ لَیَجْمَعَنَّکُمْ إِلی یَوْمِ الْقِیامَهِ لا رَیْبَ فِیهِ الَّذِینَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ فَهُمْ لا یُؤْمِنُونَ (۱۲) انعام: ۱۲ بگو: «آنچه در آسمانها و زمین است، از آن کیست؟» بگو: «از آن خداست؛ رحمت (و بخشش) را بر خود، حتم کرده؛ (و به همین دلیل،) بطور قطع همه شما را در روز قیامت، که در آن شکّ و تردیدی نیست، گرد خواهد آورد. (آری،) فقط کسانی که سرمایه های وجود خویش را از دست داده و گرفتار خسران شدند، ایمان نمی آورند.

ص: ۲۰

۲- انعام: ۵۴ وَ إِذا جاءَکَ الَّذِینَ یُؤْمِنُونَ بِآیاتِنا فَقُلْ سَلامٌ عَلَیْکُمْ کَتَبَ رَبُّکُمْ عَلی نَفْسِهِ الرَّحْمَهَ أَنَّهُ مَنْ عَمِلَ مِنْکُمْ سُوءاً بِجَهالَهٍ ثُمَّ تابَ مِنْ بَعْدِهِ وَ أَصْلَحَ فَأَنَّهُ غَفُورٌ رَحِیمٌ (۵۴) وَ کَذلِکَ نُفَصِّلُ الْآیاتِ وَ لِتَسْتَبِینَ سَبِیلُ الْمُجْرِمِینَ (۵۵) هرگاه کسانی که به آیات ما ایمان دارند نزد تو آیند، به آنها بگو: «سلام بر شما پروردگارتان، رحمت را بر خود فرض کرده؛ هر کس از شما کار بدی از روی نادانی کند، سپس توبه و اصلاح (و جبران) نماید، (مشمول رحمت خدا می شود چرا که) او آمرزنده مهربان است.»

انعام: ۵۵ و این چنین آیات را برمیشمریم، (تا حقیقت بر شما روشن شود،) و راه گناهکاران آشکار گردد.

انعام: ۱۴۷ فَقُلْ رَبُّکُمْ ذُو رَحْمَهٍ واسِعَهٍ اگر تو را تکذیب کنند (و این حقایق را نپذیرند)، به آنها بگو:

ص: ۲۱

«پروردگار شما، رحمت گسترده ای دارد؛ اما مجازات او هم از مجرمان دفع شدنی نیست! (و اگر ادامه دهید کیفر شما حتمی است)

۳- اعراف: ۱۵۶ وَ اکْتُبْ لَنا فِی هذِهِ الدُّنْیا حَسَنَهً وَ فِی الْآخِرَهِ إِنَّا هُدْنا إِلَیْکَ قالَ عَذابِی أُصِیبُ بِهِ مَنْ أَشاءُ وَ رَحْمَتِی وَسِعَتْ کُلَّ شَیْ ءٍ فَسَأَکْتُبُها لِلَّذِینَ یَتَّقُونَ وَ یُؤْتُونَ الزَّکاهَ وَ الَّذِینَ هُمْ بِآیاتِنا یُؤْمِنُونَ (۱۵۶ اعراف: ۱۵۶ و برای ما، در این دنیا و سرای دیگر، نیکی مقرّر فرما؛ چه اینکه ما به سوی تو بازگشت کرده ایم! ( «خداوند در برابر این تقاضا، به موسی) گفت:» مجازاتم را به هر کس بخواهم می رسانم؛ و رحمتم همه چیز را فراگرفته؛ و آن را برای آنها که تقوا پیشه کنند، و زکات را بپردازند، و آنها که به آیات ما ایمان می آورند، مقرّر خواهم داشت!

۴- کهف: ۵۸ وَ رَبُّکَ الْغَفُورُ ذُو الرَّحْمَهِ لَوْ

ص: ۲۲

يُؤاخِذُهُمْ بِما كَسَبُوا لَعَجَّلَ لَهُمُ الْعَذابَ بَلْ لَهُمْ مَوْعِدٌ لَنْ يَجِدُوا مِنْ دُونِهِ مَوْئِلًا (۵۸) کهف ۵۸

کهف: ۵۸ و پروردگارت، آمرزنـده و صاحب رحمت است؛ اگر می خواست آنان را به خاطر اعمالشان مجازات کنـد، عذاب را هر چه زودتر برای آنها می فرستاد؛ ولی برای آنان موعدی است که هرگز از آن راه فراری نخواهند داشت!

۵- مؤمن: ۷ الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَ مَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَ يَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنا وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَحْمَةً وَ عِلْماً فَاغْفِرْ لِلَّذِينَ تابُوا وَ اتَّبَعُوا سَبِيلَكَ وَ قِهِمْ عَذابَ الْجَحِيمِ (۷) مؤمن: ۷

مؤمن: ۷ فرشـتگانی که حاملان عرشـند و آنها که گرداگرد آن (طواف می کنند) تسبیح و حمد پروردگارشان را می گویند و به او ایمان دارند و برای مؤمنان استغفار می کنند (و می گویند:) پروردگارا!

ص: ۲۳

رحمت و علم تـو همه چیز را فرا گرفته است؛ پس کسـانی را که تـوبه کرده و راه تو را پیروی می کننـد بیـامرز، و آنـان را از عـذاب دوزخ نگاه دار!

۲- اوست بخشاینده و مهربان

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ به نام خداوند بخشاینده ومهربان».

اول ۱۱۳ سوره را با آن افتتاح می کند و به بندگانش نوید رحمت و عفو می دهد.

و أَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِینَ توئی بالاترین رحم کنندگان» اعراف:/ ۱۵۰ و ۲۱/ ۸۳).

و هو أرحم الرّاحمین و اوست بخشنده ترین بخشندگان» یوسف:/ ۶۴ و ۹۲.

و أَنْتَ خَیْرُ الرَّاحِمِینَ توئی بهترین بخشایندگان» مؤمنون: ۲۳/ ۱۱۰ و ۱۱۹.

ص: ۲۴

۳- اوست رحیم و مهربان

إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرَؤُفٌ رَحِیمٌ همانا خدا بر مردم البته مهربان و بخشنده است» در ۲ مورد بقره:/ ۱۴۳* ۲۲/ ۶۵

و إِنَّهُ بِهِمْ رَؤُفٌ رَحِیمٌ و همانا اوست بر آنها مهربان و رحم کننده» توبه/ ۱۱۸

بِالْمُؤْمِنِینَ رَؤُفٌ رَحِیمٌ بر ایمان آورندگان رؤف و مهربان است» توبه/ ۱۲۹

و إِنَّ رَبِّی رَحِیمٌ وَدُودٌ بدرستی که پروردگار من مهربان و دوست دارنده است» هود/ ۹۰

و إِنَّ اللَّهَ بِکُمْ لَرَؤُفٌ رَحِیمٌ و خداوند نسبت به شما مهربان و رحیم» حدید:/ ۹

و إِنَّکَ رَؤُفٌ رَحِیمٌ پروردگارا، تو مهربان و رحیمی!» حشر/ ۱۰

ص: ۲۵

و قَوْلًا مِنْ رَبٍّ رَحِیمٍ بر آنها سلام (و درود الهی) است؛ این سخنی است از سوی پروردگاری مهربان! یس/ ۵۸

و إِنَّ اللَّهَ کانَ بِکُمْ رَحِیماً خداوند نسبت به شما مهربان است.» نساء/ ۲۸

و إِنَّهُ کانَ بِکُمْ رَحِیماً او نسبت به شما مهربان است.

» اسراء:/ ۶۶

و کانَ بِالْمُؤْمِنِینَ رَحِیماً او نسبت به مؤمنان همواره مهربان بوده است! احزاب/ ۴۳

و إِنَّ رَبَّکُمْ لَرَؤُفٌ رَحِیمٌ چرا که پروردگار شما، رؤوف و رحیم است. نحل:/ ۷ و ۴۷

۴- اوست نیکی کننده و مهربان

إِنَّهُ هُوَ الْبَرُّ الرَّحِیمُ ما از پیش او را می خواندیم (و می پرستیدیم)، که اوست نیکوکار و مهربان!» طور/

ص: ۲۶

۲۸

و تَنْزِيلٌ مِنَ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ (اين قرآن) نازل شده، از سوى پروردگار بخشاينده و مهربان است» سجده/ ۲

و إِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ و پروردگـارت البته شـكست ناپـذير و مهربان است» در ۸ مورد شعراء/ ۹ و ۶۹ و ۱۰۴ و ۱۲۲ و ۱۴۰ و ۱۵۹ و ۱۷۵ و ۱۹۱

و هُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ پروردگارت اوست شكست ناپذير و مهربان» روم/ ۵* دخان/ ۴۲

و تَوَكَّلْ عَلَى الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ و بر خداوند شكست ناپذير و مهربان توكّل كن!» شعراء/ ۲۱۷

۵- از او طلب مغفرت كنيد

وَ اسْتَغْفِرُوا اللَّهَ و از خداوند، آمرزش بطلبيد، كه خدا آمرزنده مهربان است! بقره: ۱۹۹* مزمل:/ ۲۰

ص: ۲۷

وَ اسْتَغْفِرُوا رَبَّکُمْ از خدایتان آمرزش بطلبید»، هود/ ۳ و ۵۲ و ۹۰* نوح/ ۱۰

فَاسْتَغْفِرُوهُ ثُمَّ تُوبُوا إِلَیْهِ از او آمرزش بطلبید، سپس به سوی او بازگردید،» هود/ ۶۱

فَاسْتَقِیمُوا إِلَیْهِ وَ اسْتَغْفِرُوهُ پس تمام توجّه خویش را به او کنید و از وی آمرزش طلبید؛ فصلت: ۶

عالِمُ الْغَیْبِ وَ الشَّهادَهِ الْعَزِیزُ الرَّحِیمُ سجده: ۶ او خداوندی است که از پنهان و آشکار با خبر است، و شکست ناپذیر و مهربان است! سجده:/ ۶

وَ اسْتَغْفِرِ اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ کانَ غَفُوراً رَحِیماً و از خداوند، طلب آمرزش نما! که خداوند، آمرزنده و مهربان است. نساء/ ۱۰۵

وَ ما کانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَ هُمْ یَسْتَغْفِرُونَ انفال: ۳۳ ولی (ای پیامبر!) تا تو در میان آنها هستی، خداوند آنها را مجازات نخواهد کرد؛ و (نیز) تا استغفار می کنند، خدا عذابشان نمی کند. انفال/ ۳۳

ص: ۲۸

وَ بِالْأَسْحارِ هُمْ یَسْتَغْفِرُونَ ذاریات: ۱۸ و در سحرگاهان استغفار می کردند، ذاریات/ ۱۸

نوح: ۱۰ فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّکُمْ إِنَّهُ کانَ غَفَّاراً (۱۰) نوح: ۱۰ به آنها گفتم: «از پروردگار خویش آمرزش بطلبید که او بسیار آمرزنده است ...

۶- اوست دهنده اجر بزرگ

مائده: ۹ وَعَدَ اللَّهُ الَّذِینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَ أَجْرٌ عَظِیمٌ (۹) مائده: ۹ خداونـد، به آنهـا که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده اند، وعده آمرزش و پاداش عظیمی داده است.

هود: ۱۱ إِلَّا الَّذِینَ صَبَرُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ أُولئِکَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَ أَجْرٌ کَبِیرٌ (۱۱) هود: ۱۱ مگر آنها که (در سایه ایمان راستین،) صبر و استقامت ورزیدند و کارهای شایسته انجام دادند؛ که برای آنها، آمرزش و

ص: ۲۹

اجر بزرگی است! احزاب: ۲۹ وَ إِنْ کُنْتُنَّ تُرِدْنَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ الدَّارَ الْآخِرَهَ فَإِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْمُحْسِناتِ مِنْکُنَّ أَجْراً عَظِیماً (۲۹ احزاب: ۲۹ و اگر شما خدا و پیامبرش و سرای آخرت را می خواهید، خداوند برای نیکوکاران شما پاداش عظیمی آماده ساخته است.»

فاطر: ۷ الَّذِینَ کَفَرُوا لَهُمْ عَذابٌ شَدِیدٌ وَ الَّذِینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ لَهُمْ مَغْفِرَهٌ وَ أَجْرٌ کَبِیرٌ (۷) فاطر: ۷ کسانی که راه کفر پیش گرفتند، برای آنان عذابی سخت است؛ و کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند، آمرزش و پاداش بزرگ از آن آنهاست! فتح: ۲۹ وَعَدَ اللَّهُ الَّذِینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَهً وَ أَجْراً عَظِیماً (۲۹) فتح: ۲۹ کسانی از آنها را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام

ص: ۳۰

داده اند، خداوند وعده آمرزش و اجر عظیمی داده است.

حجرات: ۳ إِنَّ الَّذِينَ يَغُضُّونَ أَصْواتَهُمْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ أُولئِكَ الَّذِينَ امْتَحَنَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ لِلتَّقْوى لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَ أَجْرٌ عَظِيمٌ (۳) حجرات: ۳ آنها که صدای خود را نزد رسول خدا کوتاه می کنند همان کسانی هستند که خداوند دلهایشان را برای تقوا خالص نموده، و برای آنان آمرزش و پاداش عظیمی است!

ملک: ۱۲ إِنَّ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ بِالْغَيْبِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَ أَجْرٌ كَبِيرٌ (۱۲)

ملک: ۱۲ (امّا) کسانی که از پروردگارشان در نهان می ترسند، مسلّماً آمرزش و پاداش بزرگی دارند!

ص: ۳۱

۷- خداوند به بهشت و بخشیدن دعوت می کند

بقره ۲۲۱ وَ اللَّهُ يَدْعُوا إِلَى الْجَنَّهِ وَ الْمَغْفِرَهِ بِإِذْنِهِ وَ يُبَيِّنُ آياتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ۲۲۱ "و خدا دعوت به بهشت و آمرزش به فرمان خود می نماید، و آیات خویش را برای مردم روشن می سازد؛ شاید متذکر شوند!

۸- امید بخش ترین آیه قرآن.

وَ أَقِمِ الصَّلاهَ طَرَفَيِ النَّهارِ وَ زُلَفاً مِنَ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَناتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئاتِ ذلِكَ ذِكْرى لِلذَّاكِرِينَ. هود: ۱۱۴ در دو طرف روز، و اوایل شب، نماز را برپا دار؛ چرا که حسنات، سیئات (و آثار آنها را) از بین می برند؛ این تذکّری است برای کسانی که اهل تذکّرند!

در تفسیر آیه مورد بحث حدیث جالبی از علی علیه السلام به

ص: ۳۲

این مضـمون نقل شده است که روزی رو به سوی مردم کرد و فرمود: به نظر شـما امید بخش ترین آیه قرآن کدام آیه است؟ بعضی گفتند آیه إِنَّ اللَّهَ لا یَغْفِرُ أَنْ یُشْرَکَ بِهِ وَ یَغْفِرُ ما دُونَ ذلِکَ لِمَنْ یَشاءُ نساء ۴۸ و ۱۱۷ (خداوند هرگز شرک را نمی بخشد و پائین تر از آن را برای هر کس که بخواهد می بخشد).

امام فرمود: خوب است، ولی آنچه من می خواهم نیست، بعضـی گفتنـد آیه وَ مَنْ یَعْمَلْ سُوءاً أَوْ یَظْلِمْ نَفْسَهُ ثُمَّ یَسْتَغْفِرِ اللَّهَ یَجِدِ اللَّهَ غَفُوراً رَحِیماً نساء ۱۱۰ (هر کس عمل زشتی انجام دهـد یا بر خویشـتن سـتم کنـد و سـپس از خـدا آمرزش بخواهد خدا را غفور و رحیم خواهد یافت) امام فرمود خوبست ولی آنچه را می خواهم نیست.

بعضـی دیگر گفتند آیه قُلْ یا عِبادِیَ الَّذِینَ أَسْرَفُوا عَلی أَنْفُسِهِمْ لا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَهِ اللَّهِ زمر: ۵۳ (بگو ای بندگان من که اسـراف بر خویشتن کرده اید از

ص: ۳۳

رحمت خدا مایوس نشوید) فرمود خوبست اما آنچه می خواهم نیست! بعضی دیگر گفتند آیه وَ الَّذِینَ إِذا فَعَلُوا فاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَکَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَ مَنْ یَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا اللَّهُ آل عمران: ۱۳۵ (پرهیزکاران کسانی هستند که هنگامی که کار زشتی انجام می دهند یا به خود ستم می کنند به یاد خدا می افتند، از گناهان خویش آمرزش می طلبند و چه کسی است جز خدا که گناهان را بیامرزد) باز امام فرمود خوبست ولی آنچه می خواهم نیست.

در این هنگام مردم از هر طرف به سوی امام متوجه شدند و همهمه کردند فرمود: چه خبر است ای مسلمانان؟ عرض کردند: به خدا سوگند ما آیه دیگری در این زمینه سراغ نداریم.

امام فرمود: از حبیب خودم رسولخدا صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم که فرمود: امید بخش ترین آیه قرآن این آیه است وَ أَقِمِ الصَّلاةَ طَرَفَیِ النَّهارِ وَ زُلَفاً مِنَ اللَّیْلِ إِنَّ الْحَسَناتِ

ص: ۳۴

یُذْهِبْنَ السَّیِّئاتِ ذلِکَ ذِکْری لِلذّاکِرِینَ. هود: ۱۱۴

البته در حدیث دیگری آمده است که امید بخش ترین آیه قرآن: آیه ۴۸ سوره نساء إِنَّ اللَّهَ لا یَغْفِرُ أَنْ یُشْرَکَ بِهِ وَ یَغْفِرُ ما دُونَ ذلِکَ لِمَنْ یَشاءُ می باشد.

اما با توجه به اینکه هر یک از این آیات به زاویه ای از این بحث نظر دارد و یک بعد از ابعاد آن را بیان می کند، تضادی با هم ندارد: در واقع آیه مورد بحث از کسانی سخن می گوید که نمازهای خود را به خوبی انجام می دهند، نمازی با روح و با حضور قلب که آثار گناهان دیگر را از دل و جانشان می شوید.

اما آیه دیگر از کسانی سخن می گوید که دارای چنین نمازی نیستند و تنها از در توبه وارد می شوند پس این آیه برای این گروه و آن آیه برای آن گروه امیدبخش ترین آیه است.

چه امیدی از این بیشتر که انسان بداند هر گاه پای او بلغزد و یا هوی و هوس بر او چیره شود (بدون اینکه

ص: ۳۵

اصرار بر گناه داشته باشد پایش به گناه کشیده شود) هنگامی که وقت نماز فرا رسید، وضو گرفت و در پیشگاه معبود به راز و نیاز برخاست احساس شرمساری که از لوازم توجه به خدا است نسبت به اعمال گذشته به او دست داد گناه او بخشوده می شود و ظلمت و تاریکیش از قلب او بر می خیزد.

به دنبال برنامه انسان ساز نماز و بیان تأثیری که حسنات در زدودن سیئات دارد در آیه بعد فرمان به صبر می دهد، و می گوید: شکیبا باش که خدا اجر نیکوکاران را ضایع نمی کند (وَ اصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لا یُضِیعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِینَ).

گرچه بعضی از مفسران خواسته اند معنی صبر را در اینجا محدود به مورد نماز و یا اذیت و آزارهای دشمنان در برابر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می کنند.

ولی روشن است که هیچگونه دلیلی بر محدود ساختن معنی صبر، در آیه مورد بحث نداریم بلکه یک مفهوم

ص: ۳۶

کلی و جامع را در بر دارد که هر گونه شکیبائی را در برابر مشکلات، مخالفتها، آزارها، هیجانها، طغیانها و مصائب گوناگون را شامل می شود و ایستادگی در برابر تمام این حوادث در مفهوم جامع صبر مندرج است.

صبر یک اصل کلی و اساس اسلامی است که در موردی از قرآن با نماز همراه ذکر شده است شاید به این دلیل که نماز در انسان حرکت می آفریند و دستور صبر، مقاومت ایجاب می کند، و این دو یعنی حرکت و مقاومت هنگامی که دست به دست هم دهند عامل اصلی هر گونه پیروزی خواهند شد.

اصولا هیچگونه نیکی بدون ایستادگی و صبر ممکن نیست، چون بپایان رساندن کارهای نیک حتما استقامت لازم دارد، و به همین جهت در آیه فوق به دنبال امر به صبر می فرماید خداوند پاداش نیکوکاران را ضایع نمی کند، یعنی نیکوکاری بدون صبر و

ص: ۳۷

ایستادگی میسر نیست.

ذکر این نکته نیز لازم است که مردم در برابر حوادث ناگوار به چند گروه تقسیم می شوند.

۱- گروهی فورا دست و پای خود را گم می کنند و به گفته قرآن بنا بر جزع و فزع می گذارند إِذا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعاً (معارج- ۲۰).

۲- گروه دیگری دست و پای خود را گم نمی کنند و با تحمل و برد باری در برابر حادثه می ایستند.

۳- گروه دیگری هستند که علاوه بر تحمل و برد باری، شکر گزاری هم دارند.

۴- گروه دیگری هستند که در برابر این گونه حوادث عاشقانه به تلاش و کوشش بر می خیزند و برای خنثی کردن اثرات منفی حادثه، طرح ریزی می کنند، جهاد و پیکار خستگی ناپذیر به خرج می دهند و تا مشکل را از پیش پا بر ندارند آرام نمی گیرند.

خداوند به چنین صابرانی وعده پیروزی داده (إِنْ

ص: ۳۸

یَکُنْ مِنْکُمْ عِشْرُونَ صابِرُونَ یَغْلِبُوا مِائَتَیْنِ- انفال: ۶۵).

و نعمتهای بهشتی را پاداش سرای دیگر آنها شمرده (وَ جَزاهُمْ بِما صَبَرُوا جَنَّهً وَ حَرِیراً- انسان: ۱۲).(۱)

---

۱- تفسیر نمونه ج: ۹ ص: ۲۶۶ ببعد.

ص: ۳۹

## بخش ۱- عفو و بخشش خدا

### اشاره

۳- منم بخشاینده و مهربان

### آیات

نَبِّئْ عِبادِی أَنِّی أَنَا الْغَفُورُ الرَّحِیمُ حجر: ۴۹ به بندگانم خبرده که من بخشنده مهربانم! حجر/ ۴۹*

إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِیمٌ خداوند بخشنده و مهربان است. در ۱۸ مورد (بقره/ ۱۷۳ و ۱۸۲ و ۱۹۲ و ۱۹۹ و ۲۲۶*

آل عمران/ ۸۹* مائده/ ۴ و ۳۷ و ۴۲ و ۱۰۱* انفال/ ۶۹* توبه/ ۶ و ۱۰۰ و ۱۰۳* نحل/ ۱۱۵* نور/ ۵ و ۲۰ و ۶۲* حجرات/ ۱۴* مجادله/ ۱۲* ممتحنه/ ۱۲* تغابن/ ۱۴* مزمل/ ۲۰).

و وَ اللَّهُ غَفُورٌ رَحِیمٌ و خداوند بخشنده و مهربان است.

در ۱۳ مورد (بقره/ ۲۱۸* آل عمران/ ۳۱ و

ص: ۴۰

۱۲۹* نساء/ ۲۴* مائده/ ۷۷* انفال/ ۷۰* توبه/ ۲۸ و ۹۲* نور/ ۲۲* حجرات/ ۵* حدید/ ۲۸* ممتحنه/ ۷* تحریم/ ۱).

و فَأَنَّهُ غَفُورٌ رَحِیمٌ انعام/ ۵۴

و فَإِنَّ رَبَّکَ غَفُورٌ رَحِیمٌ انعام/ ۲۴۵

وَ إِنَّهُ لَغَفُورٌ رَحِیمٌ انعام/ ۱۶۵* اعراف ۱۶۶

و مِنْ بَعْدِها لَغَفُورٌ رَحِیمٌ در سه مورد (اعراف/ ۱۵۲* نحل/ ۱۱۰ و ۱۱۹).

و إِنَّ رَبِّی لَغَفُورٌ رَحِیمٌ هود/ ۴۱

و إِنَّ رَبِّی غَفُورٌ رَحِیمٌ یوسف/ ۵۳

و فَإِنِّی غَفُورٌ رَحِیمٌ نمل/ ۱۱

و نُزُلًا مِنْ غَفُورٍ رَحِیمٍ شوری/ ۳۱

و کانَ غَفُوراً رَحِیماً در سه مورد (نساء/ ۲۲ و ۱۰۵ و ۱۲۸* فرقان ۶* احزاب/ ۲۴).

وَ کانَ اللَّهُ غَفُوراً رَحِیماً در نُه مورد (نساء/ ۹۶ و ۱۰۰ و ۱۵۲* فرقان/ ۷۰* احزاب/ ۵ و ۵۰ و ۵۹ و

ص: ۴۱

۷۳* فتح/ ۱۴).

و یَجِدِ اللَّهَ غَفُوراً رَحِیماً نساء/ ۱۰۹

وَ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِیمُ در دو مورد یونس/ ۱۰۷* محمد/ ۸

و إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِیمُ در سه مورد یوسف/ ۹۸* قصص/ ۱۶* زمر/ ۵۳

وَ هُوَ الرَّحِیمُ الْغَفُورُ سباء/ ۲

وَ هُوَ الْعَزِیزُ الْغَفُورُ ملک/ ۲

وَ هُوَ الْغَفُورُ الْوَدُودُ بروج/ ۱۴

و إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِیمُ شوری/ ۵

إِنَّ رَبَّکَ واسِعُ الْمَغْفِرَهِ نجم: ۳۲ آمرزش پروردگار تو گسترده است؛

نوح: ۱۰ فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّکُمْ إِنَّهُ کانَ غَفَّاراً (۱۰) نوح/ ۱۰ نوح: ۱۰ به آنها گفتم: «از پروردگار خویش آمرزش بطلبید که او بسیار آمرزنده است ...

مِنْ بَعْدِ إِکْراهِهِنَّ غَفُورٌ رَحِیمٌ نور/ ۳۳ خداوند بعد

ص: ۴۲

از این اجبار آنها غفور و رحیم است!

البقره "۲

فَلَوْ لا فَضْلُ اللَّهِ عَلَیْکُمْ وَ رَحْمَتُهُ لَکُنْتُمْ مِنَ الْخاسِرِینَ ۶۴ و اگر فضل و رحمت خداوند بر شما نبود، از زیانکاران بودید.

وقال تعالی: إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِیمٌ در دو محل ۱۷۳ و ۱۸۲

وقال تعالی: وَ اللَّهُ رَؤُفٌ بِالْعِبادِ ۲۰۷

وقال تعالی: وَ اللَّهُ غَفُورٌ رَحِیمٌ ۲۱۸

وقال تعالی: وَ اللَّهُ یَدْعُوا إِلَی الْجَنَّهِ وَ الْمَغْفِرَهِ بِإِذْنِهِ وَ یُبَیِّنُ آیاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ یَتَذَکَّرُونَ ۲۲۱ و خدا دعوت به بهشت و آمرزش به فرمان خود می نماید، و آیات خویش را برای مردم روشن می سازد؛ شاید متذکر شوند!

وقال تعالی: وَ اللَّهُ غَفُورٌ حَلِیمٌ ۲۲۵ و خداوند، آمرزنده

ص: ۴۳

و بردبار است.

وقال تعالی: فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِیمٌ ۲۲۶ خداوند، آمرزنده و مهربان است.

وقال: وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ حَلِیمٌ ۲۳۵ و بدانید خداوند، آمرزنده و بردبار است (و در مجازات بندگان، عجله نمی کند)!

وقال: وَ لکِنَّ اللَّهَ ذُو فَضْلٍ عَلَی الْعالَمِینَ ۲۵۱. ولی خداوند نسبت به جهانیان، لطف و احسان دارد.

آل عمران "۳"

وَ اللَّهُ رَؤُفٌ بِالْعِبادِ ۳۰ خدا نسبت به همه بندگان، مهربان است.»

وقال تعالی: قُلْ إِنَّ الْفَضْلَ بِیَدِ اللَّهِ یُؤْتِیهِ مَنْ یَشاءُ وَ اللَّهُ واسِعٌ عَلِیمٌ* یَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَنْ یَشاءُ وَ اللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِیم ۷۳- ۷۴ آل عمران: ۷۳ و جز به کسی که از آیین شما پیروی می کند، (واقعاً) ایمان نیاورید!» بگو: «هدایت، هدایت الهی است! (و این

ص: ۴۴

توطئه شـما، در برابر آن بی اثر است)»! (سـپس اضافه کردند: «تصور نکنید) به کسـی همانند شـما (کتاب آسمانی) داده می شود، یا اینکه می تواننـد در پیشـگاه پروردگارتـان، بـا شـما بحث و گفتگو کننـد، (بلکه نبوّت و منطق، هر دو نزدشـماست!)» بگو: «فضل (و موهبت نبوّت و عقل و منطق، در انحصار کسـی نیست؛ بلکه) به دست خداست؛ و به هر کس بخواهد (و شایسته بداند،) می دهد؛ و خداوند، واسع [دارای مواهب گسترده] و آگاه (از موارد شایسته آن) است.

آل عمران: ۷۴ هر کس را بخواهد، ویژه رحمت خود می کند؛ و خداوند، دارای مواهب عظیم است.»

وقال تعالی: وَ لِلَّهِ ما فِی السَّماواتِ وَ ما فِی الْأَرْضِ یَغْفِرُ لِمَنْ یَشاءُ وَ یُعَذِّبُ مَنْ یَشاءُ وَ اللَّهُ غَفُورٌ رَحِیمٌ ۱۲۹ آل عمران:

۱۲۹ و آنچه در آسمانها و زمین است، از آن خداست.

هر کس را بخواهد (و شایسته بداند)،

ص: ۴۵

می بخشد؛ و هر کس را بخواهد، مجازات می کند؛ و خداوند آمرزنده مهربان است.

وقال: وَ اللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَلَی الْمُؤْمِنِینَ ۱۵۲ و او شما را بخشید؛ و خداوند نسبت به مؤمنان، فضل و بخشش دارد.

وقال: وَ لَقَدْ عَفَا اللَّهُ عَنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ حَلِیمٌ ۱۵۵ "و خداوند آنها را بخشید. خداوند، آمرزنده و بردبار است.

وقال: وَ اللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِیمِ ۱۷۴ و خداوند دارای فضل و بخشش بزرگی است..

النساء "۴ "إِنَّ اللَّهَ کانَ غَفُوراً رَحِیماً ۲۳ چرا که خداوند، آمرزنده و مهربان است.

وقال: وَ اللَّهُ غَفُورٌ رَحِیمٌ ۲۵

وقال: وَ اللَّهُ یُرِیدُ أَنْ یَتُوبَ عَلَیْکُمْ ۲۷ نساء: ۲۷ خدا می خواهد شما را ببخشد (و از آلودگی پاک نماید)،

وقال: یُرِیدُ اللَّهُ أَنْ یُخَفِّفَ عَنْکُمْ ۲۸ خدا میخواهد (با

ص: ۴۶

احکام مربوط به ازدواج با کنیزان و مانند آن،) کار را بر شما سبک کند؛

وقال إِنَّ اللَّهَ کانَ بِکُمْ رَحِیماً ۲۹ خداوند نسبت به شما مهربان است.

وقال إِنَّ اللَّهَ کانَ عَفُوًّا غَفُوراً ۴۳

وقـال تعالی: إِنَّ اللَّهَ لا یَغْفِرُ أَنْ یُشْـرَکَ بِهِ وَ یَغْفِرُ ما دُونَ ذلِکَ لِمَنْ یَشاءُ ۴۸ نساء: ۴۸ خداوند (هرگز) شرک را نمی بخشد! و پایین تر ازآن را برای هر کس (بخواهـد و شایسـته بدانـد) می بخشد. و آن کسـی که برای خدا، شـریکی قرار دهد، گناه بزرگی مرتکب شده است.

وقال: لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّاباً رَحِیماً ۶۴ خدا را توبه پذیر و مهربان می یافتند.

وقـال: فَأُولئِـکَ عَسَـی اللَّهُ أَنْ یَعْفُوَ عَنْهُمْ وَ کـانَ اللَّهُ عَفُوًّا غَفُوراً ۹۹ نساء: ۹۹ ممکن است خداونـد، آنهـا را مورد عفو قرار دهـد؛ و خداوند، عفو کننده و آمرزنده

ص: ۴۷

است.

المائده "۵

فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ۳

وقال: يَغْفِرُ لِمَنْ يَشاءُ وَ يُعَذِّبُ مَنْ يَشاءُ ۱۸ هر کس را بخواهد (و شایسته بداند)، می بخشد؛ و هر کس را بخواهد (و مستحق بداند)، مجازات می کند؛

وقال تعالی فَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ۳۴ پس بدانید (خدا توبه آنها را می پذیرد؛) خداوند آمرزنده و مهربان است.

وقال تعالی: أَ لَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْكُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ يُعَذِّبُ مَنْ يَشاءُ وَ يَغْفِرُ لِمَنْ يَشاءُ وَ اللَّهُ عَلى كُلِّ شَيْ ءٍ قَدِيرٌ ۴۰ مائده:

۴۰ آیا نمی دانی که حکومت و فرمانروائی آسمانها و زمین از آن خداست؟ هر کس را بخواهد (و مستحق بداند)، کیفر می کند؛ و هر کس را بخواهد و شایسته بداند، می بخشد؛ و خداوند بر هر چیزی قادر است.

ص: ۴۸

الانعام "۶ "فَقُلْ رَبُّكُمْ ذُو رَحْمَةٍ واسِعَةٍ ۱۴۷ بگو: «پروردگار شما، رحمت گسترده ای دارد؛

الاعراف ۷

قالَ عَذابِي أُصِيبُ بِهِ مَنْ أَشاءُ وَ رَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْ ءٍ فَسَأَكْتُبُها لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ گفت:» مجازاتم را به هر کس بخواهم می رسانم؛ و رحمتم همه چیز را فراگرفته؛ و آن را برای آنها که تقوا پیشه کنند، ۱۵۶

الانفال "۸ "قُلْ لِلَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ يَنْتَهُوا يُغْفَرْ لَهُمْ ما قَدْ سَلَفَ ۳۸ به آنها که کافر شدند بگو: «چنانچه از مخالفت باز ایستند، (و ایمان آورند،) گذشته آنها بخشوده خواهد شد؛

التوبه "۹

وقال تعالی: وَ آخَرُونَ اعْتَرَفُوا بِذُنُوبِهِمْ خَلَطُوا عَمَلًا صالِحاً وَ آخَرَ سَيِّئاً عَسَى اللَّهُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ۱۰۲ و گروهی دیگر، به گناهان خود اعتراف کردند؛ و کار خوب و بد را به هم آمیختند؛

ص: ۴۹

امید می رود که خداوند توبه آنها را بپذیرد؛ به یقین، خداوند آمرزنده و مهربان است!

وقال تعالی: إِنَّهُ بِهِمْ رَؤُفٌ رَحِیمٌ ۱۱۷ سپس خدا توبه آنها را پذیرفت، که او نسبت به آنان مهربان و رحیم است!

وقال تعالی: إِنَّ اللَّهَ لا یُضِیعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِینَ ۱۲۰ زیرا خداوند پاداش نیکوکاران را تباه نمی کند!

وقال تعالی: لِیَجْزِیَهُمُ اللَّهُ أَحْسَنَ ما کانُوا یَعْمَلُونَ ۱۲۱ تا خداوند آن را بعنوان بهترین اعمالشان، پاداش دهد.

یوسف "۱۲ قالَ لا تَثْرِیبَ عَلَیْکُمُ الْیَوْمَ یَغْفِرُ اللَّهُ لَکُمْ وَ هُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِینَ ۹۲ (یوسف) گفت: «امروز ملامت وتوبیخی بر شما نیست! خداوند شما را می بخشد؛ و او مهربانترین مهربانان است!

ابراهیم "۱۴

یَدْعُوکُمْ لِیَغْفِرَ لَکُمْ مِنْ ذُنُوبِکُمْ وَ یُؤَخِّرَکُمْ إِلی أَجَلٍ

ص: ۵۰

مُسَمًّى ۱۰ او شما را دعوت می کند تا گناهانتان را ببخشد، و تا موعد مقرّری شما را باقی گذارد!»

الحجر "۱۵ نَبِّئْ عِبادِی أَنِّی أَنَا الْغَفُورُ الرَّحِیمُ* وَ أَنَّ عَذابِی هُوَ الْعَذابُ الْأَلِیمُ ۴۹- ۵۰. بندگانم را آگاه کن که من بخشنده مهربانم!

حجر: ۵۰ و (اینکه) عذاب و کیفر من، همان عذاب دردناک است!

النور "۲۴ وَ لَوْ لا فَضْلُ اللَّهِ عَلَیْکُمْ وَ رَحْمَتُهُ وَ أَنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ حَکِیمٌ ۱۰ ور: ۱۰ و اگر فضل و رحمت خدا شامل حال شما نبود و اینکه او توبه پذیر و حکیم است (بسیاری از شما گرفتار مجازات سخت الهی می شدید)!

وقال تعالی: فَلَوْ لا فَضْلُ اللَّهِ عَلَیْکُمْ وَ رَحْمَتُهُ لَکُنْتُمْ مِنَ الْخاسِرِینَ ۲۰ نور: ۲۰ و اگر فضل و رحمت الهی شامل حال شما نبود و اینکه خدا مهربان و رحیم است (مجازات سختی دامانتان را می گرفت)!

ص: ۵۱

وقـال تعالی: أَ لا تُحِبُّونَ أَنْ یَغْفِرَ اللَّهُ لَکُمْ وَ اللَّهُ غَفُورٌ رَحِیمٌ ۲۲ آیا دوست نمی دارید خداوند شـما را ببخشد؟! و خداوند آمرزنده و مهربان است!

القصص "۲۸

مَنْ جاءَ بِالْحَسَنَهِ فَلَهُ خَیْرٌ مِنْها وَ مَنْ جاءَ بِالسَّیِّئَهِ فَلا یُجْزَی الَّذِینَ عَمِلُوا السَّیِّئاتِ إِلَّا ما کانُوا یَعْمَلُونَ ۸۴ قصص: ۸۴ کسی که کار نیکی انجـام دهـد، برای او پاداشـی بهتر از آن است؛ و به کسانی که کارهای بـد انجام دهنـد، مجازات بـدکاران جز (به مقـدار) اعمالشان نخواهد بود.

الاحزاب "۳۳ وَ بَشِّرِ الْمُؤْمِنِینَ بِأَنَّ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ فَضْلًا کَبِیراً ۴۷ ۴۷ و مؤمنـان را بشـارت ده که برای آنان از سوی خـدا فضل بزرگی است.

فاطر "۳۵

وَ لَوْ یُؤاخِذُ اللَّهُ النَّاسَ بِما کَسَبُوا ما تَرَکَ عَلی ظَهْرِها مِنْ دَابَّهٍ وَ لکِنْ یُؤَخِّرُهُمْ إِلی أَجَلٍ مُسَمًّی فَإِذا

ص: ۵۲

جاءَ أَجَلُهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ کانَ بِعِبادِهِ بَصِیراً ۴۵ اگر خداوند مردم را به سبب کارهایی که انجام داده اند مجازات کند، جنبنده ای را بر پشت زمین باقی نخواهد گذاشت! ولی (به لطفش) آنها را تا سرآمد معیّنی تأخیر می اندازد (و مهلت اصلاح می دهد) امّا هنگامی که اجل آنان فرا رسد، (خداوند هر کس را به مقتضای عملش جزا می دهد) او نسبت به بندگانش بیناست (و از اعمال و نیّات همه آگاه است)!

الزمر "۳۹"

قُلْ یا عِبادِیَ الَّذِینَ أَسْرَفُوا عَلی أَنْفُسِهِمْ لا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَهِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ یَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِیعاً إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِیمُ ۵۳ بگو:

«ای بندگان من که بر خود اسراف و ستم کرده اید! از رحمت خداوند نومید نشوید که خدا همه گناهان را می آمرزد، زیرا او بسیار آمرزنده و مهربان است.

المؤمن "۴۰

ص: ۵۳

إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَ لكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لا يَشْكُرُونَ ۶۱ خداونـد نسـبت به مردم صاحب فضل و کرم است؛ ولی بیشتر مردم شکرگزاری نمی کنند!

حمعسق "۴۲ وَ مَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَزِدْ لَهُ فِيها حُسْناً إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ ۲۳. و هر کس کار نیکی انجام دهد، بر نیکی اش می افزاییم؛ چرا که خداوندآمرزنده و سپاسگزار است.

الفتح "۴۸ وَ لِلَّهِ مُلْكُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ يَغْفِرُ لِمَنْ يَشاءُ وَ يُعَذِّبُ مَنْ يَشاءُ وَ كانَ اللَّهُ غَفُوراً رَحِيماً ۱۴ مالکیت و حاکمیت آسمانها و زمین از آن خداست؛ هر کس را بخواهد (و شایسته بداند) می بخشد، و هر کس را بخواهد مجازات می کند؛ و خداوند آمرزنده و رحیم است.

الحجرات "۴۹ وَ اللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ۵.

النجم "۵۳ "إِنَّ رَبَّكَ واسِعُ الْمَغْفِرَهِ ۳۲.

الحدید "۵۷ "وَ إِنَّ اللَّهَ بِكُمْ لَرَؤُفٌ رَحِيمٌ ۹

ص: ۵۴

وقـال تعالی: وَ یَغْفِرْ لَکُمْ وَ اللَّهُ غَفُورٌ رَحِیمٌ ۲۸* لِئَلَّا یَعْلَمَ أَهْلُ الْکِتابِ أَلَّا یَقْدِرُونَ عَلی شَیْ ءٍ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَ أَنَّ الْفَضْلَ بِیَدِ اللَّهِ یُؤْتِیهِ مَنْ یَشاءُ وَ اللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِیمِ ۲۹. ای کسانی که ایمان آورده اید! تقوای الهی پیشه کنید و به رسولش ایمان بیاورید تا دو سهم از رحمتش به شـما ببخشـد و برای شـما نوری قرار دهـد که با آن (در میان مردم و در مسـیر زندگی خود) راه بروید و گناهان شـما را ببخشد؛ و خداوند غفور و رحیم است.

حدید: ۲۹ تا اهل کتاب بداننـد که قادر بر چیزی از فضل خدا نیسـتند، و تمام فضل (و رحمت) به دست اوست، به هر کس بخواهد آن را می بخشد؛ و خداوند دارای فضل عظیم است!

ص: ۵۵

## اخبار

اورا بخشنده خدائیست

۱-

علی بن فضال از پدرش گفت: امام رضا علیه السلام در باره گفته خدای عزوجل:

إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ وَ إِنْ أَسَأْتُمْ فَلَها "فرمود: إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ، اگر خوبی کردید برای خودتان است و ان أسأتم فلها رب یغفر لها".

ص ۱۶۳ "و اگربدی نمودید، پس برای آن (نفس) پروردگاریست می بخشد اورا.(۱)

---

۱- بیان: قیل: اللام بمعنی علی، أی إن أسأتم فعلی أنفسکم، وقیل: أی فلها الجزاء والعقاب، وما فی الخبر مبنی علی الاکتفاء ببعض الکلام وهو شائع. عیون اخبار الرضا: ۱۶۳؛ بحارالأنوار: ۶/ ۳ باب ۱۹ ح ۱ از آن.

ص: ۵۶

اگر بی اعتنا نباشی بخشوده شوی

-۲

محمد بن مسعر گوید: نزد سفیان بن عیینه بودم، مردی آمد و به او گفت: از پیامبر صلی الله علیه وآله روایت شده است او فرمود: إن العبد إذا أذنب ذنبا ثم علم أن الله عزوجل یطلع علیه غفر له، فقال ابن عیینه: هذا کتاب الله عزوجل قال الله تعالی ":وَ ما کُنْتُمْ تَسْتَتِرُونَ أَنْ یَشْهَدَ عَلَیْکُمْ سَمْعُکُمْ وَ لا أَبْصارُکُمْ وَ لا جُلُودُکُمْ وَ لکِنْ ظَنَنْتُمْ أَنَّ اللَّهَ لا یَعْلَمُ کَثِیراً مِمَّا تَعْمَلُونَ (۲۲) وَ ذلِکُمْ ظَنُّکُمُ الَّذِی ظَنَنْتُمْ بِرَبِّکُمْ أَرْداکُمْ فصلت: ۲۲ شما اگر گناهانتان را مخفی می کردید نه بخاطر این بود که از شهادت گوش و چشمها و پوستهای تنتان بیم داشتید، بلکه شما گمان می کردید که خداوند بسیاری از اعمالی را که انجام می دهید نمی داند! آری این گمان بدی بود که درباره پروردگارتان داشتید و همان

ص: ۵۷

موجب هلاکت شما گردید، و سرانجام از زیانکاران شدید!

"فإذا کان الظن هو المردی کان ضده هو المنجی.(۱) پس وقتی که گمان هلاک کننده باشد، ضد آن (یقین) نجات دهنده است.

من او را بخشیدم!

۳- جندب (۲) (اباذر) غفاری گفت: روزی مردی

---

۱- فصلت: ۲۲- ۲۳ أرداکم أی أهلککم، نسب الهلاک إلی الظن لانه کان سببا لهلاکهم، وإنما أهلکهم الله سبحانه جزاءا علی أفعالهم القبیحه، وظنونهم السیئه. امالی شیخ طوسی: ص ۳۳؛ بحارالأنوار: ۶/ ۳ ب ۱۹ ح ۲ از آن.

۲- بضم الجیم، وسکون النون، وفتح الدال المهمله، هو جندب بن جناده، أبو ذر الغفاری، الصحابی الکبیر، أول من حیی رسول الله صلی الله علیه وآله بتحیه الاسلام، وفیه قال النبی صلی ا لله علیه وآله وسلم: ما أظلت الخضراء، ولا أقلت الغبراء علی ذی لهجه أصدق من أبی ذر، کثیره جدا، نفاه عثمان إلی الربذه فمات فیها سنه ۳۲ وصلی الله علیه ابن مسعود، له خطبه یشرح فیها الامور بعد النبی صلی الله علیه وآله.

ص: ۵۸

پیش رسول خدا گفت: به خدا قسم خدا فلانی را نمی بخشد!، رسول خدا فرمود: خدای عزوجل فرمود: من ذا الذی تألی علی أن لا أغفر لفلان؟ فإنی قد غفرت لفلان، وأحبطت عمل المتألی بقوله: لا یغفر الله لفلان.(۱) کیست قسم می خورد من فلانی را نمی بخشم؟! پس همانا من فلانی را بخشیدم ولی گوینده این سخن را به خاطر این گفتارش، نمی بخشم"

---

۱- امالی شیخ طوسی: ص ۳۶؛ بحارالأنوار: ۶/ ۴ ب ۱۹ ح ۳ ازآن قال الجزری: فیه: من یتألی علی الله یکذبه أی من حکم علیه وحلف کقولک: والله لیدخلن الله فلانا النار و هو من الالیه: الیمین، یقال: آلی یؤلی ایلائاً، وتألی یتألی تألیا، والاسم الالیه، ومنه الحدیث: من المتألی علی الله؟.

ص: ۵۹

دوستدارانم در بهشتند!

۴- حسین بن سلیمان الزاهد گوید: شنیدم أبا جعفر الطائی الواعظ می گفت: شنیدم وهب ابن منبه می گفت: در زبور داود سطرهائی خوانـدم: ازآن چیزی را حفظ کردم و چیزهائی را حفظ نکردم و فراموش نمودم از آنچه که حفظ کردم گفته خداوند به داود است: یا داود اسمع منی ما أقول- والحق أقول- من أتانی وهو یحبنی أدخلته الجنه، یا داود اسمع منی ما أقول- والحق أقول- من أتانی وهو مستحی من المعاصـی التی عصانی بها غفرتها له وأنسـیتها حافظیه، یا داود اسـمع منی ما أقول- والحق أقول- من أتانی بحسنه واحده أدخلته الجنه. قال داود: یا رب وما هذه الحسنه؟ قال: من فرج عن عبد مسلم، فقال داود: إلهی لذلک لا ینبغی لمن عرفک أن

ص: ۶۰

ینقطع (۱) رجاءه منک ".ص ۶۵"(۱) ای داود بشـنو از من آنچه را که می گـویم: «و گفته ام حق است» هرکس پیش من آیـد و او مرا دوست می دارد، او را به بهشت داخـل می کنم، ای داود بشـنو از من آنچه را که می گویم: «و گفته ام حق است» هر کس پیش من آیـد واو از معصـیت هائی که به من نافرمانی کرده، حیا میکند (و خجالت می کشد)، من گناهانش را به او می بخشم و از خاطر دو فرشته نگهبانش، فراموش می کنم؛

ای داود بشـنو از من آنچه را که می گویم: «و گفته ام حق است» هرکس پیش من آیـد بـا یـک عمـل خوب، اورا داخـل بهشت می کنم، داود گفت: ای خدا آن یک حسنه چیست؟! فرمود: هرکس از یک بنده مسلمان، گرفتاری را کنار زند (و اورا از آن گرفتاری نجات

---

۱- امالی شیخ طوسی: ص ۶۵؛ بحارالأنوار: ۶/ ۴ ب ۱۹ ح ۴ ازآن.( ۱) فی المصدر: کذلک لا ینبغی لمن عرفک ان یقطع.

ص: ۶۱

دهد)؛

پس داود گفت: خدایا به این خاطر شایسته نیست هر کس ترا می شناسد، امیدش را از تو ببرّد (و قطع نماید و نا امید شود).

آزاد کرده های خدا کجاست؟!

۵- أبی بصیر گفت: شنیدم أبا جعفر علیه السلام می فرمود: إذا دخل أهل الجنه الجنه بأعمالهم فأین عتقاء الله من النار؟..(۱) وقتی که اهل بهشت با اعمالشان به بهشت داخل شدند پس کجایند آزاد کرده های خدا از آتش (و کجاست عفو و کرم وبخش و گذشت لایق به شأن او؟!).

---

۱- امالی شیخ طوسی: ص ۱۱۲؛ بحارالأنوار: ۶/ ۵ ب ۱۹ ح ۵ ازآن. فی المصدر بعد ذلک: ان لله عتقائاً من النار..

ص: ۶۲

هیچ چیزی شبیه عفو خدانیست

۶- فضیل بن عثمان، از أبی عبیده گفت: به (امام باقر علیه السلام) گفتم: جعلت فداك ادع الله لی فإن لی ذنوبا کثیره، فقال: مه یا أبا عبیده لا یکون الشیطان عونا علی نفسک، (۳) إن عفو الله لا یشبهه شئ.(۱) فدایت شوم برایم دعا کن، من گناهان زیاد دارم، پس فرمود: آرام باش ای ابا عبیده شیطان یاور تو نباشد به ضرر (وناامید وهلاك ساختن) جانت! یقیناً خدا را عفویست که هیچ چیز به آن شباهت ندارد (و کسی میزان آن را درك نمی کند).

خداوند بزرگوارتر است از اعاده عذاب

۷- ابن محبوب، از (ابوحمزه) ثمالی، از أبی

---

۱- کتاب حسین بن سعید ص ۹۴ بحارالأنوار: ۶/ ۵ ب ۱۹ ح ۶ از آن.( ۳) أی عونا علی هلاك نفسك بیأسك وقنوطك عن رحمه الله..

ص: ۶۳

إسحاق گفت: علی علیه السلام فرمود: لأحدثنکم بحدیث یحق علی کل مؤمن أن یعیه، (۴) فحدثنا به غداه ونسیناه عشیه، قال: فرجعنا إلیه فقلنا له: الحدیث الذی حدثتناه به غداه نسیناه وقلت: هو حق کل مؤمن أن یعیه فأعده علینا، فقال: إنه ما من مسلم یذنب ذنبا فیعفو الله عنه فی الدنیا إلا کان أجل وأکرم من أن یعود علیه بعقوبه فی الآخره، وقد أجله فی الدنیا، وتلا هذه الآیه ":وَ ما أَصابَکُمْ مِنْ مُصِیبَهٍ فَبِما کَسَبَتْ أَیْدِیکُمْ وَ یَعْفُوا عَنْ کَثِیرٍ."(۱) البته برای شما حدیثی می گویم که تمام مؤمن ها حق دارند آن را حفظ نمایند، صبح حدیث را فرمود، ولی شب آن را فراموش کردیم، دوباره خدمتشان برگشته و گفتیم حدیثی که صبح به ما گفتی و فرمودی برای

---

۱- کتاب حسین بن سعید ص ۹۴ بحارالأنوار: ۶/ ۵ ب ۱۹ ح ۷ از آن.( ۴) أی جدیر لکل مسلم وحقیق علیه أن یقبله ویتدبره ویحفظه.

ص: ۶۴

هرمؤمن لازم است آن را یاد بگیرد، یادمان رفته است آن را دوباره برای ما اعاده کن، پس فرمود:

«همانـانیست مسـلمانی که گنـاهی کرده و خـدا آن را در دنیـا عفـو نمـوده است، بزرگوارتر و گرامی تر است از اینکه برگردد و در آخرت مجازات نمایـد و در حالی که در دنیا به او مهلت داده بودو این آیه را تلاوت نمود «هرمصـیبتی به شـما برسـد، در اثر اعمال خودتان است و از خیلی (گناهانتان) گذشت می کند».

امیدوار کننده ترین چیزی که شنیده ای

۸- شریح بن عبید گوید: جبیر بن نفیر نقل می کرد مردانی از نواس بن سمعان پرسیدند و گفتند: ما أرجی شئ سمعت لنا من رسول الله صلی الله علیه واله؟ فقال النواس: سمعت رسول الله صلی الله علیه واله یقول: من مات وهو لا یشرک بالله عزوجل شیئا فقد حلّت له مغفرته، إن شاء أن یغفر له، قال نواس عند ذلک: إنی لارجو أن لا

ص: ۶۵

یموت أحـد تحل له مغفره الله عزوجل إلا غفر له".(۱) چیست امیدوارترین (آیه که) از رسول خدا صـلی الله علیه و آله و سلم شنیده ای؟ گفت: شنیدم رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

هرکس بمیرد و او به خـدای عزوجـل شـریک قرار نـداده است، پس به تحقیق او به مغفرت خـدا رسـیده است نواس گفت: من امید دارم کسی نمرده باشد که مغفرت خدای عزوجل به او رسیده باشد، مگر اینکه اورا می بخشد است.

اگر بداند مجازات دهنده منم

۹- محمد بن مسـلم، از أبی عبد الله علیه السـلام فرمود: پیامبر صـلی الله علیه واله فرمود: قال الله جل جلاله: من أذنب ذنبا فعلم أن لی أن اعذبه وأن لی أن أعفو

---

۱- امالی شیخ: ۲۴۹؛ بحارالأنوار: ۶/ ۵ ب ۱۹ ح ۸ از آن.

ص: ۶۶

عنه عفوت عنه.(۱) خدای جلّ جلاله فرمود: هرکس گناهی کرده و می داند که منم مجازات کننده و بخشنده او، من اورا (به خاطر این دانستنش) می بخشم.

در سومین بار رسوا سازد!

۱۰- ابوحمزه ثمالی گوید: أبو جعفر علیه السلام فرمود: ما من عبد یعمل عملا لا یرضاه الله إلا ستره الله علیه أولا، فإذا ثنی ستر الله، فإذا ثلث أهبط الله ملکا فی صوره آدمی یقول للناس: فعل کذا وکذا.(۲) نیست بنده ای که عمل خلاف رضای خدا را انجام دهد، مگر این که، خدا آن را می پوشاند پس اگر دوباره تکرار نماید، باز

---

۱- ثواب الأعمال: ص ۱۷۳؛ محاسن برقی: ص ۲۷، بحارالأنوار: ۶/ ۶ ب ۱۹ ح ۹ از آن دو. در الخرائج مطبوع این گونه آمده است: عفوا لا یخطر علی بال العباد.

۲- کتاب حسین بن سعید؛ بحارالأنوار: ۶/ ۶ ب ۱۹ ح ۹ از آن.

ص: ۶۷

می پوشاند و اگر سومین بار انجام دهد، خداوند فرشته ای را به صورت آدمی فرو فرستد و در میان مردم شایع می کند که (فلانی) این کار را کرده است (و او را رسوا سازد)!.

مشرک بخشوده نشود!

۱۱- أبو هاشم گوید: شنیدم أبا محمد می گفت: إن الله لیعفو یوم القیامه عفوا یحیط علی العباد، (۱) حتی یقول أهل الشرک ":والله ربنا ما کنا مشرکین "فذکرت فی نفسی حدیثا حدثنی به رجل من أصحابنا من أهل مکه: أن رسول الله صلی الله علیه واله قرأ (۲"): إن الله یغفر الذنوب "فقال الرجل: ومن أشرک؟ (۳) فأنکرت ذلک وتنمرت (۴) للرجل فأنا أقول فی نفسی، إذ أقبل عَلَیَّ فقال ":إن الله لا یغفر أن یشرک به ویغفر ما دون ذلک لمن یشاء "بئسما قال هذا، (۵)

ص: ۶۸

وبئسما روی!.(۱) خداوند روز قیامت بگونه ای می بخشد که بندگان را احاطه نماید (و فرا گیرد) تاجائی که مشرکان گویند به خدا قسم ما مشرک نبودیم! (پس از شنیدن این گفته امام) حدیثی یادم آمد که مردی از اصحاب ما از اهل مکه، از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم این گونه قرائت نمود «خداوند گناهان را می بخشد» آن مرد گفت: اگرچه مشرک باشد؟! من از این سخن مرد خوشم نیامد و بر او متغیر شدم (که چه حرفی است می زنی و این ها در ذهنم میگذشت که حضرت) برگشت و به من فرمود: «خداوند مشرک را نمی بخشد و بقیه را برای هر که خواست، می بخشد»، چه بد گفته (آن مرد گفت:) و چه ناپسند روایت کرده است.

---

۱- ( ۱) عفواً لا یخطر علی بال العباد؛( ۲) قد قرأ( ۳) و من المشرک( ۴) أی تنکرت و تغیرتُ و همزت للرجل و انتهرت الرجل( ۵) قال ذلک الرجل؛ الخرایج و الجرایح: ص ۱۰۹؛ بحارالأنوار: ۶/ ۶ ب ۱۹ ح ۱۰ از آن.

ص: ۶۹

معنای صراط مستقیم

۱۲- أبی معمر السعدی گوید: علی بن أبی طالب علیه السلام در باره آیه «إِنَّ رَبِّی عَلی صِراطٍ مُسْتَقِیمٍ» فرمود:

یعنی أنه علی حق یجزی بالاحسان إحسانا وبالسیئ سیئا، یعفو عمن یشاء ویغفر سبحانه وتعالی.(۱) یعنی خداوند بر حق است خوبی را با نیکی و بدی را با بدی، جزا دهد، در می گذرد از کسی که می خواهد و می بخشد منزه است، خدای تعالی.

از عذاب بندگان پیر مسلمان حیا می کنم!

۱۳- با اسنادش از جعفر بن محمد از پدران بزرگوارش علیهم السلام از رسول الله صلی الله علیه وآله فرمود: قال الله: إنّی لأستحیی من عبدی وأمتی

---

۱- بحارالأنوار: ۶/ ۷ ب ۱۹ ح ۱۳ از تفسیر عیاشی.

ص: ۷۰

یشیبان فی الاسلام ثم أعذّبهما.(۱) خداوند فرمود: من حیا می کنم از بنده ام و کنیزم که در اسلام پیر شده اند سپس آنها را عذاب نمایم.

پرده پوشی فرشتگان

۱۴- روایت شده است. أن فی العرش تمثالا لکل عبد فإذا اشتغل العبد بالعباده رأت الملائکه تمثاله، وإذا اشتغل العبد بالمعصیه أمر الله بعض الملائکه حتی یحجبوه بأجنحتهم لئلا تراه الملائکه، فذلک معنی قوله صلی الله علیه واله: یامن أظهر الجمیل وستر القبیح.(۲) همانا در عرش (خدا) برای هر بنده ای تمثالی وجود دارد پس زمانی بنده مشغول عبادت شود فرشتگان آن تمثال را می بینند و وقتی که به معصیت مشغول گشت،

---

۱- بحارالأنوار: ۶/ ۷ب ۱۹ ح ۱۴ از نوادر راوندی.

۲- بحارالأنوار: ۶/ ۷ب ۱۹ ح ۱۵ از دعوات راوندی.

ص: ۷۱

خداوند بعضـی از فرشـتگان را امرمی کند با بالشان اورا بپوشانند تا فرشـته ها اورا نبینند، پس این است معنای گفته رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم «ای کسی که زیبائی را آشکار و بدی را می پوشاند».

۱۵- امام صادق علیه السلام فرمود: سمعت الله یقول:

"وَ أَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمانِهِمْ لا يَبْعَثُ اللَّهُ مَنْ يَمُوتُ "أفتراک یجمع بین أهل القسمین فی دار واحده وهی النار؟.(۱) شنیدم خداوند فرمود: «و (مشـرکین) قسم یاد کردند با سوگند سـخت که خداوند هرکهِ را مرده است، برانگیخته نمی کند» آیا می بینی که خداوند هردو قسم خورده (یا هردو گروه مؤمن و کافر) را در یک خانه و آن آتش است، در یک جا گِرد آورد؟!.

ای امت محمد من از حقم گذشتم

۱۷- از پیامبر صلی الله علیه واله فرمود: ینادی مناد

---

۱- بحارالأنوار: ۶/ ۷ ب ۱۹ ح ۱۶ از دعوات راوندی.

ص: ۷۲

یـوم القیـامه تحـت ا لعرش: یـا امـه محمـد مـا کـان لی قبلکم فقـد وهبته لکم، وقـد بقیت التبعـات (۱) بینکم فتواهبـوا وادخلـوا الجنه برحمتی.(۲) نداکننده در روز قیامت در زیر عرش ندا کند «ای امت محمد، آنچه که حقی از برای من، پیش شـما هست، بتحقیق آن را به شما بخشیدم فقط می ماند مطالبات بین خودتان، پس همدیگر را ببخشید و داخل شوید بر بهشت من.(۳)

---

۱- التبعه: مایتتب علی الفعل من الخیر و الشرّ الّا أنّ استعماله فی الشّرّ أکثر وهو المرادهنا.

۲- ( ۱) التبعه: ما یترتب علی الفعل من الخیر أو الشـر، الا أن اسـتعماله فی الشر أکثر، وهو المراد ههنا. بحارالأنوار: ۶/ ۷ ب ۱۹ ح ۱۷ از عدهالداعی.

۳- إن الوعـد غیر الوعیـد، إن العرب لا یعـد عیبا ولا خلفا أن یعد شـرا ثم لم یفعله، بل یری ذلک کرما وفضـلا، وإنما الخلف أن یعد خیرا ثم لم یفعله.

ص: ۷۳

## بخش ۲- توبه و أنواع و شرائط آن

### اشاره

۲- منم بخشنده توبه کنندگان

یکی از وسایل عفو و بخش خـدای مهربان، توبه و بازگشت بندگان به سوی اوست، و این برگشـتن در پیشـگاه خدای عز و جلّ، به انـدازه ای اهمیت دارد که در روایـات از زبـان بزرگـان دین آن را به مردی تشبیه نموده انـد که تمـام مواد خوراکی و آشامیـدنی و مرکب خود را در بیابان بی آب و علف و سوزان، گم نمایـد و با نا امیدی آماده مرگ و جان دادن شود و دیگر هیچ امیدی به زنده ماندن نداشته باشد، در این موقعیت خطرناک، کسی به او مژده دهد که زاد و راحله ات را پیدا کرده و آورده ام، او چقدر خوشحال می شود؛

ص: ۷۴

چنین است خداوند که اگر بنده گناهکار و فراری از درگاهش، توبه کرده و به سوی خدا برگردد، خیلی خوشحال می شود، در این مورد به تک تک آیات و اخبار آتی، دقت نمائید و ببینید خداوند چه قدر مشتاق است بنده گناه کارش باز گشت کند و به آغوش رحمت او برگردد و او چه وعده هائی، به این گونه اشخاص داده است.

آیات

طه: ۸۲ وَ إِنِّی لَغَفَّارٌ لِمَنْ تابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ صالِحاً ثُمَّ اهْتَدی (۸۲) طه: ۸۲ و من هر که را توبه کند، و ایمان آورد، و عمل صالح انجام دهد، سپس هدایت شود، می آمرزم!

و إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَحِیمٌ البته خدا توبه پذیر و مهربان است ۴۹/ ۱۲

لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّاباً رَحِیماً نساء: ۶۴ نساء: ۶۴ ما هیچ

ص: ۷۵

پیامبری را نفرستادیم مگر برای این که به فرمان خدا، از وی اطاعت شود. و اگر این مخالفان، هنگامی که به خود ستم می کردند (و فرمانهای خـدا را زیر پا می گذاردنـد)، به نزد تو می آمدنـد؛ و از خـدا طلب آمرزش می کردند؛ و پیامبر هم برای آنها اسـتغفار می کرد؛ خدا را توبه پذیر و مهربان می یافتند.

إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِیمُ همانا اوست توبه پذیر و مهربان در دومورد بقره ۳۷ و ۵۴

و إِنَّکَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِیمُ بقره ۱۲۸ البته توئی توبه پذیر و مهربان

و أَنَا التَّوَّابُ الرَّحِیمُ بقره ۱۶۰ منم توبه پذیر و مهربان.

و فَإِنَّهُ کانَ لِلْأَوَّابِینَ غَفُوراً ۱۷/ ۲۵ پس اوست بخشنده توبه کنندگان.

و أَنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِیمُ در دو مورد ۹/ ۱۰۵ و ۱۱۹ بدرستی که خداست توبه پذیر و رحم کننده.

ص: ۷۶

و کانَ تَوَّاباً رَحِیماً ۴/ ۱۵ خداست توبه پذیر رحم کننده.

البقره "۲"

فَتَلَقَّی آدَمُ مِنْ رَبِّهِ کَلِماتٍ فَتابَ عَلَیْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِیمُ ۳۷ بقره: سپس آدم از پروردگارش کلماتی دریافت داشت؛ (و با آنها توبه کرد.) و خداوند توبه او را پذیرفت؛ چرا که خداوند توبه پذیر و مهربان است.

وقال تعالی: وَ إِذْ قالَ مُوسی لِقَوْمِهِ یا قَوْمِ إِنَّکُمْ ظَلَمْتُمْ أَنْفُسَکُمْ بِاتِّخاذِکُمُ الْعِجْلَ فَتُوبُوا إِلی بارِئِکُمْ فَاقْتُلُوا أَنْفُسَکُمْ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ عِنْدَ بارِئِکُمْ فَتابَ عَلَیْکُمْ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِیمُ ۵۴ بقره: و زمانی را که موسی به قوم خود گفت: «ای قوم من! شما با انتخاب گوساله (برای پرستش) به خود ستم کردید! پس توبه کنید؛ و به سوی خالق خود باز گردید! و خود را [یکدیگر را] به قتل برسانید! این کار، برای شما در

ص: ۷۷

پیشگاه پروردگارتان بهتر است.» سپس خداوند توبه شما را پذیرفت؛ زیرا که او توبه پذیر و رحیم است.

وقال: وَ أَرِنا مَناسِکَنا وَ تُبْ عَلَیْنا إِنَّکَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِیمُ ۱۲۸ و طرز عبادتمان را به ما نشان ده و توبه ما را بپذیر، که تو توبه پذیر و مهربانی!

وقال تعالی: إِلَّا الَّذِینَ تابُوا وَ أَصْلَحُوا وَ بَیَّنُوا فَأُولئِکَ أَتُوبُ عَلَیْهِمْ وَ أَنَا التَّوَّابُ الرَّحِیمُ ۱۶۰ بقره: مگر آنها که توبه و بازگشت کردند، و (اعمال بد خود را، با اعمال نیک،) اصلاح نمودند، (و آنچه را کتمان کرده بودند؛ آشکار ساختند؛) من توبه آنها را می پذیرم؛ که من توّاب و رحیمم.

وقال تعالی: إِنَّ اللَّهَ یُحِبُّ التَّوَّابِینَ وَ یُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِینَ ۲۲۲ خداوند، توبه کنندگان را دوست دارد، و پاکان را (نیز) دوست دارد.

وقال تعالی: وَ إِنْ تُبْتُمْ فَلَکُمْ رُؤُسُ أَمْوالِکُمْ ۲۷۹. و اگر توبه کنید، سرمایه های شما، از آنِ شماست [اصل

ص: ۷۸

سرمایه، بدون سود]

آل عمران "۳"

إِلَّا الَّذِینَ تابُوا مِنْ بَعْدِ ذلِکَ وَ أَصْلَحُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِیمٌ ۸۹ مگر کسانی که پس از آن، توبه کنند و اصلاح نمایند؛ (و در مقام جبران گناهان گذشته برآیند، که توبه آنها پذیرفته خواهد شد؛) زیرا خداوند، آمرزنده و بخشنده است.

وقال تعالی: لَیْسَ لَکَ مِنَ الْأَمْرِ شَیْ ءٌ أَوْ یَتُوبَ عَلَیْهِمْ أَوْ یُعَذِّبَهُمْ فَإِنَّهُمْ ظالِمُونَ ۱۲۸. هیچ گونه اختیاری (در باره عفو کافران، یا مؤمنان فراری از جنگ،) برای تو نیست؛ مگر اینکه (خدا) بخواهد آنها را ببخشد، یا مجازات کند؛ زیرا آنها ستمگرند.

النساء "۴"

وَ الَّذانِ یَأْتِیانِها مِنْکُمْ فَآذُوهُما فَإِنْ تابا وَ أَصْلَحا فَأَعْرِضُوا عَنْهُما إِنَّ اللَّهَ کانَ تَوَّاباً رَحِیماً نساء: ۱۶ و از میان شما، آن مردان و زنانی که (همسر ندارند، و)

ص: ۷۹

مرتکب آن کار (زشت) می شوند، آنها را آزار دهید (و حد بر آنان جاری نمایید)! و اگر توبه کنند، و (خود را) اصلاح نمایند، (و به جبران گذشته بپردازند،) از آنها درگذرید! زیرا خداوند، توبه پذیر و مهربان است.

إِنَّمَا التَّوْبَهُ عَلَى اللَّهِ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السُّوءَ بِجَهالَهٍ ثُمَّ يَتُوبُونَ مِنْ قَرِيبٍ فَأُولئِكَ يَتُوبُ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَ كانَ اللَّهُ عَلِيماً حَكِيماً* نساء:

۱۷ پذیرش توبه از سوی خدا، تنها برای کسانی است که کار بدی را از روی جهالت انجام می دهند، سپس زود توبه می کنند. خداوند، توبه چنین اشخاصی را می پذیرد؛ و خدا دانا و حکیم است.

وَ لَيْسَتِ التَّوْبَهُ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السَّيِّئاتِ حَتَّى إِذا حَضَرَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قالَ إِنِّي تُبْتُ الْآنَ وَ لَا الَّذِينَ يَمُوتُونَ وَ هُمْ كُفَّارٌ أُولئِكَ أَعْتَدْنا لَهُمْ عَذاباً أَلِيماً ۱۶- ۱۸ نساء: ۱۸ برای کسانی که کارهای بد را انجام می دهند، و هنگامی که مرگ یکی از آنها فرا می رسد

ص: ۸۰

می گوید: «الان توبه کردم!» توبه نیست؛ و نه برای کسانی که در حال کفر از دنیا می روند؛ اینها کسانی هستند که عذاب دردناکی برایشان فراهم کرده ایم.

وقال تعالی: یُرِیدُ اللَّهُ لِیُبَیِّنَ لَکُمْ وَ یَهْدِیَکُمْ سُنَنَ الَّذِینَ مِنْ قَبْلِکُمْ وَ یَتُوبَ عَلَیْکُمْ وَ اللَّهُ عَلِیمٌ حَکِیمٌ

وَ اللَّهُ یُرِیدُ أَنْ یَتُوبَ عَلَیْکُمْ ۲۶- ۲۷ خداوند می خواهد (با این دستورها، راه های خوشبختی و سعادت را) برای شما آشکار سازد، و به سنتهای (صحیح) پیشینیان رهبری کند. و خداوند دانا و حکیم است.

نساء: ۲۷ خدا می خواهد شما را ببخشد (و از آلودگی پاک نماید)، امّا آنها که پیرو شهواتند، می خواهند شما بکلی منحرف شوید.

وقال تعالی: إِلَّا الَّذِینَ تابُوا وَ أَصْلَحُوا وَ اعْتَصَمُوا بِاللَّهِ وَ أَخْلَصُوا دِینَهُمْ لِلَّهِ فَأُولئِکَ مَعَ الْمُؤْمِنِینَ ۱۴۶. مگر

ص: ۸۱

آنها که توبه کنند، و جبران و اصلاح نمایند، به (دامن لطف) خدا، چنگ زنند، و دین خود را برای خدا خالص کنند؛ آنها با مؤمنان خواهند بود؛ و خداوند به افراد باایمان، پاداش عظیمی خواهد داد.

المائده "۵"

وَ لَهُمْ فِی الْآخِرَهِ عَذابٌ عَظِیمٌ* و در آخرت، مجازات عظیمی دارند. إِلَّا الَّذِینَ تابُوا مِنْ قَبْلِ أَنْ تَقْدِرُوا عَلَیْهِمْ فَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِیمٌ ۳۳- ۳۴ مگر آنها که پیش از دست یافتن شما بر آنان، توبه کنند؛ پس بدانید (خدا توبه آنها را می پذیرد؛) خداوند آمرزنده و مهربان است.

وقال تعالی: فَمَنْ تابَ مِنْ بَعْدِ ظُلْمِهِ وَ أَصْلَحَ فَإِنَّ اللَّهَ یَتُوبُ عَلَیْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِیمٌ ۳۹ اما آن کس که پس از ستم کردن، توبه و جبران نماید، خداوند توبه او را می پذیرد؛ (و از این مجازات؛ معاف می شود، زیرا) خداوند، آمرزنده و مهربان است.

ص: ۸۲

وقـال تعـالی: وَ حَسِـبُوا أَلَّا تَکُونَ فِتْنَهٌ فَعَمُوا وَ صَـمُّوا ثُمَّ تابَ اللَّهُ عَلَیْهِمْ ثُمَّ عَمُوا وَ صَـمُّوا کَثِیرٌ مِنْهُمْ وَ اللَّهُ بَصِـیرٌ بِما یَعْمَلُونَ ۷۱ گمان کردنـد مجازاتی در کار نخواهد بود! از این رو (از دیدن حقایق و شـنیدن سـخنان حق،) نابینا و کر شدند؛ سـپس (بیدار گشـتند، و) خداونـد توبه آنها را پـذیرفت، دیگربار (در خواب غفلت فرو رفتنـد، و) بسـیاری از آنها کور و کر شدنـد؛ و خداوند، به آنچه انجام می دهند، بیناست.

وقال تعالی: أَ فَلا یَتُوبُونَ إِلَی اللَّهِ وَ یَسْتَغْفِرُونَهُ وَ اللَّهُ غَفُورٌ رَحِیمٌ ۷۴. یا به سوی خدا بازنمی گردند، و از او طلب آمرزش نمی کنند؟ (در حالی که) خداوند آمرزنده مهربان است.

الانعام "۶ "وَ إِذا جاءَکَ الَّذِینَ یُؤْمِنُونَ بِآیاتِنا فَقُلْ سَلامٌ عَلَیْکُمْ کَتَبَ رَبُّکُمْ عَلی نَفْسِهِ الرَّحْمَهَ أَنَّهُ مَنْ عَمِلَ مِنْکُمْ سُوءاً بِجَهالَهٍ ثُمَّ تابَ مِنْ بَعْدِهِ وَ أَصْلَحَ فَأَنَّهُ غَفُورٌ رَحِیمٌ ۵۴. هرگاه کسانی که به آیات ما ایمان

ص: ۸۳

دارند نزد تو آیند، به آنها بگو: «سلام بر شما پروردگارتان، رحمت را بر خود فرض کرده؛ هر کس از شما کار بدی از روی نادانی کند، سپس توبه و اصلاح (و جبران) نماید، (مشمول رحمت خدا می شود چرا که) او آمرزنده مهربان است.»

الاعراف "۷ "فَلَمَّا أَفاقَ قالَ سُبْحانَکَ تُبْتُ إِلَیْکَ وَ أَنَا أَوَّلُ الْمُؤْمِنِینَ ۱۴۳ «خداوندا! منزهی تو (از اینکه با چشم تو را ببینم)! من به سوی تو بازگشتم! و من نخستین مؤمنانم!»

وقال تعالی: وَ الَّذِینَ عَمِلُوا السَّیِّئاتِ ثُمَّ تابُوا مِنْ بَعْدِها وَ آمَنُوا إِنَّ رَبَّکَ مِنْ بَعْدِها لَغَفُورٌ رَحِیمٌ ۱۵۳. و آنها که گناه کردند، و بعد از آن توبه نمودند و ایمان آوردند، (امید عفو او را دارند؛ زیرا) پروردگار تو، در پی این کار، آمرزنده و مهربان است.

التوبه "۹ "فَإِنْ تُبْتُمْ فَهُوَ خَیْرٌ لَکُمْ ۳ اگر توبه کنید، برای شما بهتر است!

ص: ۸۴

وقال تعالى: فَإِنْ تابُوا وَ أَقامُوا الصَّلاهَ وَ آتَوُا الزَّكاهَ فَخَلُّوا سَبِيلَهُمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ۵ هرگاه توبه کنند، و نماز را برپا دارند، و زکات را بپردازند، آنها را رها سازید؛ زیرا خداوند آمرزنده و مهربان است!

وقال تعالى: فَإِنْ تابُوا وَ أَقامُوا الصَّلاهَ وَ آتَوُا الزَّكاهَ فَإِخْوانُكُمْ فِي الدِّينِ ("ولی) اگر توبه کنند، نماز را برپا دارند، و زکات را بپردازند، برادر دینی شما هستند؛

وقال عزوجل: وَ يَتُوبُ اللَّهُ عَلى مَنْ يَشاءُ ۱۵ و خدا توبه هر کس را بخواهد (و شایسته بداند)، می پذیرد؛

وقال تعالى: فَإِنْ يَتُوبُوا يَكُ خَيْراً لَهُمْ ۷۴ اگر توبه کنند، برای آنها بهتر است؛

وقال سبحانه: وَ آخَرُونَ اعْتَرَفُوا بِذُنُوبِهِمْ خَلَطُوا عَمَلًا صالِحاً وَ آخَرَ سَيِّئاً عَسَى اللَّهُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ۱۰۲ "و گروهی دیگر، به گناهان خود اعتراف کردند؛ و کار خوب و بد را به هم

ص: ۸۵

آمیختند؛ امید می رود که خداوند توبه آنها را بپذیرد؛ به یقین، خداوند آمرزنده و مهربان است!

وقال جل شأنه: ا لَمْ یَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ هُوَ یَقْبَلُ التَّوْبَهَ عَنْ عِبادِهِ وَ یَأْخُذُ الصَّدَقاتِ وَ أَنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِیمُ ۱۰۴ آیا نمی دانستند که فقط خداوند توبه را از بندگانش می پذیرد، و صدقات را می گیرد، و خداوند توبه پذیر و مهربان است؟!

وقال تعالی: وَ آخَرُونَ مُرْجَوْنَ لِأَمْرِ اللَّهِ إِمَّا یُعَذِّبُهُمْ وَ إِمَّا یَتُوبُ عَلَیْهِمْ ۱۰۶ و گروهی دیگر، به فرمان خدا واگذار شده اند (و کارشان با خداست)؛ یا آنها را مجازات می کند، و یا توبه آنان را می پذیرد (، هر طور که شایسته باشند)؛ و خداوند دانا و حکیم است!

وقال سبحانه: التَّائِبُونَ الْعابِدُونَ ۱۱۲ توبه کنندگان، عبادت کاران، سپاسگویان، سیاحت کنندگان، رکوع کنندگان، سجده آوران، آمران به معروف، نهی کنندگان از منکر، و حافظان حدود (و مرزهای) الهی، (مؤمنان

ص: ۸۶

حقیقی اند)؛ و بشارت ده به (اینچنین) مؤمنان!

وقال تعالی: ثُمَّ تابَ عَلَیْهِمْ إِنَّهُ بِهِمْ رَؤُفٌ رَحِیمٌ ۱۱۷ سپس خدا توبه آنها را پذیرفت، که او نسبت به آنان مهربان و رحیم است!

وقال سبحانه

ثُمَّ تابَ عَلَیْهِمْ لِیَتُوبُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِیمُ ۱۱۸. سپس خدا رحمتش را شامل حال آنها نمود، (و به آنان توفیق داد) تا توبه کنند؛ خداوند بسیار توبه پذیر و مهربان است!

هود "۱۱"

وَ أَنِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّکُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَیْهِ یُمَتِّعْکُمْ مَتاعاً حَسَناً إِلی أَجَلٍ مُسَمًّی وَ یُؤْتِ کُلَّ ذِی فَضْلٍ فَضْلَهُ ۳ و اینکه: از پروردگار خویش آمرزش بطلبید؛ سپس بسوی او بازگردید؛ تا شما را تا مدّت معیّنی، (از مواهب زندگی این جهان،) به خوبی بهره مند سازد؛ و به هر صاحب فضیلتی، به مقدار فضیلتش ببخشد! و

ص: ۸۷

اگر (از این فرمان) روی گردان شوید، من بر شما از عذاب روز بزرگی بیمناکم!

وقال تعالی- ناقلا عن هود-: وَ یا قَوْمِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّکُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَیْهِ یُرْسِلِ السَّماءَ عَلَیْکُمْ مِدْراراً وَ یَزِدْکُمْ قُوَّةً إِلی قُوَّتِکُمْ ۵۲ و ای قوم من! از پروردگارتان طلب آمرزش کنید، سپس به سوی او بازگردید، تا (باران) آسمان را پی در پی بر شما بفرستد؛ و نیرویی بر نیرویتان بیفزاید! و گنهکارانه، روی (از حق) بر نتابید!» وقال- ناقلا عن صالح علیه السلام-: فَاسْتَغْفِرُوهُ ثُمَّ تُوبُوا إِلَیْهِ إِنَّ رَبِّی قَرِیبٌ مُجِیبٌ ۶۱. سپس به سوی او بازگردید، که پروردگارم (به بندگان خود) نزدیک، و اجابت کننده (خواسته های آنها) است!»

النحل "۱۶"

ثُمَّ إِنَّ رَبَّکَ لِلَّذِینَ عَمِلُوا السُّوءَ بِجَهالَةٍ ثُمَّ تابُوا مِنْ بَعْدِ ذلِکَ وَ أَصْلَحُوا إِنَّ رَبَّکَ مِنْ بَعْدِها لَغَفُورٌ رَحِیمٌ

ص: ۸۸

۱۱۹. امّا پروردگارت نسبت به آنها که از روی جهالت، بدی کرده اند، سپس توبه کرده و در مقام جبران برآمده اند، پروردگارت بعد از آن آمرزنده و مهربان است.

مریم "۱۹"

إِلَّا مَنْ تابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ صالِحاً فَأُولئِکَ یَدْخُلُونَ الْجَنَّهَ وَ لا یُظْلَمُونَ شَیْئاً ۶۰ مگر آنان که توبه کنند، و ایمان بیاورند، و کار شایسته انجام دهند؛ چنین کسانی داخل بهشت می شوند، و کمترین ستمی به آنان نخواهد شد..

طه "۲۰ "وَ إِنِّی لَغَفَّارٌ لِمَنْ تابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ صالِحاً ثُمَّ اهْتَدی ۸۲ و من هر که را توبه کند، و ایمان آورد، و عمل صالح انجام دهد، سپس هدایت شود، می آمرزم!

وقال سبحانه: ثُمَّ اجْتَباهُ رَبُّهُ فَتابَ عَلَیْهِ وَ هَدی ۱۲۲. سپس پروردگارش او را برگزید، و توبه اش را پذیرفت، و هدایتش نمود.

ص: ۸۹

النور "۲۴ "إِلَّا الَّذِينَ تابُوا مِنْ بَعْدِ ذلِكَ وَ أَصْلَحُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ۵ مگر کسانی که بعد از آن توبه کنند و جبران نمایند (که خداوند آنها را می بخشد) زیراخداوند آمرزنده و مهربان است.

وقال سبحانه: وَ لَوْ لا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَتُهُ وَ أَنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ حَكِيمٌ ۱۰

وقال تعالی: وَ تُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعاً أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ۳۱. و همگی بسوی خدا بازگردید ای مؤمنان، تا رستگار شوید!

الفرقان "۲۵ "إِلَّا مَنْ تابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ عَمَلًا صالِحاً فَأُوْلئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئاتِهِمْ حَسَناتٍ وَ كانَ اللَّهُ غَفُوراً رَحِيماً* وَ مَنْ تابَ وَ عَمِلَ صالِحاً فَإِنَّهُ يَتُوبُ إِلَى اللَّهِ مَتاباً ۷۰- ۷۱. مگر کسانی که توبه کنند و ایمان آورند و عمل صالح انجام دهند، که خداوند گناهان آنان را به حسنات مبدّل می کند؛ و خداوند همواره آمرزنده و مهربان بوده است!

ص: ۹۰

فرقان: ۷۱ و کسی که توبه کند و عمل صالح انجام دهد، بسوی خدا بازگشت می کند (و پاداش خود را از او می گیرد.)

القصص "۲۸ "قالَ رَبِّ إِنِّی ظَلَمْتُ نَفْسِی فَاغْفِرْ لِی فَغَفَرَ لَهُ إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِیمُ ۱۶ (سپس) عرض کرد: «پروردگارا! من به خویشتن ستم کردم؛ مرا ببخش!» خداوند او را بخشید، که او غفور و رحیم است!

وقال تعالی: فَأَمَّا مَنْ تابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ صالِحاً فَعَسی أَنْ یَکُونَ مِنَ الْمُفْلِحِینَ ۶۷. اما کسی که توبه کند، و ایمان آورد و عمل صالحی انجام دهد، امید است از رستگاران باشد!

الاحزاب "۳۲ "وَ یُعَذِّبَ الْمُنافِقِینَ إِنْ شاءَ أَوْ یَتُوبَ عَلَیْهِمْ إِنَّ اللَّهَ کانَ غَفُوراً رَحِیماً ۲۴ هدف این است که خداوند صادقان را بخاطر صدقشان پاداش دهد، و منافقان را هرگاه اراده کند عذاب نماید یا (اگر توبه کنند) توبه آنها را بپذیرد؛ چرا که خداوند آمرزنده و

ص: ۹۱

رحیم است.

وقال تعالی: لِيُعَذِّبَ اللَّهُ الْمُنافِقِينَ وَ الْمُنافِقاتِ وَ الْمُشْرِكِينَ وَ الْمُشْرِكاتِ وَ يَتُوبَ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِناتِ وَ كانَ اللَّهُ غَفُوراً رَحِيماً ۷۳. هدف این بود که خداوند مردان و زنان منافق و مردان و زنان مشرک را (از مؤمنان جدا سازد و آنان را) عذاب کند، و خدا رحمت خود را بر مردان و زنان باایمان بفرستد؛ خداوند همواره آمرزنده و رحیم است!

الزمر "۳۹ "وَ أَنِيبُوا إِلى رَبِّكُمْ وَ أَسْلِمُوا لَهُ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ الْعَذابُ ثُمَّ لا تُنْصَرُونَ ۵۴. و به درگاه پروردگارتان بازگردید و در برابر او تسلیم شوید، پیش از آنکه عذاب به سراغ شما آید، سپس از سوی هیچ کس یاری نشوید!

المؤمن "۴۰ غافِرِ الذَّنْبِ وَ قابِلِ التَّوْبِ ۳ خداوندی که آمرزنده گناه، پذیرنده توبه،

وقال تعالی: فَاغْفِرْ لِلَّذِينَ تابُوا وَ اتَّبَعُوا سَبِيلَكَ ۷.

ص: ۹۲

پس کسانی را که توبه کرده و راه تو را پیروی می کنند بیامرز، و آنان را از عذاب دوزخ نگاه دار!

حمعسق "۴۲ "وَ هُوَ الَّذِی یَقْبَلُ التَّوْبَهَ عَنْ عِبادِهِ وَ یَعْفُوا عَنِ السَّیِّئاتِ وَ یَعْلَمُ ما تَفْعَلُونَ ۲۵. او کسی است که توبه را از بندگانش می پذیرد و بدیها را می بخشد، و آنچه را انجام می دهید می داند.

الاحقاف "۴۶ "إِنِّی تُبْتُ إِلَیْکَ وَ إِنِّی مِنَ الْمُسْلِمِینَ ۱۵. من به سوی تو بازمی گردم و توبه می کنم، و من از مسلمانانم!»

الحجرات "۴۹ "وَ مَنْ لَمْ یَتُبْ فَأُولئِکَ هُمُ الظَّالِمُونَ ۱۱ و آنها که توبه نکنند، ظالم و ستمگرند!

وقال تعالی: وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَحِیمٌ ۱۲. تقوای الهی پیشه کنید که خداوند توبه پذیر و مهربان است!

المجادله "۵۸ "فَإِذْ لَمْ تَفْعَلُوا وَ تابَ اللَّهُ عَلَیْکُمْ ۱۳. اکنون که این کار را نکردید و خداوند توبه شما را

ص: ۹۳

پذیرفت،

التحریم "۶۶ "إِنْ تَتُوبا إِلَی اللَّهِ فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُکُما ۴ اگر شما (همسران پیامبر) از کار خود توبه کنید (به نفع شماست، زیرا) دلهایتان از حق منحرف گشته؛

وقال تعالی: قانِتاتٍ تائِباتٍ ۵ متواضع، توبه کار، عابد،

وقال سبحانه: یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا تُوبُوا إِلَی اللَّهِ تَوْبَهً نَصُوحاً عَسی رَبُّکُمْ أَنْ یُکَفِّرَ عَنْکُمْ سَیِّئاتِکُمْ وَ یُدْخِلَکُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِی مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهارُ ای کسانی که ایمان آورده اید بسوی خدا توبه کنید، توبه ای خالص؛ امید است (با این کار) پروردگارتان گناهانتان را ببخشد و شما را در باغهایی از بهشت که نهرها از زیر درختانش جاری است وارد کند، در آن روزی که خداوند پیامبر و کسانی را که با او ایمان آوردند خوار نمی کند؛ این در حالی است که نورشان پیشاپیش آنان و از سوی راستشان در حرکت است، و می گویند:

ص: ۹۴

«پروردگارا! نور ما را کامل کن و ما را ببخش که تو بر هر چیز توانائی!» ۸.

المزمل "۷۳ "عَلِمَ أَنْ لَنْ تُحْصُوهُ فَتـابَ عَلَیْکُمْ ۲۰. او می دانـد که شـما نمی توانیـد مقدار آن را (به دقّت) اندازه گیری کنید (برای عبادت کردن)، پس شما را بخشید؛

البروج "۸۵ "إِنَّ الَّذِینَ فَتَنُوا الْمُـؤْمِنِینَ وَ الْمُؤْمِنـاتِ ثُمَّ لَمْ یَتُوبُوا فَلَهُمْ عَـذابُ جَهَنَّمَ ۱۰. کسـانی که مردان و زنان باایمان را شـکنجه دادند سپس توبه نکردند، برای آنها عذاب دوزخ و عذاب آتش سوزان است!

النصر "۱۱۰ "وَ اسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ کانَ تَوَّاباً ۳. و از او آمرزش بخواه که او بسیار توبه پذیر است!

ص: ۹۵

## اخبار

درِ توبه کَی بسته می شود!

۱- ربیع ابن محمد المسلی، و عبد الله بن سلیمان العامری، از أبی عبد الله علیه السلام فرمود: ما زالت الارض إلا ولله تعالی ذکره فیها حجه یعرف الحلال والحرام، ویدعو إلی سبیل الله عزوجل، ولا تنقطع الحجه من الارض إلا أربعین یوما قبل القیامه، فإذا رفعت الحجه اغلقت أبواب التوبه، ولم ینفع نفسا إیمانها لم تکن آمنت من قبل أن ترفع الحجه، اولئک شرار من خلق الله وهم الذین تقوم علیهم القیامه.(۱) زمین نمی گذرد مگر اینکه برای خدای تعالی ذکره در آن حجتیست که حلال و حرام را در آن معرفی (وبیان) می کند و به سوی راه خدا دعوت می کند، و زمین از حجت منقطع نمی شود مگر چهل روز

---

۱- بحارالأنوار: ج ۶ ص ۱۸ ب ۲۰ ح ۱ از کمال الدین: ص ۱۳۳.

ص: ۹۶

پیش از قیامت، پس زمانی که حجت برداشته شد، درهای توبه بسته می شود و بر هیچکس (در آن وقت) ایمانش بهره ای نمی رساند که قبل از برداشته شدن حجت، ایمان نیاورده باشد، آنهایند بدترین از آفریدگان خدا و بر آنها قیامت قیام می کند.

مدت توبه

۱- مردی از أبی جعفر علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: من تاب فی سنه تاب الله علیه، ثم قال: إن السنه لکثیره، ثم قال: من تاب فی شهر تاب الله علیه، ثم قال: إن الشهر لکثیر، ثم قال: من تاب فی یومه تاب الله علیه، ثم قال: إن یوما لکثیر، ثم قال: من تاب إذا بلغت نفسه هذه- یعنی حلقه- تاب الله علیه.(۱) هرکس یک

---

۱- بحارالأنوار: ج ص ۱۸ ب ۲۰ ح ۳۳ از ثواب الأعمال: ص ۱۷۳ و از کتاب حسین بن سعید.

ص: ۹۷

سال پیش از فرا رسیدن مرگش (برگردد و) توبه نماید از او در گذرد!، سپس فرمود: یک سال زیاد است بلکه یک ماه، یک ماه نیز زیاد است بلکه یک روز، یک روز هم زیاد است، زمانی که جانش به حلقومش رسید (و توبه نمود)، خداوند از او می پذیرد.

۲- حلبی، از أبی عبد الله علیه السلام در باره فرموده خدا ":وَ لَيْسَتِ التَّوْبَةُ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السَّيِّئاتِ حَتَّى إِذا حَضَرَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قالَ إِنِّي تُبْتُ الْآنَ "قال: هو الفرار تاب حین لم ینفعه التوبه ولم یقبل منه.(۱) برای کسانی که کارهای بد را انجام می دهند، و هنگامی که مرگ یکی از آنها فرا می رسد می گوید: «الان توبه کردم!» توبه نیست؛ و نه برای کسانی که در حال کفر از دنیا می روند؛ اینها کسانی هستند که عذاب دردناکی برایشان فراهم کرده ایم.

فرمود: آن فرار کردن (از توبه) است تا هنگامی که

@@@

رحمت واسعه خدای مهربان بر گنهکاران ؛ ص۹۸

---

۱- نساء: ۱۸ بحارالأنوار: ج ۶ ص ۱۸ ح ۴۳.

ص: ۹۸

دیگر توبه برایش نفعی ندارد و از او پذیرفته نشود.

۳- اعرابی به پیش پیامبر صلی الله علیه واله آمد و گفت: به من خبر بده از توبه تا کی پذیرفته می شود؟! پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: إنّ بابها مفتوح لابن آدم لا یسد حتی تطلع الشمس من مغربها، وذلک قوله ":هَلْ یَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ تَأْتِیَهُمُ الْمَلائِکَهُ أَوْ یَأْتِیَ رَبُّکَ أَوْ یَأْتِیَ بَعْضُ آیاتِ رَبِّکَ "وهی طلوع الشمس من مغربها "یَوْمَ یَأْتِی بَعْضُ آیاتِ رَبِّکَ لا یَنْفَعُ نَفْساً إِیمانُها لَمْ تَکُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ کَسَبَتْ فِی إِیمانِها خَیْراً."(۱) البته درِ توبه باز است، برای فرزند آدم بسته نشود، تا خورشید از مغرب طلوع نماید و این است گفته خدا «آیا جز این انتظار دارند که فرشتگان (مرگ) به سراغشان آیند، یا خداوند (خودش) به سوی آنها بیاید، یا بعضی از آیات پروردگارت (و نشانه های رستاخیز)؟! اما آن روز که بعضی از

---

۱- انعام: ۱۵۸: بحارالأنوار: ج ۶ ص ۱۸ ح ۴۶ از تفسیر امام علیه السلام.

ص: ۹۹

آیات پروردگارت تحقّق پـذیرد، ایمان آوردن افرادی که قبلًا ایمان نیاورده اند، یا در ایمانشان عمل نیکی انجام نداده اند، سودی به حالشـان نخواهـد داشت! بگو: ( «اکنون که شـما چنین انتظـارات نـادرستی داریـد،) انتظـار بکشـید مـا هم انتظـار (کیفر شـما را) می کشیم!»» و آن طلوع آفتاب از مغربش است

۴- أبی عبد الله علیه السـلام از: رسول خداصـلی الله علیه واله فرمود: من تاب قبل موته بسنه قبل الله توبته، ثم قال: إن السنه لکثیره من تـاب قبل موته بشـهر قبل الله توبته، ثم قال: إن الشـهر لکثیر من تاب قبل موته بجمعه قبل الله توبته، ثم قال: إن الجمعه لکثیره من تاب قبـل موته بیوم قبل الله توبته، ثم قال: إن الیوم لکثیر (۲) من تاب قبل أن یعاین قبل الله توبته.(۱) هرکس یک سال پیش از فرا رسیدن مرگش (برگردد و) توبه نماید از او می

---

۱- ( ۲) فی المصدر: إن یوما لکثیر. م. بحارالأنوار: ج ۶ ص ۱۹ ح ۴ از اصول کافی: ج ۲ ص ۴۴.

ص: ۱۰۰

پـذیرد!، سـپس فرمود: یـک سـال زیـاد است بلکه یک ماه پیش از مرگش، یک ماه نیز زیاد است بلکه پیش از مرگش یک جمعه، خداوند توبه اورا می پذیرد، سـپس فرمود یک جمعه زیاداگر پیش از مرگش توبه نماید از او می پذیرد باز فرمود یک روز هم زیاد است، هرکس پیش از دیدن مرگ توبه نماید، خداوند از او می پذیرد.

۵- رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: إن الله یقبل توبه عبده ما لم یغرغر، توبوا إلی ربکم قبل أن تموتوا، وبادروا بالاعمال الزاکیه قبل أن تشـتغلوا، وصلوا الذی بینکم وبینه بکثره ذکرکم إیاه.(۱) خداونـد توبه بنده اش را می پذیرد ما دام مرگ او فرا نرسد، برگردید به سوی پروردگارتان پیش از آن که بمیرید و به کارهای پاک مبادرت کنید، پیش از آن که مشـغول (و گرفتار) شوید، و وصل کنید

---

۱- بحارالأنوار: ج ۶ ص ۱۹ ح ۵ از دعوات راوندی.

ص: ۱۰۱

آنچه که میان خود و خدایتان هست، با ذکر (و یاد کردن) زیاد اورا.

دستان رحمت خدا صبح وشام گسترده است!

سکونی، از امام صادق، از پدرانش علیهم السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه واله فرمود: إن لله عزوجل فضولا من رزقه ینحله من یشاء من خلقه، والله باسط یدیه عند کل فجر لمذنب اللیل هل یتوب فیغفر له؟

ویبسط یدیه عند مغیب الشمس لمذنب النهار هل یتوب فیغفر له؟(۱) "برای خدای عزّو جلّ (زیادی و) تفضل هائی از رزقش هست که عطا نماید برای کسی که از خلقش بخواهد و خداوند دستان (قدرتش) را هر صبحگاهان برای گناهکاران شب، می گستراند که آیا

---

۱- فی الکافی: أو قال: بسطت. بحارالأنوار: ج ۶ ص ۱۸ ح ۳۴ ازثواب الأعمال: ص ۱۷۳.

ص: ۱۰۲

او توبه می کند تا اورا ببخشد؟ و می گستراند دست های (رحمتش) را نزدیک غروب بر گناهکار روز، آیا برمی گردد که اورا ببخشد؟.

توبه اینها پذیرفته نمی شود!

۱- سؤال شد از امام صادق علیه السلام از قول خدای عزوجل ":وَ لَیسَتِ التَّوْبَهُ لِلَّذِینَ یَعْمَلُونَ السَّیِّئاتِ حَتَّی إِذا حَضَرَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قالَ إِنِّی تُبْتُ الْآنَ "فرمود: ذلک إذا عاین أمر الآخره.(۱) این زمانیست که کار آخرت (مرگ) رامشاهده نمود.

۲- إبراهیم بن محمد الهمدانی گفت به امام رضا علیه السلام گفتم: لایّ علّه أغرق الله فرعون وقد آمن به وأقر بتوحیده؟ قال: لانه آمن عند رؤیه البأس، والایمان عند رویه البأس غیر مقبول، وذلک حکم الله تعالی ذکره فی

---

۱- بحارالأنوار: ج ۶ ص ۱۸ ح ۳ از من لایحضره الفقیه: ص ۳۲.

ص: ۱۰۳

السلف والخلف، به چه علت خداوند فرعون را غرق نمود در حالی که به او ایمان آورد و به توحیدش اقرار نمود؟! فرمودبرای اینکه هنگام دیـدن مرگ ایمان آورد و ایمان در این موقعیت پذیرفته نیست زیرا حکم خدا تعالی ذکره درگذشـته و آینده این بوده اسـت خدای عز وجل فرموده

"فَلَمَّا رَأَوْا بَأْسَنا قالُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَحْدَهُ وَ كَفَرْنا بِما كُنَّا بِهِ مُشْرِكِينَ فَلَمْ يَكُ يَنْفَعُهُمْ إِيمانُهُمْ لَمَّا رَأَوْا بَأْسَنا ۸۵- ۸۴ غافر ":غافر (مؤمن): ۸۴ هنگـامی که عـذاب (شدیـد) مـا را دیدنـد گفتنـد: «هم اکنون به خداونـد یگـانه ایمان آوردیم و به معبودهایی که همتای او می شمردیم کافر شدیم!»

مؤمن: ۸۵ امّا هنگامی که عـذاب ما را مشاهـده کردنـد، ایمانشان برای آنها سودی نـداشت! این سنّت خداونـد است که همواره در میان بندگانش اجرا شده، و آنجا کافران زیانکار شدند! اما آن

وقال عزوجل ":يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آياتِ رَبِّكَ لا يَنْفَعُ نَفْساً إِيمانُها لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي

ص: ۱۰۴

إِيمانِها خَيْراً انعام: ۱۵۸ "انعام ۱۵۸ روزی که بعضـی از آیـات پروردگارت تحقّق پـذیرد، ایمان آوردن افرادی که قبلًا ایمان نیاورده اند، یا در ایمانشان عمل نیکی انجام نداده اند، سودی به حالشان نخواهد داشت!

وهكذا فرعون لما أدركه الغرق قال ":آمَنْتُ أَنَّهُ لا إِلهَ إِلَّا الَّذِی آمَنَتْ بِهِ بَنُوا إِسْرائِيلَ وَ أَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ "فقيل له ":آلْآنَ وَ قَدْ عَصَيْتَ قَبْلُ وَ كُنْتَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ الخبر(۱) یونس ۹۰ «ایمان آوردم که هیچ معبودی، جز کسی که بنی اسرائیل به او ایمان آورده اند، وجود ندارد؛ و من از مسلمین هستم!»

یونس: ۹۱ (امّا به او خطاب شد:) الآن؟!! در حالی که قبلًا عصیان کردی، و از مفسدان بودی!

وَ مَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِناً مُتَعَمِّداً فَجَزاؤُهُ جَهَنَّمُ خالِداً فِيها

---

۱- بحارالأنوار: ج ۶ ص ۲۳ ح ۲۵ از علل الشریع ص ۳۱ و عیون الاخبار: ص ۲۳۳- ۲۳۲.

ص: ۱۰۵

وَ غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ لَعَنَهُ وَ أَعَدَّ لَهُ عَذاباً عَظِيماً "نساء: ۹۳ نساء: ۹۳ و هر کس، فرد باایمانی را از روی عمد به قتل برساند، مجازاتِ او دوزخ است؛ در حالی که جاودانه در آن می ماند؛ و خداوند بر او غضب می کند؛ و او را از رحمتش دور می سازد؛ و عذاب عظیمی برای او آماده ساخته است. قال: من قتل مؤمنا على دينه لم تقبل توبته، ومن قتل نبيا أو وصى نبى فلا توبه له لانه لا يكون مثله فيقاد به (۱)، وقد يكون الرجل بين المشركين واليهود والنصارى يقتل رجلا من المسلمين على أنه مسلم فإذا دخل فى الاسلام محاه الله عنه لقول رسول الله صلى الله عليه واله: الاسلام يجب ما كان قبله- أى يمحوا- لان أعظم الذنوب عند الله هو الشرك بالله (۲) فإذا قبلت توبته فى الشرك قبلت فيما سواه، فأما قول الصادق عليه السلام ليست له توبه فإنه عنى من قتل نبيا أو وصيا فليست له توبه لانه لا يقاد أحد بالانبياء وبالاوصياء إلا الاوصياء والانبياء، والانبياء والاوصياء لا يقتل بعضهم بعضا

ص: ۱۰۶

، وغیر النبی والوصی لا ـ یکون مثل النبی والوصی فیقاد به، وقاتلهما لا یوفق بالتوبه.(۱) هرکس مؤمنی را به خاطر دینش به قتل رساند، توبه او پذیرفته نخواهدشد، و هرکس پیغمبر

یا وصی پیغمبری را بکشد، برای او توبه نخواهد بود، زیرا برای او مانندی نیست تا قصاص بکنند، گاهی مردی میان مشرکین و یهود و نصاری، مسلمانی را به خاطر اسلامش بکشد، پس وقتی که مسلمان شد (و ایمان آورد) خداوند گناه این قتل را به او می بخشد، زیرا رسول خدا فرمود: اسلام گذشته را محو می نماید، چون بزرگترین گناه شرک است، پس زمانی که توبه او پذیرفته شد، دیگری هم قبول می شود.

---

۱- ( ۱) فی النهایه: أی لا یکون مثله فیقتل به بدلا منه.( ۲) فی المصدر: الا ان اعظم الذنوب عند الله هو الشرک بالله. بحارالأنوار: ج ۶ ص ۲۲ ح ۲۴ از تفسیر قمی ص ۱۳۶.

ص: ۱۰۷

اما گفته امام صادق علیه السلام که اورا توبه نیست، مقصود قاتل نبی یا وصی است چون کسی برابر آن دو نیست تا قصاص شود مگر خودشان که آنها هم هیچ وقت همدیگر را نمی کشند، پس قاتل آنها موفق به توبه نمی شود.

شفاعت کننده بهتر از توبه نیست

۱- از أمیر المؤمنین علیه السلام فرمود: لا شفیع أنجح من التوبه.(۱) شفاعت کننده بهتر از توبه نیست.

۲- طلحه بن زید، عن أبی عبد الله علیه السلام فرمود: مرّ عیسی بن مریم علیه السلام علی قوم یبکون فقال: علی ما یبکی هؤلاء؟ فقیل: یبکون علی ذنوبهم، قال: فلیدعوها

---

۱- بحارالأنوار: ج ۶ ص ۲۰ ح ۶ از تحف العقول: ص ۹۳ و امالی صدوق ص ۹۳ و ۱۹۳.

ص: ۱۰۸

یغفر لهم.(۱) عیسی علیه السلام گذشت بر گروهی که می گریستند فرمود اینها برای چه گریه می کنند؟، گفتند:

برای گناهانشان، فرمود: پس آن را رها سازند (و گناه نکنند) بخشوده شوند.

۳- عبد الله بن سنان، از أبی عبد الله علیه السلام فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: یلزم لُامّتی فی أربع: یحبون التائب، ویرحمون الضعیف، ویعینون المحسن، ویستغفرون للمذنب.(۲) بر امت من چهارچیز ضرورت دارد؛ توبه کننده را دوست دارند و ناتوان را رحم نمایند و به نیکوکار، یاری رسانند، و برگناهکار طلب بخشش کنند.

---

۱- بحارالأنوار: ج ۶ ص ۲۰ ح ۷ و ۱۲۹ از امالی صدوق ص ۲۹۷.

۲- فی نسخه: للذنب. بحارالأنوار: ج ۶ ص ۲۰ ح ۱۰ از خصال شیخ صدوق ج ۱ ص ۱۱ ۱۱۴.

ص: ۱۰۹

مؤمن این خصلت ها را ندارد

حلبی گوید: شنیدم أبا عبد الله علیه السلام می فرمود:

إنّ المؤمن لا تکون سجیته الکذب، ولا البخل، ولا الفجور، ولکن ربما ألمّ بشیٔ من هذا لا یدوم علیه. فقیل له:

أفیزنی؟ قال نعم، هو مفتن تواب، ولکن لا یولد له من تلک النطفه.(۱) مؤمن نهادش دروغ گو نشود، و نه بخالت کند و نه دریده گی (و کار زشت) نماید، ای بسا به لغزش می افتد اما ادامه نمی دهد، پرسیده شد آیا زنا می کند؟! فرمود: بلی او به فتنه افتاده و توبه کننده است و لکن از آن نطفه برایش بچه زائیده نشود.

صاحب چهار چیز از چهار دیگر محروم نمی شود

۱- أبی الصباح گفت: جعفر بن محمد علیهما السلام

---

۱- السجیه: الطبیعه والخلق. ألم: باشر اللمم أی صغار الذنوب. بحارالأنوار: ج ۶ ص ۲۰ از خصال ۱/ ۶۴.

ص: ۱۱۰

فرمود: من اعطی أربعا لم یحرم أربعا: من اعطی الدعاء لم یحرم الاجابه، ومن اعطی الاستغفار لم یحرم التوبه، ومن اعطی الشکر لم یحرم الزیاده، ومن اعطی الصبر لم یحرم الاجر.(۱) به هرکس چهار چیز داده شد از چهار چیز محروم نشود، هرکس (توفیق) دعا داده شد از اجابت محروم نشود، و هرکس استغفار داده شد از توبه محروم نشود و هرکس شکر کردن به او داده شد از زیادت محروم نشود، و به هرکس صبر (وشکیبائی) عطا شود، از پاداش (خوب) محروم نگردد.

۲- عمرو بن أبی المقدام، از أبی عبد الله، از پدرش علیهما السلام رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود:

أربع من کن فیه کان فی نور الله الاعظم: من کانت عصمه أمره شهاده أن لا إله إلا الله وأنی رسول الله، ومن إذا أصابته مصیبه قال: إنا لله وإنا إلیه راجعون، ومن إذا أصاب خیرا قال

---

۱- بحارالأنوار: ج ۶ ص ۲۱ ح ۱۲ از خصال صدوق ۱/ ۹۴.

ص: ۱۱۱

: الحمـد لله رب العـالمین، ومن إذا أصـاب خطیئه قـال: أسـتغفر الله و أتوب إلیه.(۱) چهـار چیز در هر کس باشـد، در نور اعظم خـدا باشـد، هرکس نگهدارنـده کارش شـهادتین گفتن باشـد، و هرکس هروقت مصـیبت به او رخ دهد، انّا للّه و انا الیه راجعون گوید، و هرکس خیری به او رخ دهد ستایش خدا را بجاآورد و هرکس از او خطائی سر زد (فوراً) استغفار کند.

برگردید به سوی خدا

در حـدیث چهارصـدگانه، أمیر المـؤمنین علیه السـلام فرمود: توبوا إلی الله عزوجـل وادخلوا فی محبته، إِنَّ اللَّهَ یُحِبُّ التَّوَّابِینَ وَ یُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِینَ، والمؤمن تواب.(۲) به سوی خدای عز و جل بر گردید و در محبت او داخل شوید چون خدا فرموده

---

۱- بحارالأنوار: ج ۶ ص ۲۱ ح ۱۳ از خصال: ۱/ ۱۰۶- ۱۰۵.

۲- بحارالأنوار: ج ۶ ص ۲۱ ح ۱۴ از خصال: ۲/ ۱۶۲.

ص: ۱۱۲

«خداوند توبه و پاکی کنندگان را دوست دارد» و مؤمن توبه کننده (و باز گردنده) است.

به سندهای سه گانه از امام رضا از پدرانش علیهم السلام رسول خدا صلی الله علیه واله فرمود: مثل المؤمن عند الله عزوجل کمثل ملک مقرب، وإن المؤمن عند الله عزوجل أعظم من ذلک، ولیس شیء أحب إلی الله من مؤمن تائب، أو مؤمنه تائبه.(۱) مثال مؤمن نزد خدای عزوجل مانند مثال فرشته مقرب است و مؤمن نزد خدای عز جل درجه اش بالاتر از این است، و نیست چیزی دوست داشتنی تر به خدا از مؤمن توبه کننده یا زن مؤمنه توبه کننده.

توبه کننده مانند بی گناهان است

---

۱- بحارالأنوار: ج ۶ ص ۲۱ ح ۱۵ از عیون الأخبار: ص ۱۹۸ و ازصحیفهالرضاء علیه السلام.

ص: ۱۱۳

دارُم، از امام رضا علیه السلام، ازپدرانش علیهم السلام رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود: التائب من الذنب کمن لا ذنب له.(۱) توبه کننده از گناه مانند کسی است که گناه نکرده باشد.

تعجب از مأیوسان است!

شعبی گوید شنیدم علی بن أبی طالب علیه السلام می فرمود: العجب ممن یقنط ومعه الممحاه! فقیل له: وما الممحاه؟ قال: الاستغفار.(۲) تعجب از کسی است با وجود نابود کننده، مأیوس شود، گفته شد «ممحاه و» نابود کننده چیست؟! فرمود استغفار نمودن.

برادر دعبل، از امام رضا، از پدران بزرگوارش علیهم السلام أمیر المؤمنین علیه السلام فرمود: تعطروا

---

۱- بحارالأنوار: ج ۶ ص ۲۱ ح ۱۶ از عیون الأخبار: ص ۲۳۰.

۲- بحارالأنوار: ج ۶ ص ۲۱ ح ۱۷ از امالی ص ۵۴.

ص: ۱۱۴

بالاستغفار لا تفضحكم روائح الذنوب.(۱) خوشبو کنید خود را با استغفار، رسوا نسازد شمارا بوهای بد گناهان.

ابن عقبه، از پدرش، از أبی عبد الله علیه السلام در باره قول خدای عزوجل "ثُمَّ تابَ عَلَيْهِمْ "قال: هی الاقاله. (أی هی الصفح عنه والاعراض عن ذنبه.)(۲) فرمود: آن اقاله یعنی درگذشتن از او و اعراض (و روگرداندن) از گناهانش است.

یک داستان شگفت انگیز!

دخل معاذ بن جبل علی رسول الله صلی الله علیه واله باکیا فسلم فرد علیه السلام ثم قال: ما یبکیک یا معاذ؟ فقال: یا

---

۱- بحارالأنوار: ج ۶ ص ۲۲ ح ۱۷ از امالی ص ۲۳۷.

۲- بحارالأنوار: ج ۶ ص ۲۱ ح ۱۸ از معانی الاخبار: ص ۶۵.

ص: ۱۱۵

رسول الله إن بالباب شابا

طری الجسد،(۱) نقی اللون، حسن الصوره، یبکی علی شبابه بکاء الثکلی علی ولدها، یرید الدخول علیک، فقال النبی صلی الله علیه واله: ادخل علی الشاب یا معاذ، فأدخله علیه فسلم معاذ بن جبل گریه کنان خدمت رسول خدا داخل شد وسلام کرد و حضرت جواب سلام داد، فرمود: چه چیزی ترا به گریه انداخته ای معاذ؟ عرض کرد ای رسول خدا درِ (مسجد) جوان نورس و خوش رنگ و زیبا صورت، با این جوانی اش مانند مادر فرزند مرده گریه می کند و می خواهد خدمت شما برسد فرمود: ای معاذ جوان را داخل کن، پس اورا داخل نمود و سلام کرد،

فرد علیه السلام، ثم قال: ما یبکیک یا شاب؟ قال: کیف لا

---

۱- طری الغصن أو اللحم غضا لینا فهو طری.

ص: ۱۱۶

أبكى وقد ركبت ذنوبا(۱) إن أخذنى الله عزوجل ببعضها أدخلنى نار جهنم؟ ولا أرانى إلا سيأخذنى بها ولا يغفر لى أبدا، فقال رسول الله صلى الله عليه واله: هل أشركت بالله شيئا: قال: أعوذ بالله أن اشرك بربى شيئا، قال: أقتلت النفس التى حرم الله؟ قال: لا، پس جواب سلام داد و سپس پرسید سبب گریه ات چیست ای جوان؟! گفت:

چگونه نگریم در حالی که گناهانی را مرتکب شده ام که اگر خدا به بعضی از آنها مرا مجازات کند مرا به آتش جهنم داخل خواهد کرد! وچنین می بینم که به زودی مرا خواهد گرفت و ابداً مرا نخواهد بخشید! رسول خدا فرمود: آیا چیزی را (به خدا) شریک قرار داده ای؟ گفت: پناه می برم به خدا که چیزی را به پروردگارم شریک قرار دهم، فرمود: آیا نفسی را که خدا حرام کرده، کشته ای؟ گفت نه؛

---

۱- أی اقترفتها.

ص: ۱۱۷

فقال النبی صلی الله علیه واله: یغفر الله لک ذنوبک وإن كانت مثل الجبال الرواسی،(۱) فقال الشاب: فإنها أعظم من الجبال الرواسی، فقال النبی صلی الله علیه واله: یغفر الله لک ذنوبک وإن كانت مثل الارضین السبع وبحارها ورمالها وأشجارها وما فیها من الخلق، قال: فإنها أعظم من الارضین السبع وبحارها ورمالها وأشجارها وما فیها من الخلق! فقال النبی صلی الله علیه واله: یغفر الله لک ذنوبک وإن كانت مثل السماوات ونجومها ومثل العرش والكرسی، قال: فإنها أعظم من ذلک، قال: فنظر النبی صلی الله علیه واله إلیه كهیئه الغضبان ثم قال: ویحک (۲) یا شاب ذنوبک أعظم أم ربک؟ فخر الشاب لوجهه وهو یقول: سبحان ربی ما شئ أعظم من ربی، ربی أعظم یا نبی الله من كل عظیم،

---

۱- الرواسی: الجبال الثوابت الرواسخ.

۲- كلمه ترحم وتوجع، وقد یأتی بمعنی المدح والتعجب، وقیل: إنها بمعنی الویل، تقول: ویح لزید، وویحا لزید، وویحه، علی الابتداء أو باضمار فعل، كأنک قلت: ألزمه الله ویحا

ص: ۱۱۸

فقال النبی صلی الله علیه واله: فهل یغفر الذنب العظیم إلا الرب العظیم؟ پس رسول خدا فرمود: می بخشد گناهانت را اگرچه بقدر کوههای بلند باشد، جوان گفت آنها (گناهانم) از کوههای بلند هم بزرگ تر است!، رسول خدا فرمود: گناهانت را می بخشد اگرچه از هفت زمین و به تعداد دریاها و شن ها و درختان و تمامی موجودات در آن باشد! جوان گفت از همه این ها بزرگ تر است!، رسول خدا فرمود: از گناهان تو در گذرد اگرچه مانند آسمان ها و ستارگان و عرش و کرسی باشد، گفت: از این ها هم بزرگتر است، پس رسول خدا با حالت غضب به او نگریست و فرمود: وای بر تو ای جوان گناهانت بزرگ است یا پروردگارت؟! جوان به رو افتاد و می گفت منزه است خدای من چیزی بزرگ تر از او نیست پروردگارم بزرگ تر است ای پیامبر خدا از همه بزرگ ها؛

رسول خدا فرمود: آیا گناه بزرگ را (کسی) جز

ص: ۱۱۹

پروردگار بزرگ می بخشد؟!

قال الشاب: لا ـ والله یا رسول الله، ثم سکت الشاب فقال له النبی صلی الله علیه واله: ویحک یا شاب ألا تخبرنی بذنب واحد من ذنوبک؟ قال: بلی اخبرک: إنی کنت أنبش القبور سبع سنین، أخرج الاموات، وأنزع الاکفان، فماتت جاریه من بعض بنات الانصار فلما حملت إلی قبرها ودفنت وانصرف عنها أهلها وجن علیهم اللیل أتیت قبرها فنبشتها ثم استخرجتها ونزعت ما کان علیها من أکفانها وترکتها متجرده علی شفیر قبرها، ومضیت منصرفا جوان گفت: نه به خدا قسم ای رسول خدا سپس جوان ساکت ماند، فرمود: وای برتو ای جوان آیا یک گناه از گناهانت را به من نمی گوئی؟! گفت بلی می گویم، من هفت سال است قبرها را نبش می کنم و مرده ها را بیرون آورده و کفن هایشان را در می آورم!، (تا این که) دختر جوانی از طایفه انصار مرد و او را برده و دفن کردند، شب فرا رسید من به قبر او آمدم و نبش کرده و اورا بیرون

ص: ۱۲۰

آوردم و کفنش را در آوردم و او را کنار قبرش لخت رها ساختم و رفتم،

فأتـانی الشـیطان فأقبل یزینها لی، ویقول: أما تری بطنها وبیاضـها؟ أما تری ورکیها؟(۱) فلم یزل یقول لی هـذا حتی رجعت إلیهـا، ولم أملـک نفسـی حتی جامعتهـا وترکتهـا مکانها، فإذا أنا بصوت من ورائی یقول: یا(۲) شـاب ویـل لک من دیان یوم الـدین، یوم یقفنی وإیاک کما ترکتنی عریانه فی عساکر الموتی، ونزعتنی من حفرتی وسـلبتنی أکفانی، وترکتنی أقوم جنبه إلی حسابی، فویل لشـبابک من النار!.

فما أظن أنی أشم ریح الجنه أبدا فما تری لی یارسول الله؟

فقال النبی صلی الله علیه واله: تنح عنی یا فاسق، إنی أخاف أن أحترق بنارک، فما أقربک من النار! ثم لم یزل علیه

---

۱- الورک بالفتح والکسر وککتف: ما فوق الفخذ، والجمع أوراک.

۲- الویل: حلول الشر. الهلاک. ویدعی به لمن وقع فی هلکهیستحقها، وکلمه عذاب وواد فی جهنم، أو بئر أو باب لها.

ص: ۱۲۱

السلام يقول ويشير إليه حتى امعن من بين يديه، شيطان او را در نظرم جلوه گر نمود و می گفت آیا سفیدی شکمش را نمی بینی، آیا رانهایش را نمی بینی، مدام مرا وسوسه کرد و برگشتم با او عمل جنسی انجام دادم و در محلش رها کردم (برگشتم) صدائی از پشت سرم شنیدم می گفت ای جوان وای بر تو از خدای روز جزا، روزی که من و تو را عریان نگهمیدارد آن گونه که مرا لخت رها کردی در میان لشکرهای مردگان و مرا از گورم در آوردی و کفن هایم را در آوردی و مرا این گونه (جنب) ترک کردی که به پای حسابم بیایم، پس وای برتو ای جوان از آتش!؛

من خیال نمی کنم که ابداً به بهشت روم، پس حال مرا چگونه می بینی ای رسول خدا فرمود: دور شو از من ای فاسق، من می ترسم به آتش تو بسوزم سپس مکرر می فرمود: دور شو، تا اینکه از حضرت دور شد.

فذهب فأتى المدينه فتزود منها ثم أتى بعض جبالها فتعبد

ص: ۱۲۲

فیها، ولبس مسحا(۱) وغل یدیه جمیعا إلی عنقه، ونادی:

یا رب هذا عبدک بهلول (۲)، بین یدیک مغلول، یا رب أنت الذی تعرفنی، وزل منی ما تعلم سیدی! یا رب أصبحت (۳) من النادمین، وأتیت نبیک تائبا فطردنی وزادنی خوفا، فأسألک باسمک وجلالک وعظمه سلطانک أن لا تخیب رجائی، سیدی! ولا تبطل دعائی ولا تقنطنی من رحمتک.

فلم یزل یقول ذلک أربعین یوما ولیله، تبکی له السباع والوحوش، فلما تمت له أربعون یوما ولیله رفع یدیه إلی السماء، وقال: اللهم ما فعلت فی حاجتی؟ إن کنت استجبت دعائی وغفرت خطیئتی فأوح إلی نبیک، وإن لم تستجب لی

---

۱- بکسر المیم وسکون السین ما یلبس من نسیج الشعر علی البدن تقشفا وقهرا للجسد.

۲- لعله بمعنی المبتهل والمتضرع، أو بمعنی الملعون، أو کان الرجل یسمی بذلک. وأما ما فی المعاجم وکتب اللغه من أنه بمعنی الضحاک والسید الجامع لکل خیر فلا یناسب المقام.

۳- فی المصدر: انی اصبحت.

ص: ۱۲۳

دعائی ولم تغفر لی خطیئتی وأردت عقوبتی فعجل بنار تحرقنی، أو عقوبه فی الـدنیا تهلکنی، وخلصـنی من فضـیحه یوم القیامه. فأنزل الله تبـارک وتعالی علی نبیه صـلی الله علیه واله ":وَ الَّذِینَ إِذا فَعَلُوا فاحِشَهً "یعنی الزنا "أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَ هُمْ "یعنی بارتکاب ذنب أعظم من الزنا، ونبش القبور، وأخذ الاکفان پس رفت به شـهر و توشه ای برداشت و به بعضی از کوههای مدینه بالا رفت و مشغول عبادت گردیـد و لبـاس خشن پوشـید و دسـتانش را به گردنش بست و نـدا در داد ای پروردگار این بنـده ناتوان توست در برابرت با زنجیر بسـته است، ای خدا تو مرا می شناسـی و لغزشـی را که از من سـرزده است را، می دانی ای آقای من، پروردگا را من الان پشیمانم و توبه کنـان- آمـدم پیش پیـامبرت او هم مرا طرد نمود (واز خود دور سـاخت) و ترسم را زیـاد نمود، پس (من دیگر جز تو کسـی را ندارم) قسمت می دهم به نام و جلال و عظمت پادشاهیت، مرا نا امیدم نکن ای آقای من، و

ص: ۱۲۴

دعای مرا باطل مکن و از رحمت خودت نومیدم نساز!،

چهل شبانه روز بدین گونه نالید بطوری که درنده های بیابان و وحشی ها، به حال و روز او می گریستند!.

وقتی که چهل شبانه روز به پایان رسید، دستهایش را به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا در باره حاجت من چه کردی؟ اگر دعایم را به اجابت رساندی و خطای مرا بخشیدی، پس به پیامبرت وحی کن و اگر به ندایم جواب ندادی و گناهم را نبخشیدی و اراده کرده ای مرا کیفر دهی پس هرچه زودتر آتش بفرست و مرا بسوزان و در دنیا با عقوبتی مجازاتم نما که از رسوائی روز قیامت، خلاصم کن!،

پس خداوند تبارک و تعالی به پیامبرش این آیه را نازل کرد؛

«آنانکه کار زشت (زنا) انجام دادند یا بر خودشان ستم نمودند» با ارتکاب گناهی که بزرگتر از زنا و نبش قبرها

ص: ۱۲۵

و گرفتن کفنها ست

"ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ "يقول: خافوا الله فعجلوا التوبه "وَ مَنْ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا اللَّهُ "يقول عزوجل: أتاك عبدى يا محمد تائبا فطردته، فأين يذهب؟ وإلى من يقصد؟ ومن يسأل أن يغفر له ذنبا غيرى؟ ثم قال عزوجل: خدارا به ياد آورده و برگناهانش طلب بخشش نمودند (از خدا ترسيدند و به توبه شتاب نمودند) «و كيست گناهان را ببخشد غير از خدا؟» (جبرئيل گفت:) خداى عز وجل مى فرمايد: «اى محمد بنده من توبه كنان پيش تو آمد، او را از خودت دور ساختى، پس كجا رود و به كهِ پناه ببرد و از كهِ سؤال نمايد كه گناه او را ببخشد غير از من، سپس خداى عز و جل فرمود:

"وَ لَمْ يُصِرُّوا عَلى ما فَعَلُوا وَ هُمْ يَعْلَمُونَ "يقول: لم يقيموا على الزنا ونبش القبور وأخذ الاكفان "أُولئِكَ جَزاؤُهُمْ مَغْفِرَةٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَ جَنَّاتٌ تَجْرِى مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهارُ خالِدِينَ فِيها وَ نِعْمَ أَجْرُ الْعامِلِينَ "فلما نزلت

ص: ۱۲۶

هذه الآیه علی رسول الله صلی الله علیه واله خرج وهو یتلوها ویتبسم، فقال لاصحابه: من یدلنی علی ذلک الشاب التائب؟ فقال معاذ: یارسول الله بلغنا أنه فی موضع کذا وکذا، فمضی رسول الله صلی الله علیه واله بأصحابه حتی انتهوا إلی ذلک الجبل فصعدوا إلیه یطلبون الشاب فإذا هم بالشاب قائم بین صخرتین، مغلوله یداه إلی عنقه، قد اسود وجهه، وتساقطت أشفار عینیه من البکاء، وهو یقول: سیدی: قد أحسنت خلقی وأحسنت صورتی، فلیت شعری ماذا ترید بی؟ أفی النار تحرقنی؟ أو فی جوارک تسکننی؟ اللهم إنک قد أکثرت الاحسان إلی وأنعمت علی، فلیت شعری ماذا یکون آخر أمری؟ إلی الجنه تزفنی؟(۱) أم إلی النار تسوقنی؟

اللهم إن خطیئتی أعظم من السماوات والارض ومن کرسیک الواسع وعرشک العظیم، فلیت شعری تغفر خطیئتی أم تفضحنی بها یوم القیامه؟ فلم یزل یقول نحو هذا وهو یبکی

---

۱- من زف العروس إلی زوجها أی أهداها.

ص: ۱۲۷

ویحثو التراب علی رأسه (۱) وقد أحاطت به السباع! وصفت فوقه الطیر! وهم یبکون لبکائه! فدنا رسول الله صلی الله علیه واله فأطلق یدیه من عنقه، ونفض التراب عن رأسه، وقال: یا بهلول! أبشر فإنک عتیق الله من النار. ثم قال علیه السلام لاصحابه: هکذا تدارکوا الذنوب کما تدارکها بهلول.

ثم تلاـ علیه ما أنزل الله عزوجل فیه وبشره بالجنه.(۲) «و دانسته بر گناهانش اصرار نمی ورزند» می فرماید بر زنا و نبش قبور و درآوردن کفن ها، ادامه نمی دهند «آنهایند پاداش شان بخشوده شدن از سوی پروردگارشان و بهشت هائی از زیرش نهرها روان است و دائمی درآن خواهند بود و چه مزد خوبیست بر عمل کنندگان»

پس وقتی که این آیه نازل شد بر رسول خدا، بیرون آمد

---

۱- أی یصب التراب علی رأسه.

۲- - بحارالأنوار: ج ۶ ص ۲۳ ببعد ح ۲۶ از امالی صدوق: ص ۲۹- ۲۶.

ص: ۱۲۸

و درحالی آیه را تلاوت می نمود و تبسم می نمود (و لبخند می زد) پس به اصحابش فرمود: کیست مرا به سوی آن جوان توبه کننده، راهنمائی کند؟، معاذ گفت:

ای رسول خدا بما رسیده که آن جوان در فلان محل است،

پس رسول خدا با اصحاب رفت تا رسیدند به آن کوهی که جوان در آن بود، پس بالا رفتند و دیدند جوان در میان دو صخره دستانش را به گردنش زنجیر کرده و صورتش (در اثر تابش آفتاب) سیاه شده و پلک های چشمانش به سبب زیادی گریه، ریخته و می گوید (وای برمن در باره من چه می خواهی آیا در آتشم می سوزانی یا در همسایگی ات قرارم می دهی خدایا احسانت را برایم زیاد کردی و به من نعمت دادی؟ وای برمن پایان کارم چه خواهد شد مرابه بهشتت می بری یا به آتشم می کشی خدایا خطاهایم از آسمان ها وزمین و کرسی واسع و عرش عظیمت،

ص: ۱۲۹

بزرگتر است، وای بر من خطای مرا می بخشی یا روز قیامت مرا رسوا می کنی؟! این گونه می گفت و می نالید و خاک برسرش می ریخت و درحالی که درنده و پرنده ها اورا فرا گرفته بودند و به گریه او می گریستند!، رسول خدا نزدیک رفت دستهایش را باز نمود و خاک از صورتش می گرفت و فرمود: ای بهلول مژده باد برتو، توئی آزاد کرده خدا از آتش، سپس به اصحاب فرمود: این گونه گناهان را درک کنید (و از بین ببرید) آن گونه که بهلول برد و سپس آیه را بر او خواند و مژده بهشت داد.

محبت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به جوان یهودی

جابر، از أبی جعفر علیه السلام فرمود: کان غلام من الیهود یأتی النبی صلی الله علیه واله کثیرا حتی استخفه وربما أرسله فی حاجته، وربما کتب له الکتاب إلی قومه، جابر جوانی از یهودیان زیاد پیش رسول خدا می آمد

ص: ۱۳۰

تا او را سبک بالش کرد و گاهی برای انجام کاری، می فرستاد و ای بسا برای او نوشته ای به سوی قومش می نوشت

فافتقده أياما، فسأل عنه فقال له قائل: تركته فی آخر يوم من أيام الدنيا، فأتاه النبی صلی الله عليه واله فی اناس من أصحابه- وكان له عليه السلام بركه لا يكلم أحدا إلا أجابه- فقال: يا فلان (فی المصدر ياغلام) ففتح عينه وقال: لبيك يا أبا القاسم! قال: قل: أشهد أن لا إله إلا الله، وأنی رسول الله، فنظر الغلام إلی أبيه فلم يقل له شيئا، ثم ناداه رسول الله صلی الله عليه واله ثانيه وقال له مثل قوله الاول، فالتفت الغلام إلی أبيه فلم يقل له شيئا، ثم ناداه رسول الله صلی الله عليه واله الثالثه فالتفت الغلام إلی أبيه، فقال: إن شئت فقل وإن شئت فلا، فقال الغلام: أشهد أن لا إله إلا الله، وأنك رسول الله، ومات مكانه. فقال رسول ا لله صلی الله عليه واله لابيه: اخرج عنا، ثم قال عليه السلام لاصحابه: اغسلوه وكفنوه، وآتونی به اصلی عليه، ثم خرج وهو يقول: الحمد لله

ص: ۱۳۱

الـذی أنجی بی الیوم نسـمه من النـار.(۱) چنـد روزی اورا ندیـد، پس از (علـت غیبتش) پرسـید، کسـی عرض کرد در آخریـن روز دنیایش است (و در حال مرگ)، پس حضرت با چند نفر از اصحاب به سوی او آمد- آن حضرت برکتی داشت- باکسی سخن نمی گفت مگر این که او را جواب می داد.

پس فرمود ای جوان! چشـمانش را بـاز نمود و گفت لبیک ای ابالقاسم، فرمود: بگو شـهادت می دهم به وحـدانیت خـدا و اینکه من فرستاده خدایم، جوان به پدرش نگاه کرد و چیزی نگفت.

حضـرت دوباره به او نگریست و همان فرمایش را تکرار نمود، جوان باز به پدرش نگاه کرد و چیزی نگفت، حضـرت سومین بار به او آن تکلیف را نمود باز به پدرش نگریست، پدر گفت اگر می خواهی بگو!

---

۱- بحارالأنوار: ج ۶ ص ۲۷ ح ۲۷ از أمالی شیخ: ص ۲۸۰.

ص: ۱۳۲

جوان گفت شهادت می دهم خدائی جز خدای یگانه وجود ندارد و تو هم فرستاده آن خدائی، بلافاصله جان داد.

پس حضـرت به پدر آن جوان فرمود: از نزد ما بیرون رو سـپس به اصحاب فرمود: اورا غسل دهید و کفن کنید و پیش من آرید من برایش نماز بخوانم سپس بیرون رفت و می فرمود: ستایش خدائی را که امروز بوسیله من انسانی را از آتش نجات داد.

به خدا بد گمان مباش!

روی عن العـالم علیه السـلا أنه قال: والله ما اعطی مؤمن قط خیر الـدنیا والآخره إلا بحسن ظنه بالله عزوجل، ورجائه له، و حسن خلقه، والکف عن اغتیـاب المؤمنین، والله تعـالی لا یعـذب عبـدا بعـد التوبه والاسـتغفار إلا بسوء ظنه، وتقصـیره فی رجائه لله عزوجل، وسوء خلقه، واغتیابه المؤمنین. الخبر

ص: ۱۳۳

.(۱) از عالم علیه السلام روایت شده است فرمود به خدا قسم ابداً عطا نگردیده مؤمنی خیر دنیا و آخرت را مگر با حسن ظنش به خدای عز و جل و امیدش به او و حسن اخلاق و نگهداریش از غیبت کردن مؤمن ها و اینکه خدای تعالی احدی را بعد از توبه و استغفار عذاب نمی کند مگر با بد گمانی اش به خدا و کوتاهیش در امید واریش به خدای عز وجل و بد اخلاقیش و غیبت نمودن مؤمنین را (تا آخر خبر).

خداوند گناهان را نابود سازد!

۱- أبی بصیر، از أبی عبد الله علیه السلام فرمود: أوحی الله عزوجل إلی داوود النبی علی نبینا وآله وعلیه السلام: یا داوود إن عبدی المؤمن إذا أذنب ذنبا ثم رجع وتاب من ذلک الذنب واستحیی منی عند ذکره غفرت له، وأنسیته الحفظه،

---

۱- بحارالأنوار: ج ۶ ص ۲۷ ح ۲۹ از عدهالداعی.

ص: ۱۳۴

وأبدلته الحسنه، ولا ابالی وأنا أرحم الراحمین.(۱) خدای عز و جل به داود علیه السلام وحی نمود ای داود وقتی که بنده مؤمن من گناهی از او سر زد و برگشت و از آن گناه توبه نمود و هر وقت یادش آمد و از من خجالت کشید، من اورا می بخشم و آ ن گناه را به حسنه تبدیل می کنم و اعتناء نمی کنم (و از کسی ترس ندارم) چون من رحم کننده تر از رحم کنندگان هستم.

۲- معاویه بن وهب گوید شنیدم اباعبد اللّه علیه السلام می فرمود: إذا تاب العبد المؤمن توبه نصوحا أحبه الله، فستر علیه فی الدنیا والآخره، قلت: وکیف یستر علیه؟ قال: ینسی ملکیه ما کتبا علیه من الذنوب، وأوحی إلی جوارحه: اکتمی علیه ذنوبه، وأوحی إلی بقاع الارض: اکتمی علیه ما کان یعمل علیک من الذنوب، فیلقی الله حین یلقاه ولیس شئ

۱- بحارالأنوار: ج ۶ ص ۲۷ ح ۳۰ از ثواب الاعمال ص ۱۲۵.

ص: ۱۳۵

یشهد علیه بشئ من الذنوب.(۱) وقتی که بنده مؤمن توبه نصوح کرد خدا اورا دوست می دارد و (آن گناه را) بر او می پوشاند در دنیا و آخرت، گفتم چگونه پوشیده نگهمیدارد؟ فرمود: از یاد آن دو فرشته که آن را برایش نوشته اند، می برد (وفراموش می کنند) و به اعضای بدنش وحی می کند که گناهان او را پوشیده دارد و به جای جای زمین وحی می کند گناهانی را که بر روی تو انجام داده، بر او بپوشان، پس وقتی خدارا ملاقات می کند، چیزی نیست که برعلیه او شهادت دهد از گناهان.

۳- مسعودی گوید: امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: قال أمیر المؤمنین علیه السلام: من تاب، تاب الله علیه، وامرت جوارحه أن تستر علیه، وبقاع الارض أن تکتم علیه،

---

۱- فی المصدر: علیه بالذنوب بحارالأنوار: ج ۶ ص ۲۷ ح ۳۱ ازثواب الاعمال: ص ۱۶۶- ۱۶۵.

ص: ۱۳۶

وانسیت الحفظه ما کانت تکتب علیه.(۱) هرکس (ازگناه) بر گردد خدا هم (بارحمت به سوی او) بر می گردد و به اعضای او امر می کنند که (آن گناه را) بر او پوشیده دارند، و به بقعه های زمین (گفته شود) که بر او مخفی دارد و ازیاد (فرشتگان) نگهبان آنچه را که برایش نوشته اند، برده شود (و فراموش نمایند).

گناهان سه گونه است!

ابی رفعه گوید: امیر مؤمنان علیه السلام در کوفه به منبر بالا رفت بالکوفه فحمد الله وأثنی علیه، ثم قال: أیها الناس! إن الذنوب ثلاثه، ثم أمسک، فقال له حبّه العُرنی: یا أمیر المؤمنین (۲) فسرها لی، فقال: ما ذکرتها إلا وأنا ارید أن

---

۱- فی نسخه: ماکانت کتبت علیه. بحارالأنوار: ج ۶ ص ۲۷ ح ۳۲ از ثواب الاعمال: ص ۱۷۳.

۲- فی المصدر: یا أمیر المؤمنین قلت: الذنوب ثلاثه ثم امسکت، فقال له: ما ذکرتها اه د.

ص: ۱۳۷

افسّرها، ولکنّه عرض لی بهر(۱) حال بینی وبین الکلام، نعم الذنوب ثلاثه: فذنب مغفور، وذنب غیر مغفور، وذنب نرجو لصاحبه ونخاف علیه. قیل: یا أمیر المؤمنین فبیّنها لنا، قال: نعم، أما الذنب المغفور فعبد عاقبه الله تعالی علی ذنبه فی الدنیا فالله أحکم وأکرم أن یعاقب عبده مرّتین، وأما الذنب الذی لا یغفر فظلم العباد بعضهم لبعض، پس حمد و ثنای الهی را بجا آورد سپس فرمود: ای مردم گناهان سه گونه است پس ساکت شد حبه عرنی گفت: ای امیر مؤمنان؛ آن را برای من تفسیر کنید پس فرمود: من آن را نگفتم مگر اینکه می خواهم تفسیر نمایم ولکن خستگی برای من عارض شد، مانع از گفتارم گردید، بلی گناهان سه گونه است گناهی که بخشوده می شود و گناهی بخشیده نشود و گناهی که به صاحبش امید بخشش و ترس از عذاب است گفته شد ای امیرمؤمنان

---

۱- البهر بضم الباء وسکون الهاء: انقطاع النفس من الاعیاء.

ص: ۱۳۸

برای ما آنها را بیان بفرمائیـد، فرمود بلی، گناهی بخشـیده می شود بنـده ایست که خداوند در دنیا بر گناهش کیفر نموده است، پس خدا حاکم و گرامی تر از این است بنده اش را دوبار عذاب نماید و اما گناهی بخشوده نشود ستم بندگان بعضی بر بعضی است.

إن الله تبـارک وتعـالی إذا برز لخلقه أقسم قسـما علی نفسه فقـال: وعزتی وجلالـی لا ـ یجوزنی ظلم ظالم ولو کف بکف، ولو مسـحه بکف،(۱) ونطحه(۲) ما بین الشاه القرناء إلی الشاه

---

۱- بیان: لعل المراد بالکف أولا المنع والزجر، وبالثانی الیـد، ویحتمل أن یکون المراد بهما معا الید أی تضـرر کف إنسان بکف آخر بغمز وشـبهه، أو تلذذ کف بکف، والمراد بالمسـحه بالکف ما یشـتمل علی إهانه وتحقیر أو تلذذ، ویمکن حمل التلذذ فی الموضعین علی ما إذا کان من امرأه ذات بعل، أو قهرا بدون رضـی الممسوح لیکون من حق الناس، والجماء: التی لا قرن لها. قال فی النهایه: فیه: إن الله لیدین الجماء من ذوات القرن. الجماء التی لا قرن لها. ویدین أی یجزی انتهی ۹. وأما الخوف بعد التوبه فلعله لاحتمال التقصیر فی شرائط التوبه.

۲- نطح الثور و نحوه: أصابه بقرنه.

ص: ۱۳۹

الجماء، فيقتص الله للعباد بعضهم من بعض، حتى لا يبقى لاحد عند أحد مظلمه، ثم يبعثهم الله إلى الحساب، وأما الذنب الثالث فذنب ستره الله على عبده و رزقه التوبه فأصبح خاشعا من ذنبه، راجيا لربّه فنحن له كما هو لنفسه نرجو له الرحمه ونخاف عليه العقاب.(۱) خدای تبارک وتعالی هنگامی که مخلوقاتش را آشکار ساخت (و آفرید) سوگند یاد کرد و فرمود قسم به عزت و جلالم ازمن نمی گذرد ستم ستمگری اگرچه دست به دست یا به همدیگر مالیده شود یا گوسفند شاخ دار به بی شاخ، ضربه زند، پس خداوند قصاص همدیگر بندگان را می ستاند تا جائی که برای کسی در ذمه دیگری حقی داشته باشد سپس آنها را برای حساب (روز قیامت)

---

۱- بحارالانوار: ۶/ ۲۹ ح ۳۵، از المحاسن ص ۷.

ص: ۱۴۰

برانگیزد و اما گناه سوم گناهیست خداوند آن را پوشیده نگهداشته و او را به توبه موفق نموده است پس از گنامش ترسیده و به خدا امید وار بوده است پس ما بر او مانند اوئیم امید پاداش نیک خدا و ترس از عذابیم.

تأخیر توبه خود فریبی است!

از امام جواد علیه السلام فرمود: تأخیر التوبه اغترار، وطول التسویف حیره، والاعتلال علی الله هلکه، والاصرار علی الذنب أمن لمکر الله، فَلا یَأْمَنُ مَکْرَ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْخاسِرُونَ "(۱) تأخیر توبه خود فریبی است و طول دادن «سوف» امروز و فردا کردن، سرگردانی است و علت تراشی به خدا هلاکت (و نابودیست)، و اصرار بر گناه در امن بودن از مکر (و عذاب) خداست، (در حالی که) ازمکر خدا در امان نباشد، مگر زیانکاران!.

---

۱- تحف العقول: ص ۴۵۹ بحارالانوار: ۶/ ۲۹ ج ۳۶ از آن

ص: ۱۴۱

توبه ریسمان یاری رساندن خداست!

امام صادق علیه السلام فرمود: التوبه حبل الله ومدد عنایته، ولابد للعبد من مداومه التوبه على كل حال، وكل فرقه من العباد لهم توبه، فتوبه الانبياء من اضطراب السر، وتوبه الاصفياء من التنفس،(۱) وتوبه الاولياء من تلوين الخطرات، وتوبه الخاص من الاشتغال بغير الله، وتوبه العام من الذنوب، ولكل واحد منهم معرفه وعلم فى أصل توبته ومنتهى أمره، وذلك يطول شرحه ههنا، فأما توبه العام فأن يغسل باطنه بماء الحسره، والاعتراف بالجنايه دائما، واعتقاد الندم على ما مضى، والخوف على ما بقى من عمره، ولا يستصغر ذنوبه فيحمله ذلك إلى الكسل، ويديم البكاء والاسف على ما فاته

۱- بيان: من التنفس أى بغير ذكر الله، وفى بعض النسخ على بناء التفعيل من تنفيس الهم أى تفريجه أى من الفرح والنشاط، والظاهر أنه مصحف، وتلوين الخطرات: إخطار الامور المتفرقه بالبال، وعدم اطمينان القلب بذكر الله./

ص: ۱۴۲

من طـاعه الله، توبه ریسـمان خـداست و امتـداد عنـایت اوست، و چـاره ای نیست بر بنـده از ادامه توبه در هر حال، و تمام گروه های بنـدگان توبه خاص خود را دارد، پس توبه پیامبران از اضـطراب درون است، و توبه اصـفیاء از (حـدیث و فریب) نفس است، و توبه اولیاء از رنگین کردن خیال هاست، و توبه خاصان، از مشـغول شـدن به غیر خـداست، و توبه مردمان عادی، از گناهان است، و برای هریـک از این هـا، شـناخت و دانش در اصل توبه و نهایت توبه است، و تشـریح این ها در اینجا به طول می انجامـد، پس توبه عوام، شسـتن باطن خود، با آب حسرت و اعتراف همیشه به جنایتش و باور داشتن به ندامت گذشته ها وترس از باقی مانده عمرش است و گناهـانش را را کوچـک نشـمارد که او را بر کسـالت وادارد، و ادامه گریسـتن و تأسف بر آنچه که از اطاعت خـدا بر او فوت شـده است.

ویحبس نفسه عن الشهوات، ویستغیث إلی الله تعالی

ص: ۱۴۳

لیحفظه علی وفاء توبته، ویعصمه عن العود إلی ما سلف ویروض نفسه فی میدان الجهد والعباده، ویقضی عن الفوائت من الفرائض، ویرد المظالم، ویعتزل قرناء السوء، ویسهر لیله، و یظمأ نهاره، ویتفکر دائما فی عاقبته، ویستهین بالله سائلا منه الاستقامه فی سرائه و ضرائه، ویثبت عند المحن والبلاء کیلا یسقط عن درجه التوابین، فإن فی ذلک طهاره من ذنوبه، وزیاده فی عمله، ورفعه فی درجاته، قال الله عزوجل ":فَلَیَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِینَ صَدَقُوا وَ لَیَعْلَمَنَّ الْکاذِبِینَ»(۱) و باز داشتن نفس خود را از شهوات، و به خدای تعالی پناهنده شود تا او را بر وفا داری از توبه اش، حفظ نماید و او را از برگشتن به گناهان، نگهدارد، و خود را ماندن در میدان جدیت و عبادت، راضی نماید، و واجبات فوت شده را قضا کند و حق دیگران، بر گرداند،

---

۱- بحارالانوار: ج ۶ ص ۳۱ ح ۳۸ از مصباح الشریعه.

ص: ۱۴۴

و از همنشینان بـد، دوری نماید و شـبش را (باعبادت) بیدار ماند و روزهایش را (باروزه) تشـنه به سـر برد، و در باره عاقبتش، تفکر نمایـد، و به خدا نزدیک شود و از او بخواهد در پنهان و آشکارش او را استوار نماید، و در گرفتاری و بلاها، اورا ثابت قدم کند تا از درجه توبه کننـدگان ساقط نشود، چون در آنست بیرون رفتن از گناهانش و بیشتر نمودن در عملش و بلندی درجاتش، خدای عز و جل فرموده است «و البته می داند خدا راستگویان آنان و دروغ گویانشان را.

از أبی عمرو الزبیری، از أبی عبـد الله علیـه السـلام فرمـود: رحـم الله عبـدا لـم یرض من نفسه أن یکـون إبلیس نظیرا له فی دینه، وفی کتاب الله نجاه من الردی، وبصـیره من العمی، ودلیل إلی الهدی، وشفاء لما فی الصدور، فیما أمرکم الله به من الاستغفار مع التوبه قال الله ":وَ الَّذِینَ إِذا فَعَلُوا فاحِشَهً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَکَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَ مَنْ یَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا اللَّهُ وَ لَمْ یُصِرُّوا عَلی

ص: ۱۴۵

ما فَعَلُوا وَ هُمْ يَعْلَمُونَ "وقال ":وَ مَنْ يَعْمَلْ سُوءاً أَوْ يَظْلِمْ نَفْسَهُ ثُمَّ يَسْتَغْفِرِ اللَّهَ يَجِدِ اللَّهَ غَفُوراً رَحِيماً "فهذا ما أمر الله به من الاستغفار، واشترط معه بالتوبه والاقلاع عما حرم الله، فإنه يقول ":إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَ الْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ "وهذه الآيه تدل على أن الاستغفار لا يرفعه إلى الله إلا العمل الصالح والتوبه.(۱) خدا رحمت کند بنده ای را که راضی نشود ابلیس مشابه او شود در دینش در حالی که در کتاب خداست نجات از بدی وبینا از نابینائی و راهنمائی به سوی هدایت و شفاء برآنچه که در سینه هاست در چیزی امر کرده خدا به آن از استغفار با توبه، فرمود خدا «و آنان که هر وقت کار بدی کردند و برخود ستم نمودند، خدا را به یاد می آورند، پس طلب بخشش می کنند بر گناهانشان و کیست ببخشد گناهان را جز او، و اصرار نورزند به آنچه که می کردند،

---

۱- بحارالانوار: ج ۶ ص ۳۲ ح ۳۹ از تفسیر العیاشی.

ص: ۱۴۶

در حالی که (بدی آن را) می دانستند» و فرموده «هر کس کاری بد نماید یا به خودش ستم نماید، سپس استغفار کند، می یابد خدا را بخشنده و مهربان».

پس اینست آنچه که خدا به آن امر فرموده است از استغفار و با آن شرط نموده توبه و برکنده شدن از آنچه که حرام کرده است پس او فرموده «به سوی او بالا رود سخن پاک عمل صالح را بالا می برد»، و این آیه دلالت می نماید بر اینکه استغفار بالا نمی برد بر خدا مگر عمل صالح.

معنای اصرار بر گناه

جابر، از أبی جعفر علیه السلام در باره گفته خدا ":وَ مَنْ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا اللَّهُ وَ لَمْ يُصِرُّوا عَلى ما فَعَلُوا وَ هُمْ يَعْلَمُونَ "قال: الاصرار أن يذنب العبد ولا يستغفر

ص: ۱۴۷

ولا یحدث نفسه بالتوبه، فذلک الاصرار.(۱) کیست گناهان را ببخشد جز خدا و اصرار نکنند بر آنچه که می کردند در حالی که (بدی) آن را می دانستند» فرمود: اصرار آنست که بنده مرتکب گناه شود و استغفار ننماید و از خاطرش نگذرد که توبه نماید اینست (معنای) اصرار.

سیف بن یعقوب، (۲) از أبی عبد الله علیه السلام:

المقیم علی الذنب وهو منه مستغفر کالمستهزئ.(۲) ایستادگی بر گناه در حالی که استغفار هم می نماید، مانند استهزاء کننده است.

معنای جاهل

۱- أبی عمرو الزبیری، از أبی عبد الله علیه السلام در

---

۱- بحارالانوار: ج ۶ ص ۳۲ ح ۴۰ از تفسیر العیاشی و ازتنبیه الخاطر.

۲- الظاهر یوسف بن یعقوب. بحارالانوار: ج ۶ ص ۳۶ ح ۵۴ ازتنبیه الخاطر.

ص: ۱۴۸

باره گفته خدا:

"وَ إِنِّی لَغَفَّارٌ لِمَنْ تابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ صالِحاً ثُمَّ اهْتَدی "قال:

لهذه الآیه تفسیر، یدل ذلک التفسیر علی أن الله لا یقبل من عمل عملا إلا ممن لقیه بالوفاء منه بذلک التفسیر، وما اشترط فیه علی المؤمنین، وقال ":إِنَّمَا التَّوْبَهُ عَلَی اللَّهِ لِلَّذِینَ یَعْمَلُونَ السُّوءَ بِجَهالَهٍ "یعنی کل ذنب عمله العبد وإن کان به عالما فهو جاهل حین خاطر بنفسه فی معصیه ربه، وقد قال فی ذلک تبارک وتعالی- یحکی قول یوسف لاخوته "-:هَلْ عَلِمْتُمْ ما فَعَلْتُمْ بِیُوسُفَ وَ أَخِیهِ إِذْ أَنْتُمْ جاهِلُونَ "فنسبهم إلی الجهل لمخاطرتهم بأنفسهم فی معصیه الله.(۱) «البته منم بخشنده آن را که توبه کند و ایمان آورد و عمل صالح نماید سپس هدایت یابد» فرمود برای این آیه تفسیریست، آن تفسیر دلالت دارد بر اینکه خدا قبول نمی کند عمل کسی را که آن را بجا

---

۱- بحارالانوار: ج ۶ ص ۳۲ ح ۴۱ از تفسیر العیاشی.

ص: ۱۴۹

آورد مگر از کسی که ملاقات کند خدا را با وفا کردن به آن تفسیر، و به آنچه که شرط نموده در آن بر مؤمنین و فرموده «همانا برگشتن به سوی خدا برای کسانیست که بجا آورند بدی را از روی جهالت» (ونادانی) یعنی تمام کرده های آن بنده که کرده اگرچه عالم (به بدی آن) بوده باز جاهل است وقتی از خاطرش می گذشت که نافرمانی کند بر پروردگارش، در این مورد خدای تبارک وتعالی جریان برادران یوسف را این گونه نقل می نماید «آیا می دانید (وبیاد می آورید) آنچه را که در باره یوسف و برادرش انجام دادید در حالی که جاهل بودید»، پس آنها را به جهل نسبت داده است به خاطر اینکه از خاطرشان خطور می کرد معصیت خدا کردن را.

۲- زراره، از أبی جعفر علیه السلام فرمود: إذا بلغت النفس هذه- وأهوی بیده إلی حنجرته- لم یکن للعالم توبه

ص: ۱۵۰

، وكانت للجاهل توبه.(۱) وقتی که جان به اینجا رسید

(اشاره به حنجره کرد) برای عالم توبه نیست و بر جاهل توبه می باشد.

صفحه ۳۳/

---

۱- بیان: ظاهره الفرق بين العالم والجاهل فى قبول التوبه عند مشاهده أحوال الآخره وهو مخالف لما ذهب إليه المتكلمون من عدم قبول التوبه فى ذلك الوقت مطلقا، وعدم الفرق فى التوبه مطلقا بين العالم والجاهل، ويمكن توجيهه بوجهين: الاول أن يكون المراد بالعالم من شاهد أحوال الآخره، وبالجاهل من لم يشاهدها لان بلوغ النفس إلى الحنجره قد ينفك عن المشاهده. الثانى أن يكون المراد نفى التوبه الكامله عن العالم فى هذا الوقت دون الجاهل، مع حمل تلك الحاله على عدم المشاهده، إذ العالم غير معذور فى تأخيرها إلى هذا الوقت. بحارالانوار: ج ۶ ص ۳۲ ح ۴۳ از تفسير العياشى و از كتاب حسين بن سعيد: از ابن ابى عمير از جميل بن دراج از آن حضرت.

ص: ۱۵۱

می بخشم و از کسی ترس ندارم

۱- از جابر، ازپیامبر صلی الله علیه واله فرمود: کان إبلیس أول من ناح، وأول من تغنی، وأول من حدا، قال: لما أکل آدم من الشجره تغنی، قال: فلما اهبط حدابه، قال: فلما استقر علی الارض ناح فأذکره ما فی الجنه، فقال آدم: رب! هذا الذی جعلت بینی وبینه العداوه، لم أقو علیه وأنا فی الجنه، وإن لم تُعِنی علیه، لم أقوا علیه، فقال الله: السیئه بالسیئه، والحسنه بعشر أمثالها إلی سبع مائه، قال: رب زدنی، قال:

لا یولد لک ولد إلا جعلت معه ملکا أو ملکین یحفظانه، قال:

رب زدنی، قال: التوبه معروضه(۱) فی الجسد ما دام فیها الروح، قال: رب! زدنی، قال أغفر الذنوب ولا ابالی، قال حسبی.(۲)

از جابر از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: ابلیس نخستین

---

۱- فی نسخه: مفروضه.

۲- بحارالانوار: ۶/ ۳۳ ح ۴۴ از تفسیر العیاشی.

ص: ۱۵۲

کسی است که ناله کرد و اولین کسی است که غنا کرد (و آواز خواند) و اولین کسی است که صدا بگریه بلند نمود

فرمود: وقتی که آدم از شجره (منهیه) خورد (از خوشحالی) غنا سرداد (و آواز خواند) وقتی که به زمین آمد (با صدای بلند) گریه سرداد و زمانی در زمین مستقر شد و از نعمت های بهشتی یادکرد، ناله نمود، پس آدم عرض کرد خدایا این کس که میان من و او عداوت قرار دادی، من در بهشت از عهده اش برنیامدم، اگر (در زمین) کمکم نکنی، توان مقابله با اورا ندارم،

خدا فرمود: من برایت گناه را یکی و ثواب را ده تا هفتصد برابر می نویسم، گفت خدایا زیاد کن، فرمود:

هر فرزندی که از تو متولد شود، من برای او دو فرشته قرار می دهم تا اورا (از شر ابلیس) محافظت نمایند، گفت: خدایا بیفزای، فرمود: توبه را به او ارزانی دارم

ص: ۱۵۳

مادام که روح در بدن اوست، گفت: خدایا زیاد کن، فرمود: می بخشم و ازکسی هم ترسی ندارم، گفت:

برایم بس است.

۲- بکیر، از أبی عبد الله، یااز أبی جعفر علیهما السلام فرمود: إن آدم علیه السلام قال: یا رب سلطت علی الشیطان و اجریته منی مجری الدم (۱) فاجعل لی شیئا،

---

۱- روی العامه أیضا( ان الشیطان یجری من ابن آدم مجری الدم) قال بعضهم: ذهب قوم ممن ینتمی إلی ظاهر العلم إلی أن المراد به أن الشیطان لا یفارق ابن آدم ما دام حیا، کما لا یفارقه دمه، وحکی هذا عن الازهری، وقال: هذا طریق ضرب المثل، والجمهور من علماء الامه أجروا ذلک علی ظاهره، وقالوا: إن الشیطان جعل له هذا القدر من التطرق إلی باطن الادمی بلطافه هیئته، لمحنه الابتلاء، ویجری فی العروق التی هی مجاری الدم من الادمی إلی ان یصل إلی قلبه فیوسوسه علی حسب ضعف إیمان العبد وقله ذکره وکثره غفلته، ویبعد عنه ویقل تسلطه وسلوکه إلی باطنه بمقدار قوه إیمانه ویقظته ودوام ذکره وإخلاص عمله، وما رواه المفسرون عن ابن عباس قال:( ان الله جعل الشیاطین من بنی آدم مجری الدم، وصدور بنی آدم مساکن لهم.

ص: ۱۵۴

فقال: یا آدم جعلت لک أن من هم من ذریتک بسیئه لم تکتب علیه، فإن عملها کتبت علیه سیئه، ومن هم منهم بحسنه فإن لم یعملها کتبت له حسنه، وإن هو عملها کتبت له عشرا. قال: یا رب زدنی، قال: جعلت لک أن من عمل منهم سیئه ثم استغفر غفرت له، قال: یا رب زدنی، قال: جعلت لهم التوبه وبسطت لهم التوبه (۱) حتی تبلغ النفس هذه، قال: یا رب حسبی.(۱) بکیر از امام صادق یا از امام باقر علیهما السلام فرمود: آدم گفت: ای خدا شیطان را بر من مسلط کردی و او را همانند خون در رگهایم جاری ساختی، برای من هم چیزی قرار ده (و امتیازی عطا فرما) فرمود: ای آدم من برایت قرار دادم هرکدام از نسل تو، به گناهی قصد نماید ولی انجام ندهد، برایش چیزی

---

۱- بحارالانوار: ۶/ ۱۸ ح ۲ از اصول کافی: ۲/ ۴۴ و از کتاب حسین بن سعید مثل آن را.

ص: ۱۵۵

نمی نویسم و اگر قصد ثوابی کند و نکند برایش یک حسنه می نویسم و اگر انجام دهد. ده ثواب می نویسم، گفت: خدایا برایم زیاد کن، فرمود: برایت قرار دادم اگر از نسل تو گناهی کند و استغفار نماید، اورا می بخشم، گفت: خدایا برایم بیفزا، فرمود: توبه را برای آنها قرار دادم و درِ توبه را باز گذاشتم تا جانش به حلقومش برسد، گفت ای خدا بسم است.

خدا رحم کند بنده ای را که پیش از مرگ توبه کند

أبی عمرو الزبیری، از أبی عبد الله علیه السلام فرمود:

رحم الله عبدا تاب إلی الله قبل الموت، فإن التوبه مطهره من دنس الخطیئه، ومنقذه من شفا(۱) الهلکه، فرض الله بها

---

۱- شفا کعصا: طرف کل شیء وجانبه، ویضرب به المثل فی القرب من الهلاک.

ص: ۱۵۶

علی نفسه لعباده الصالحین، فقال ":کَتَبَ رَبُّکُمْ عَلی نَفْسِهِ الرَّحْمَهَ أَنَّهُ مَنْ عَمِلَ مِنْکُمْ سُوءاً بِجهالَهٍ ثُمَّ تابَ مِنْ بَعْدِهِ وَ أَصْلَحَ فَأَنَّهُ غَفُورٌ رَحِیمٌ وَ مَنْ یَعْمَلْ سُوءاً أَوْ یَظْلِمْ نَفْسَهُ ثُمَّ یَسْتَغْفِرِ اللَّهَ یَجِدِ اللَّهَ غَفُوراً رَحِیماً.(۱) خدا رحمت کند بنده ای را که پیش از مرگش توبه نماید و به سوی خدا برگردد، چون توبه پاک کننده است از آلودگی خطاها و نجات دهنده است از خطر هلاکت، خدا واجب نموده آن (نجات دادن) را بر بندگان صالحش پس فرمود: پروردگار شما برخودش رحمت (وبخشیدن) را نوشته (وواجب کرده است) هرکس از شمااز روی نادانی عمل بدی را مرتکب شود سپس بعد از آن توبه نماید (وبرگردد) و خود را اصلاح کند، خداوندبخشنده و مهربان است.

---

۱- بحارالانوار: ج ۶ ص ۳۳ ح ۴۵ از تفسیرالعیاشی.

ص: ۱۵۷

و هر کس عمل بد کند یا برخود ظلم نماید سپس از خدا طلب مغفرت نماید، می یابد خدارا بخشنده ومهربان.

أبی بصـیر گفت: شـنیدم أبا عبد الله علیه السلام می فرمود- درگفته خدا: فَإِنَّهُ کانَ لِلْأَوّابِینَ غَفُوراً فرمود: هم التوابون المتعبدون. آنان توبه کنندگان عبادت نمایندگانند.(۱)

در دستشوئی به آوازه خوان گوش می داد!

أبی بصیر گفت: نزد أبی عبد الله علیه السلام بودم پس مردی به او گفت:: بأبی و امی إنی أدخل کنیفا لی ولی جیران، وعندهم جوار یتغنین ویضربن بالعود، فربما أطلت الجلوس استماعا منی لهن، فقال: لا تفعل، فقال الرجل:

والله ما هو شئ آتیه برجلی إنما هو سماع أسمعه باذنی! فقال

---

۱- بحارالانوار: ۶/ ۳۴ ح ۴۷ از تفسیرالعیاشی.

ص: ۱۵۸

له "أنت أما سمعت الله ":إِنَّ السَّمْعَ وَ الْبَصَرَ وَ الْفُؤادَ كُلُّ أُولئِكَ كانَ عَنْهُ مَسْؤُلًا؟ "قال: بلی والله، فکأنی لم أسمع هـذه الآیه قط من کتاب الله من عجمی ولا من عربی، لا جرم (۱) إنی لا أعود إن شاء الله، وإنی أستغفر الله فقال له: قم فاغتسل وصل ما بدالک، فإنک کنت مقیما علی أمر عظیم ما کان أسرأ حالک لو مت علی ذلک! احمد الله وسله التوبه من کل ما یکره، إنه لا یکره إلا القبیح،(۲) والقبیح دعه لاهله فإن لکل أهلا(۳). پدر و مادرم فدایت من به دستشوئی داخل می شوم و همسایگانی دارم آواز می خوانند و تار میزنند، پس بعضی وقت ها نشستنم را طول داده و به آنها گوش می دهم؟ فرمود: نکن مرد

---

۱- لا جرم بفتح الجیم والراء، أو بضم الجیم وسکون الراء، أوککرم أی لابد، أو لا محاله أو حقا، وقد تحول إلی معنی القسم فیقال: لا جرم لافعلن.

۲- فی نسخه: إلا کل القبیح.

۳- بحارالانوار: ۶/ ۳۴ ح ۴۸ از تفسیرالعیاشی.

ص: ۱۵۹

گفت: به خداقسم به آن خاطر نمی روم بلکه با گوشم می شنوم! فرمود: تو آیا نشنیده ای خدا فرموده است، همانا گوش و چشم و قلب همه از کرده هایشان سؤال خواهند شد؟!.

گفت: بلی به خدا کأنّه من این آیه از کتاب خدا را از عرب و عجم، نشنیده بودم دیگر به این کار ادامه نمی دهم اگر خدا خواهد و من از خدا طلب مغفرت می کنم؛

فرمود: بلند شو غسل کن و هرچه می توانی نماز بخوان، اگر به این کار بزرگ ادامه می دادی، و می مردی چقدر حالت بد می بود، خدا را سپاس گزار و توبه بخواه از هرچه که او نخواهد، او (هیچ وقت) کارزشت را نمی خواهد (و دوست نمی دارد) و زشتی ها را به اهلش واگذار چون برای هرکاری اهلی هست.

لطف خدا بر گناهکار مؤمن!

۱- عیسی بن راشد، گفت: شنیدم أبی عبد الله علیه

ص: ۱۶۰

السلام می گفت: ما من مؤمن یذنب ذنبا إلا اجل سبع ساعات، فإن استغفر الله غفر له، وإنه لیذکر ذنبه بعد عشرین سنه فیستغفر الله فیغفر له، وإن الکافر لینسی ذنبه لئلا یستغفر الله.(۱) نیست مؤمنی که گناهی کرده باشد مگر هفت ساعت به او مهلت داده شود، اگر استغفار کرد، بخشیده شود و او بعد از بیست سال گناهش به یادش آید و طلب مغفرت میکند خدا اورا می بخشد ولی کافر گناهش را فراموش می کند تا موفق به توبه نشود.

۲- عبد الرحمن بن کثیر، از امام صادق، از پدرانش از حسن بن علی علیهم السلام در خبر طولانی که در آن با معاویه احتجاج نموده فرمود: فأما القرابه فقد نفعت المشرك وهی والله للمؤمن أنفع، قال رسول الله صلی الله علیه واله لعمه أبی طالب- وهوفی الموت-: لا إله إلا الله

---

۱- بحارالانوار: ۶/ ۳۴ ح ۴۹ از کتاب حسین بن سعید.

ص: ۱۶۱

أشفع لک بها یوم القیامه، ولم یکن رسول الله صلی الله علیه واله یقول له ویعد إلا ما یکون منه علی یقین، ولیس ذلک لاحد من الناس کلهم غیر شیخنا- أعنی أبا طالب- یقول الله عزوجل ":وَ لَیْسَتِ التَّوْبَهُ لِلَّذِینَ یَعْمَلُونَ السَّیِّئاتِ حَتَّی إِذا حَضَرَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قالَ إِنِّی تُبْتُ الْآنَ وَ لَا الَّذِینَ یَمُوتُونَ وَ هُمْ کُفَّارٌ أُولئِکَ أَعْتَدْنا لَهُمْ عَذاباً أَلِیماً "الخبر.(۱) اما خویشاوندی به مشرک منفعت داد، به خدا قسم برای مؤمن پر منفت تر است! رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به عمویش ابی طالب هنگام مرگ او فرمود: لا إله إلا الله بگو ترا در قیامت شفاعت نمایم رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نمی گوید و وعده نمی دهد، مگر از روی یقین وبرای هیچ یک از مردم این (امتیاز) نیست مگر به بزرگ ما اباطالب (چون) خدا فرموده است «نیست توبه بر بدکارانی هنگام مرگشان فرا می رسد و می گوید من الان

---

۱- بحارالانوار: ۶/ ۳۴ ح ۵۰ از امالی شیخ ص ۱۴.

ص: ۱۶۲

توبه کردم و نه بر کسانی کافر می میرند، آنانند که برایشان عذاب دردناك مهیا کرده ایم» تاآخرخبر.(۱)

۳- حفص گفت: شنیدم أبا عبد الله علیه السلام می گفت: ما من عبد مؤمن یذنب ذنبا إلا أجله الله سبع ساعات من النهار، فإن هو تاب لم یکتب علیه شیئا وإن لم یفعل کتبت علیه سیئه، فأتاه عباد البصری فقال له: بلغنا أنک قلت: ما من عبد یذنب ذنبا إلا أجله الله سبع ساعات من النهار؟ فقال: لیس هکذا قلت: ولکنی قلت: ما من عبد مؤمن یذنب ذنبا إلا أجله الله سبع ساعات من نهاره، هکذا قلت.(۲)

نیست بنده مؤمن که گناه کند مگر اینکه خدا به او

---

۱- بیان: لعل هذا للالزام علی العامه لقولهم بکفر أبی طالب علیه السلام، ویحتمل أن یکون المراد أنه لما کان السؤال فی ذلک الوقت مع علمه صلی الله علیه واله بإیمانه لعلم الناس بإیمانه، فلو لم یکن للایمان فی هذا الوقت فائده لم یحصل الغرض.

۲- بحارالانوار: ۶/ ۳۸ ح ۶۳ از کتاب حسین بن سعید.

ص: ۱۶۳

هفت ساعت از روز مهلت دهد، اگر توبه کرد چیزی نمی نویسد و اگر نکرد، یک گناه نوشته شود، پس عباد بصری آمد و گفت: چنین گفته ای؟ فرمود: من گفتم (من نهاره) از روزش نه (من النهار) از روز، من این طوری گفته ام.

۴- أبی بصیر، از أبی عبد الله علیه السلام فرمود: من عمل سیئه أجّل فیها سبع ساعات من النهار، فإن قال ":أستغفر الله الذی لا إله إلا هو الحی القیوم "ثلاث مرات لم یکتب علیه. هرکس گناهی انجام دهد، هفت ساعت از روز مهلت داده شود پس اگر سه مرتبه أستغفر الله الذی لا إله إلا هو الحی القیوم گوید، (آن گناه) به او نوشته نمی شود.(۱)

۵- زراره گفت: شنیدم أبا عبد الله علیه السلام می فرمود: إن العبد إذا أذنب ذنبا اجل من غداه إلی اللیل فإن

---

۱- بحارالانوار: ۶/ ۳۸ ح ۶۵ از کتاب حسین بن سعید.

ص: ۱۶۴

استغفر الله لم یکتب علیه.(۱) وقتی که بنده گناهی مرتکب شود، از صبح تاشب مهلت داده شود اگر از خدا طلب مغفرت نمود، به او نوشته نشود.

۶- جابر، از أبی جعفر علیه السلام گفت: او می فرمود: التائب من الذنب کمن لا ـ ذنب له، والمقیم علی الذنب وهو مستغفر منه کالمستهزئ.(۲) توبه کننده از گناه مانند آن است که گناه نکرده است، و ادامه دهنده گناه با استغفار مانند استهزاء (و مسخره) کننده است.

۷- عبد الصمد بن بشیر، از أبی عبد الله علیه السلام فرمود: العبد المؤمن إذا أذنب ذنبا أجله الله سبع ساعات فإن استغفر الله لم یکتب علیه، (فی المصدر: علیه شئ.)

---

۱- بحارالانوار: ۶/ ۴۱ ح ۷۶ از اصول کافی: ج ۲/ ۴۳۷ و ازکتاب حسین بن سعید مثل آن.

۲- اصول کافی: ج ۲/ ۴۳۵، بحارالانوار: ۶/ ۴۱ ح ۷۵ از آن.

ص: ۱۶۵

وإن مضت الساعات ولم يستغفر كتبت عليه سيئه، وإن المؤمن ليذكر ذنبه بعد عشرين سنه حتى يستغفر ربه فيغفر له، وإن الكافر لينساه من ساعته.(۱) بنـده مؤمن که وقتی گناه کنـد خدا به او هفت ساعت از روز مهلت دهد، اگر اسـتغفار کرد چیزی نوشـته نشود و اگر سـاعت هـا گـذشت و اسـنغفار نکرد، یـک گنـاه نوشـته شود، و مؤمن بعـد از بیست سال گناهش به یادش آیـد اسـتغفار می کنـد و بخشوده شود و کافر همان ساعت فراموش می کند (و به توبه موفق نمی شود).

حقیقت استغفار

كميل بن زياد گفت: به امير المؤمنين عليه السلام گفتم: ای أمر المؤمنين العبد يصيب الذنب فيستغفر الله منه فما

---

۱- اصول کافی: ج ۲/ ۴۳۷، بحارالانوار:/ ۴۱ ح ۷۷ از آن.

ص: ۱۶۶

حد الاستغفار؟ قال یابن زیاد: التوبه، قلت: بس؟(۱) قال:

لا، قلت: فکیف؟ قال: إن العبـد إذا أصاب ذنبا یقول: اسـتغفر الله بالتحریک، قلت: وما التحریک؟ قال: الشـفتان واللسان یریـد أن یتبع ذلک بالحقیقه، قلت: وما الحقیقه؟ قال:

تصدیق فی القلب وإضـمار أن لا یعود إلی الذنب الذی اسـتغفر منه، قال کمیل: فإذا فعل ذلک فإنه من المستغفرین؟(۲) قال: لا، بنده گناه می کند پس از آن گناه، استغفار می کند آیا حد استغفار چیست؟، فرمود: ای پسر زیاد:

توبه است، گفتم: فقـط؟ فرمود: نه، گفتم: پس چگونه است؟! فرمود: بنـده وقتی که گناهی کرد، می گویـد، اسـتغفر الله با تحریک، گفتم تحریک چیست؟ فرمود:

لبها و زبان و با این حال اراده میکند این کار پیرو حقیقت (استغفار) باشد، گفتم: حقیقت (استغفار)

---

۱- أی حسب وکفایه، کلمه مأخوذه من الفارسیه.

۲- فی المصدر: فإذا فعلت ذلک فأنا من المستغفرین؟.

ص: ۱۶۷

چیست؟، فرمود: در دل تصدیق نماید و تصمیم بگیرد دیگر به آن گناهی کرده است، برنگردد، کمیل گفت:

وقتی که این کار را کرد او از استغفار کنندگان است؟! فرمود: نه

قال کمیل: فکیف ذاک؟ قال: لانک لم تبلغ إلی الاصل بعد، قال کمیل: فأصل الاستغفار ما هو؟ قال: الرجوع إلی التوبه من الذنب الذی استغفرت منه، وهی أول درجه العابدین، وترک الذنب، والاستغفار اسم واقع لمعان ست: أولها الندم علی ما مضی، والثانی العزم علی ترک العود أبدا، والثالث أن تؤدی حقوق المخلوقین التی بینک وبینهم، والرابع أن تؤدی حق الله فی کل فرض، والخامس أن تذیب اللحم الذی نبت علی السحت والحرام حتی یرجع الجلد إلی عظمه، ثم تنشئ فیما بینهما لحما جدیدا، والسادس أن تذیق البدن ألم الطاعات کما أذقته لذات المعاصی.(۱) کمیل گفت: پس

---

۱- تحف العقول: ص ۱۹۷، بحارالانوار: ۶/ ۲۷ ح ۲۸ از آن.

ص: ۱۶۸

آن چگونه است؟، فرمود: چون تو به اصل توبه نرسیده ای! کمیل گفت: پس اصل استغفار چیست؟

فرمود: برگردد به سوی توبه ای که از آن گناه استغفار نموده است و آن اول درجه عبادت کنندگان است و گناه را (واقعاً) ترک نماید.

و استغفار نامی است که به شش معنا واقع می شود

۱- پشیمان شود به آنچه گذشته است

۲- قصد نماید که آن (گناه) را برای همیشه ترک نماید،

۳- حقوق مردم را که بین تو و آنهاست بپردازی،

۴- حق خدا را در همه واجبات، ادا کنی،

۵- گوشتی که در بدنت از حرام روئیده است را آب کنی تا پوستت به استخوان بچسبد، سپس گوشت حلال ازنو بروید،

۶- به تنت درد فرمانبری را بچشانی، آن گونه که لذت های معصیت را، به آن چشانده ای.

ص: ۱۶۹

توبه یعنی چه؟!

۱- پیامبر صـلی الله علیه واله فرمود: التائب إذا لم یستبن أثر التوبه فلیس بتائب: یرضی الخصماء، ویعید الصلوات، ویتواضع بین الخلق، ویتقی نفسه عن الشـهوات، ویهزل رقبته بصـیام النهار، ویصفر لونه بقیام اللیل، ویخمص بطنه (۱) بقله الاکل، ویقوس ظهره من مخافه النار، ویـذیب عظامه شوقا إلی الجنه، ویرق قلبه من هول ملک الموت، و یجفف جلـده علی بـدنه بتفکر الاجل، فهـذا أثر التوبه، وإذا رأیتم العبـد علی هـذه الصوره فهو تائب ناصح لنفسه.(۲) توبه کننـده تا زمانی که اثر توبه را آشـکار نکنـد، پس توبه کننـده نیست، طلبکارهارا راضی کند و نمازها (ی فوت شده) را اعاده نماید و در میان مردم متواضع

---

۱- خمص بطنه: فرغ وضمر.

۲- بحارالانوار: ۶/ ۵۳ ح ۵۱ از جامع الاخبار.

ص: ۱۷۰

شود و خود را از شهوت ها باز دارد و خود را با روزه روز، لاغر کند و رنگش را با بیداری شب، زرد ند.

شکمش را با کم خوری، آب کند، و کمرش را از ترس آتش، کمان کند و استخوانهایش را، از شوق بهشت، آب نماید و دلش را ازترس عزرائیل، به رقت درآورد، و پوستش را با فکر نمودن به مرگ، به بدنش بخشکاند پس این هاست آثار (و نشانه های) توبه (واقعی) هرگاه بنده ای را به این حالات دیدید اوست توبه کننده ودلسوز خودش.

۲- رسول الله صلی الله علیه واله فرمود: أتدرون من التائب؟ قالوا: اللهم لا، قال: إذا تاب العبد ولم یرض الخصماء فلیس بتائب، ومن تاب ولم یزد فی العباده فلیس بتائب، ومن تاب ولم یغیر لباسه فلیس بتائب، ومن تاب ولم یغیر رفقاءه فلیس بتائب، ومن تاب ولم یغیر مجلسه (۱)

---

۱- فی نسخه: مجلسه وطعامه.

ص: ۱۷۱

فلیس بتائب، ومن تاب ولم یغیر فراشه ووسادته (۱) فلیس بتائب

صفحه ۳۶/ ومن تاب ولم یغیر خلقه ونیته فلیس بتائب، ومن تاب ولم یفتح قلبه ولم یوسع کفه فلیس بتائب، ومن تاب ولم یقصر أمله ولم یحفظ لسانه فلیس بتائب، ومن تاب ولم یقدم (۱) فضل قوته بدنه فلیس بتائب، وإذا استقام علی هذه الخصال فذاک التائب.(۲) آیا می دانید کیست توبه کننده؟ گفتند: نه: فرمود: زمانی که بنده توبه کرد و طلبکا ران از او راضی نشدند، توبه نکرده و هرکس توبه کند و به عبادتش نیفزاید، توبه کننده نیست، و هرکس توبه کند اما لباسش را تغییر نداده است، پس توبه نکرده است و هرکس توبه نموده ولی رفقایش را

---

۱- مثلثه الواو: المخده أو أعم منها کما فی ففه اللغه للثعالبی، فانه قال: المصدغه والمخده.

۲- بحارالانوار: ۶/ ۳۵ ح ۵۲ از جامع الاخبار.

ص: ۱۷۲

تغییر نداده، پس توبه کننده نیست، و هرکس توبه نماید اما مجلسش را تغییر نداده، پس توبه نکرده است، و هرکس توبه نمود ولی رختخواب و متکایش را تغییر ندهد، توبه کننده نیست، وهرکس توبه کند واخلاق و نیتش را تغییر ندهد، توبه نکرده است و هرکس توبه کند و قلبش را باز و دستش را نگشاید، توبه نکرده است و هرکس توبه نماید و آرزوهایش کوتاه و زبانش را حفظ نکند، پس او توبه نکرده است، و هرکس توبه کند و زیادی خرجش را به بدنش مقدم ندارد، پس توبه کننده نیست، ولی زمانی به این خصلت ها پایدار بماند، پس آنست توبه (واقعی).

۳- ابن فضال از کسی که به او ذکرکرده، از أبی جعفر علیه السلام فرمود: لاـ والله ما أراد الله من الناس إلاـ خصلتین: أن یقروا له بالنعم فیزیدهم، وبالذنوب فیغفر ها

ص: ۱۷۳

لهم.(۱)

نه به خدا قسم خداوند از مردم نخواسته مگر دو خصلت ۱- به نعمت های او اقرار کنند تا برایشان زیاد نماید ۲- و به گناهان اعتراف نمایند تا به آنها ببخشد.

۴- و از او علیه السلام فرمود: والله ما ینجو من الذنب إلا من أقر به.(۲) به خدا قسم نجات نمی یابد از گناه، مگر کسی که به آن اقرار نماید.

۵- محمد بن مسلم گفت: أبو جعفر علیه السلام فرمود: إن من أحب عباد الله إلی الله المفتن التواب.(۳) همانا از محبوب ترین بندگان خدا آنست که از گناهان

---

۱- بحارالانوار: ۶/ ۳۶ ح ۵۵ از جامع الاخبار.

۲- بحارالانوار: ۶/ ۳۶ ح ۵۶.

۳- فی نسخه: المحسن التواب بحارالانوار: ۶/ ۳۸ ح ۶۴ از کتاب حسین بن سعید.

ص: ۱۷۴

توبه نماید.

۶- أبی جعفر علیه السلام فرمود: والله ما ینجو من الذنب إلا من أقر به.(۱) به خدا سوگند از (عواقب) گناه نجات نمی یابد مگر کسی که به آن اقرار (و توبه) نماید.

۷- واز جعفر بن محمد علیهما السلام گفت: رسول الله صلی الله علیه واله فرمود: من أذنب ذنبا وهو ضاحک دخل النار وهو باک (۲). هرکس خنده کنان به گناهی مرتکب شود، گریه کنان وارد آتش می شود.

۸- ما کان الله لیفتح علی عبد باب الشکر ویغلق عنه باب

---

۱- بحارالانوار: ۶/ ۳۸ ح ۶۶ از کتاب حسین بن سعید.

۲- بحارالانوار: ۶/ ۳۷ ح ۵۷.

ص: ۱۷۵

الزیاده، ولا لیفتح علی عبد باب الدعاء ویغلق عنه باب الاجابه، ولا لیفتح علی عبد باب التوبه ویغلق عنه باب المغفره.(۱) خداوند دَرِ شکر گذاری را به روی بنده ای باز نمی کند دَرِ زیاد کردن را ببندد، و دَر دعا را به کسی باز نمی کند که از او دَرِ اجابت را ببندد، و نمی گشاید دَرِ توبه را و دَرِ بخشیدن را (به روی او) ببندد.

۹- علی علیه السلام- لقائل بحضرته: أستغفر الله-:

ثکلتک امک، أتدری ما الاستغفار؟ إن الاستغفار درجه العلیین وهو اسم واقع علی سته معان، أولها الندم علی ما مضی، والثانی العزم علی ترک العود إلیه أبدا، والثالث أن تؤدی إلی المخلوقین حقوقهم حتی تلقی الله أملس (۲) لیس

---

۱- بحارالانوار: ۶/ ۳۶ ح ۵۸ از نهج البلاغه.

۲- الاملس: ضد الخشن، قال ابن میثم: استعار لفظ الأملس لنفاءالصحیحه من الاثام.

ص: ۱۷۶

علیک تبعه، والرابع أن تعمـد إلی کل فریضه علیک ضـیعتها فتؤدی حقها، والخامس أن تعمد إلی اللحم الذی نبت علی السحت (۱) فتـذیبه بالاحزان حتی یلصق الجلـد بالعظم وینشأ بینهما لحم جدیـد، والسادس أن تذیق الجسم ألم الطاعه کما أذقته حلاوه المعصـیه، فعند ذلک تقول: أستغفر الله.(۲)

به گوینده ای در محضرش که گفت «أستغفراللّه» فرمود:

مادر به عزایت بنشیند!، آیا می دانی استغفار چیست؟! همانا استغفار درجه بالائیان است و آن به شش معنی واقع شود،

۱- پشیمانی بر آنچه گذشته.

۲- تصمیم گرفتن به باز نگشتن به سوی آن هیچوقت،

---

۱- بالضم: المال من کسب حرام، وقال الثعالبی فی فقه اللغه: کل حرام قبیح الذکر یلزم منه العار کثمن الکلب فهو سحت.

۲- بحارالانوار: ۶/ ۳۷ ح ۵۹ از نهج البلاغه. بیان: ما سوی الاولین عند جمهور المتکلمین من شرائط کمال التوبه کما ستعرف.

ص: ۱۷۷

۳- حقوق مردم را ادا نمی تا خدا را پاک ملاقات کنی که در ذمه ات حقی (از مردم) نباشد،

۴- شروع کنی به ادای تمام واجباتی که از تو ضایع شده است،

۵- شروع کنی با حزن (و اندوه) به آب کردن گوشت هائی که با حرام روئیده تا پوستت به استخوان بچسبد ودر میان آن ها گوشت تازه بروید،

۶- این که درد اطاعت کردن را به جسمت بچشانی آن گونه که لذت معصیت را چشاندی، پس از این مراحل بگو أستغفراللّه.!

۱۰- علی الجهضمی، از أبی جعفر علیه السلام فرمود: کفی بالندم توبه.(۱) پشیمانی (از گناه) برای

---

۱- بیان: إذ الندامه الصادقه تستلزم العزم علی الترک فی المستقبل غالبا، أو المعنی أنه فرد من التوبه وإن لم یؤثر ما تؤثر التوبه الکامله. بحارالانوار: ۶/ ۲۰ ح ۹ از خصال ج ۱ ص ۱۱.

ص: ۱۷۸

توبه کفایت می کند.

۱۱- علی علیه السلام به مردی که از آن حضرت تقاضای موعظه کرد فرمود:

لا تکن ممن یرجو الآخره بغیر العمل، ویرجئ التوبه(۱) بطول الامل- وساق الکلام إلی أن قال علیه السلام-: إن عرضت له شهوه أسلف المعصیه، وسوّف التوبه(۲). از کسانی نباش که بدون عمل آرزوی آخرت نماید و امید توبه نماید با آرزوی طولانی (وکلام را رسانید فرمود:) اگر شهوتی به او عارض شود، توبه را امروز فردا می کند (و بتأخیر اندازد).

---

۱- یرجئ بالتشدید أی یؤخر المعصیه.

۲- أسلف: قدم، وسوف: أخر. والموعظه بتمامه فی ص ۱۸۱ من ج ۲ ط مصر بحارالانوار: ۶/ ۳۷ ح ۶۰ از نهج البلاغه.

ص: ۱۷۹

هر کهِ را چهار چیز دادند ..

علی علیه السلام فرمود: من اعطی أربعا لم یحرم أربعا:

من اعطی الدعاء لم یحرم الاجابه، ومن اعطی التوبه لم یحرم القبول، ومن اعطی الاستغفار لم یحرم المغفره ومن اعطی الشکر لم یحرم الزیاده، وتصدیق ذلک فی کتاب الله سبحانه، قال الله عز وجل فی الدعاء ":ادْعُونِی أَسْتَجِبْ لَکُمْ "وقال فی الاستغفار ":وَ مَنْ یَعْمَلْ سُوءاً أَوْ یَظْلِمْ نَفْسَهُ ثُمَّ یَسْتَغْفِرِ اللَّهَ یَجِدِ اللَّهَ غَفُوراً رَحِیماً "وقال فی الشکر ":لَئِنْ شَکَرْتُمْ لَأَزِیدَنَّکُمْ "وقال فی التوبه ":إِنَّمَا التَّوْبَهُ عَلَی اللَّهِ لِلَّذِینَ یَعْمَلُونَ السُّوءَ بِجَهالَهٍ ثُمَّ یَتُوبُونَ مِنْ قَرِیبٍ فَأُولئِکَ یَتُوبُ اللَّهُ عَلَیْهِمْ وَ کانَ اللَّهُ عَلِیماً حَکِیماً "(۱). به هرکس چهار چیز عطاشود

---

۱- بحارالانوار: ۶/ ۳۷ ح ۶۱ از نهج البلاغه در أمالی شیخ: ص ۴۷ از بعض أصحاب ما، از أبی عبد الله علیه السلام مثل آن روایت شده است..

ص: ۱۸۰

از چهارچیز محروم نگردد

۱- به هرکس دعاداده شود، ازاجابت محروم نمی شود

۲- به هرکس توبه عطا گردید، از قبول (آن) محروم نمی شود؛

۳- هرکس (توفیق) استغفار داده شد، از مغفرت نگردد؛

۴- به هرکس شکر عطا گردید، از زیادت (و از بیشتر شدن) محروم نشود و گواه همه این ها در کتاب خدای سبحان است خدای عز وجل فرمود:

۱- «مرا بخوانید به شما جواب دهم».

۲- درباره استغفار فرمود: «و هرکس عمل بدی انجام دهد یا به خود ستم نماید سپس طلب مغفرت نماید، خدا را بخشنده و مهربان می یابد»؛

۳- در شکر فرمود: «اگر شکر کنید البته برایتان زیاد می کنم»؛

ص: ۱۸۱

۴- و در باره توبه فرمود: «همانا توبه (وبازگشت) به سوی خدا برای کسانی است کارهای بد را بانادانی انجام دهند، سپس به زودی برگردند،

آنانند خدا هم توبه شان را می پذیرد و هست خداوند دانا و حکیم».

معنای خیر

از علی علیه السلام از خیر پرسیدند که آن چیست؟

فرمود: لیس الخیر أن یکثر مالک و ولدک ولکن الخیر أن یکثر علمک (۱) ویعظم حلمک، وأن تباهی الناس بعباده ربک، فإن أحسنت حمدت الله، وإن أسأت استغفرت الله، ولا خیر فی الدنیا إلا لرجلین: رجل أذنب ذنوبا فهو یتدارکها بالتوبه، ورجل یسارع فی الخیرات.(۲) ولا یقل عمل مع

---

۱- فی نسخه: علمک وعملک.

۲- الظاهر أن ما یأتی بعد کلام آخر له، ولیس ملحقا بما قبله.

ص: ۱۸۲

التقوی وکیف یقل ما یتقبل؟(۱). خیر آن نیست که مال و فرزندت زیادشود ولکن خیر؟ آنست که علمت زیاد شود و بردباریت بزرگ شود و به مردم بازیادی عبادت مباهات کنی، پس اگر خوبی کردی به خدا ستایش نمائی و اگر بدی کردی از خدا طلب بخشش نمائی و در دنیا خیری نیست مگر برای دونفر ۱- مردی گناهانی کرده (و بلافاصله) آن را با توبه درک نماید (و ازبین ببرد)، ۲- و مردی که در کارهای خیر سرعت بخشد (و کارهای خوب را زیاد انجام دهد) و عمل باتقوا را کم نشمارد چگونه کم می شود عملی که قبول (حق) شده است.

شادی خدا از توبه عبد!

۱- أبی عبیده الحذاء گفت: شنیدم أبا جعفر علیه

---

۱- بحارالانوار: ۶/ ۳۸ ح ۶۲ از نهج البلاغه.

ص: ۱۸۳

السـلام می گفت: ألا إن الله أفرح بتوبه عبده حین یتوب من رجل ضلت راحلته فی أرض قفر وعلیها طعامه وشرابه، فبینما هو کذلک لاـ یـدری ما یصـنع ولا أین یتوجه حتی وضع رأسه لینام فأتاه آت فقال له: هل لک فی راحلتک؟ قال: نعم، قال: هوذه فاقبضـها، فقام إلیها فقبضـها، فقال أبو جعفر علیه السلام: والله أفرح بتوبه عبده حین یتوب من ذلک الرجل حین وجد راحلته (۱). آگاه باش خداوند باتوبه بنده اش و قتی که توبه می کند، شادتر شود از مردی مرکبش را دربیابان بی آب و علف، با آب و غذایش گم کند، و در این حال نمیدانـد چکنـد و به کجا رود تا سـرش را (به زمین) میگذارد که بخوابد (ناگهان کسـی به او گوید آیا مرکبت را می خواهی، گوید بلی، گوید بگیر این مرکبت پس بلتد شده و آن را بگیرد، أبو جعفر علیه السلام فرمود: به خداقسم خداوند هنگام توبه

---

۱- بحارالانوار: ۶/ ۳۸ ح ۶۷ از کتاب حسین بن سعید.

ص: ۱۸۴

بنده اش شادتر از آن مرد است که مرکبش را پیداکرد.

۲- أبی عبیده گفت: شنیدم أبا جعفر علیه السلام می فرمود: إن الله تعالی أشد فرحا بتوبه عبده من رجل أضل راحلته وزاده فی لیله ظلماء فوجدها فالله أشد فرحا بتوبه عبده من ذلک الرجل براحلته حین وجدها(۱) خداوند شادی اش شدیدتر است به بازگشت بنده اش از از مردی که زاد و راحله اش را در شب تاریک گم کند و پیدانماید، پس خداوند خوشحال تر است به توبه بنده اش از آن مرد پیداکننده گمشده اش.

معنای توبه نصوح

۱- أحمد بن هلال گفت: از أبا الحسن الاخیر علیه السلام ازتوبه نصوح سؤال کردم آن چیست؟ پس امام

---

۱- اصول کافی: ج ۲/ ۴۳۵، بحارالانوار: ۶/ ۴۰ ح ۷۳ از آن.

ص: ۱۸۵

علیه السلام نوشت: أن یکون الباطن کالظاهر وأفضل من ذلک.(۱) این که باطن (شخص) مانند ظاهرش باشد بلکه افضل از آن شود.

۲- از أبی بصیر، از أبی عبد الله علیه السلام درباره فرموده خداعزوجل ":توبوا إلی الله توبه نصوحا "فرمود:

هو صوم الاربعاء آن روزه ر وزچهارشنبه و پنجشنبه و جمعه است.(۲)

۳- یونس، از عبد الله بن سنان و غیراو، از أبی عبد الله علیه السلام فرمود: التوبه النصوح هو أن یکون باطن الرجل کظاهره وأفضل.(۳) توبه نصوح این است که باطن

---

۱- معانی الاخبار: ص ۵۴. بحارالانوار: ۶/ ۲۳ ح ۲۰ از آن.

۲- ( فی المصدر: یوم الاربعاء ویوم فی الخمیس ویوم فی الجمعه. م) والخمیس والجمعه ".ص ۵۴ "قال الصدوق رحمه الله: معناه أن یصوم هذه الایام ثم یتوب. معانی الاخبار: ص ۵۴ بحارالانوار: ۶/ ۲۲ ح ۲۱ از آن.

۳- معانی الاخبار: ص ۵۴. بحارالانوار: ۶/ ۲۲ ح ۲۲ از آن.

ص: ۱۸۶

مرد مانند ظاهرش بلکه افضل باشد.

۴- وقـد روی أن توبه النصوح (فی المصـدر. ان التوبه النصوح.) هو أن یتوب الرجـل من ذنب وینوی أن لا یعود إلیه أبـدا(۱) روایت شده است که توبه نصوح آنست که توبه نماید و نیت کند که ابداً به آن گناه بازگشت نخواهد کرد.

۵- الکنانی گوید: از أبا عبد الله علیه السـلام از قول الله عزوجل "یا أیها الذین آمنوا توبوا إلی الله توبه نصوحا "سؤال کردم؟ فرمود: یتوب العبد من الذنب ثم لا یعود فیه. قال محمد بن الفضـیل سألت عنها أبا الحسن علیه السـلام فقال: یتوب من الذنب ثم لا یعود فیه، وأحب

---

۱- معانی الاخبار: ص ۵۴، بحارالانوار: ۶/ ۲۲ ح ۲۳ از آن.

ص: ۱۸۷

العباد إلی الله المفتنون التوابون.(۱) بنده توبه از گناه می کند دیگر به سوی آن (عمل زشت) برنمی گردد محمد بن فضیل گفت من هم از منظور آن آیه از اباالحسن علیه السلام پرسیدم؟ فرمود: بنده ازگناه توبه می کند و دیگر به سوی آن نمی گردد و دوست دارترین بندگان به خدا (بنده ایست) از گناهان بازگشت کنندگان است.

۶- أبی بصیر گفت: به ابی عبد الله علیه السلام گفتم:

(منظوراز آیه "یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا تُوبُوا إِلَی اللَّهِ تَوْبَهً

---

۱- قال الجزری فی النهایه ":إن الذین فتنوا المؤمنین والمؤمنات "قال: فتنوهم بالنار، أی امتحنوهم وعذبوهم، ومنه الحدیث "المؤمن خلق مفتنا "أی ممتحنا یمتحنه الله بالذنب ثم یتوب، ثم یعود ثم یتوب، یقال: فتنته افتنه فتنا وفتونا: إذا امتحنته. ویقال فیها: أفتنته أیضا، وهو قلیل. اصول کافی: ج ۲ ۴۳۲، بحارالانوار: ۶/ ۳۹ ح ۶۸ از آن.

ص: ۱۸۸

نَصُوحاً "چیست؟ فرمود: هو الـذنب الـذی لاـ یعود فیه أبـدا، قلت: وأینـا لم یعـد؟ فقـال: یـا أبـا محمـد إن الله یحب من عباده المفتن التواب.(۱) آن گناهیست ابـد؛ به سوی آن برنگردد، گفتم: کدام از ما برنمی گردد فرمود: ای ابا محمد خداوند ازبندگانش دوسـت دارد کسی را که گناه کرده و برگردد.

۷- محمد بن فضیل، از أبی الحسن علیه السلام در باره فرموده خداوند ":یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا تُوبُوا إِلَی اللَّهِ تَوْبَهً نَصُوحاً "فرمود: یتوب العبد ثم لا یرجع فیه، وأحب (۲) عباد الله إلی الله المتقی التائب.(۳) بنده توبه کند و دیگر به آن برنگردد بهترین بندگان خدا به خدا

---

۱- اصول کافی: ج ۲/ ۴۳۲، بحارالانوار: ۶/ ۳۹ ح ۶۹ از آن، درکتاب حسین بن سعید مانند آن روایت شده است.

۲- فی المصدر: وان احب.

۳- فی نسخه: المفتن التواب. وفی اخری: المتقی الثابت. بحارالانوار: ۶/ ۲۰ ح ۸ از فسیر علی بن ابراهیم: ص ۶۸۸.

ص: ۱۸۹

پرهیزکار توبه کننده باشد.

خداوند سه چیز به توبه کنندگان داده است!

ابن أبی عمیر، از بعض أصحاب ما سند به معصوم رسانده فرمود: همانا خدای عز وجل به توبه کنندگان سه خصلت عطا فرموده که اگر هریک از آن را به همه اهل آسمان ها و زمین عطا می کرد، همگی با آن نجات می یافتند: قوله عزوجل ":إِنَّ اللَّهَ یُحِبُّ التَّوَّابِینَ وَ یُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِینَ "(۱) فمن أحبه الله لم یعذبه، وقوله:

"الَّذِینَ یَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَ مَنْ حَوْلَهُ یُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَ یُؤْمِنُونَ بِهِ وَ یَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِینَ آمَنُوا رَبَّنا وَسِعْتَ کُلَّ شَیْ ءٍ رَحْمَهً وَ عِلْماً فَاغْفِرْ لِلَّذِینَ تابُوا وَ اتَّبَعُوا سَبِیلَکَ وَ قِهِمْ عَذابَ الْجَحِیمِ رَبَّنا وَ أَدْخِلْهُمْ جَنَّاتِ عَدْنٍ الَّتِی وَعَدْتَهُمْ وَ مَنْ صَلَحَ

---

۱- بقره: ۲۲۲.

ص: ۱۹۰

مِنْ آبائِهِمْ وَ أَزْواجِهِمْ وَ ذُرِّيَّاتِهِمْ إِنَّکَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَکِيمُ وَ قِهِمُ السَّيِّئاتِ وَ مَنْ تَقِ السَّيِّئاتِ يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمْتَهُ وَ ذلِکَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (۱)

وقوله عزوجل "وَ الَّذِينَ لا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلهاً آخَرَ وَ لا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَ لا يَزْنُونَ وَ مَنْ يَفْعَلْ ذلِکَ يَلْقَ أَثاماً يُضاعَفْ لَهُ الْعَذابُ يَوْمَ الْقِيامَهِ وَ يَخْلُدْ فِيهِ مُهاناً إِلَّا مَنْ تابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ عَمَلًا صالِحاً فَأُوْلئِکَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئاتِهِمْ حَسَناتٍ وَ كانَ اللَّهُ غَفُوراً رَحِيماً."(۲) ۱- گفته خدای عز وجل «خداوند دوست می دارد توبه کنندگان و پاکیزگان را» پس هرکس را خدا دوست بدارد، او را عذاب نمی کند؛

---

۱- مؤمن: ۷ ببعد.

۲- الفرقان: ۶۸: اصول کافی: ج ۲ ص ۴۳۲، بحارالانوار: ۶/ ۳۸ ح ۷۰ و ۷۳ از آن.

ص: ۱۹۱

۲- و فرموده او «فرشتگانی که حاملان عرشند و آنها که گرداگرد آن (طواف می کنند) تسبیح و حمد پروردگارشان را می گویند و به او ایمان دارند و برای مؤمنان استغفار می کنند (و می گویند:) پروردگارا! رحمت و علم تو همه چیز را فراگرفته است؛ پس کسانی را که توبه کرده و راه تو را پیروی می کنند بیامرز، و آنان را از عذاب دوزخ نگاه دار!

پروردگارا! آنها را در باغهای جاویدان بهشت که به آنها وعده فرموده ای وارد کن، همچنین از پدران و همسران و فرزندانشان هر کدام که صالح بودند، که تو توانا و حکیمی!

و آنان را از بدیها نگاه دار، و هر کس را که در آن روز از بدیها نگاه داری، مشمول رحمتت ساخته ای؛ و این است همان رستگاری عظیم!؛

۳- و قول خدای عز و جل (۱) و کسانی که معبود دیگری را با خداوند نمی خوانند؛ و انسانی را که خداوند خونش را

---

۱- فرقان ۶۸ ببعد.

ص: ۱۹۲

حرام شمرده، جز بحق نمی کشند؛ و زنا نمی کنند؛ و هر کس چنین کند، مجازات سختی خواهد دید!

عذاب او در قیامت مضاعف می گردد، و همیشه با خواری در آن خواهد ماند!

مگر کسانی که توبه کنند و ایمان آورند و عمل صالح انجام دهند، که خداوند گناهان آنان را به حسنات مبدّل می کند؛ و خداوند همواره آمرزنده و مهربان بوده است!

و کسی که توبه کند و عمل صالح انجام دهد، بسوی خدا بازگشت می کند (و پاداش خود را از او می گیرد.)

مبادا مؤمنان را از رحمت خدا نومید سازی

۱- محمد بن مسلم، از أبی جعفر علیه السلام فرمود:

یا محمد بن مسلم ذنوب المؤمن إذا تاب منها مغفوره له، فلیعمل المؤمن لما یستأنف بعد التوبه والمغفره، أما والله إنها لیست إلا لاهل الایمان. قلت: فإن عاد بعد التوبه والاستغفار من الذنوب وعاد فی التوبه؟ فقال: یا محمد بن مسلم أتری

ص: ۱۹۳

العبـد المؤمن یندم علی ذنبه ویسـتغفر الله تعالی منه ویتوب ثم لا یقبل الله توبته؟ قلت: فإنه فعل ذلک مرارا یذنب ثم یتوب ویسـتغفر، فقـال: کلمـا عاد المؤمن بالاسـتغفار والتوبه عاد الله علیه بالمغفره وإن الله غفور رحیم یقبل التوبه ویعفو عن السـیئات، فإیاک أن تقنط المؤمنین من رحمه الله".(۱) ای محمـدبن مسـلم گناهـان مؤمن وقتی که توبه کرد، بخشوده است، پس مؤمن عمل کنـد آنچه را که بعـد از توبه و مغفرت لازم است، آگـاه باش (توفیق) توبه نیست مگر به اهل ایمان، گفتم: اگر بعـداز توبه و اسـتغفار از گناهان، باز برگشت؟ دوباره توبه کرد؟

فرمود: ای محمدبن مسـلم آیا خیال می کنی بنده مؤمن پشـیمان شود و توبه و اسـتغفار نماید، خداوند توبه او را نمی پذیرد؟! گفتم: او چندین بار تکرار کند گناه کند و توبه نماید؟! فرمود: هرقدر مؤمن به توبه و استغفار

---

۱- اصول کافی: ج ۲ ص ۴۳۴، بحارالانوار: ۶/ ۴۰ ح ۷۱ از آن.

ص: ۱۹۴

برگردد خدا هم به مغفرت برمی گردد خداوند بخشنده و مهربان است توبه را می پذیرد و از بدیها در گذرد، مبادا مؤمن ها را از رحمت خدا مأیوس کنی.

۲- أبی بصیر گوید، از أبی عبد الله علیه السلام سؤال کردم از قول خدای عزوجل ":إِذا مَسَّهُمْ طائِفٌ (۱) مِنَ الشَّيْطانِ تَذَكَّرُوا فَإِذا هُمْ مُبْصِرُونَ "فرمود: هو العبد یهم بالذنب ثم یتذکر فیمسک فذلک قوله ":تَذَكَّرُوا فَإِذا هُمْ مُبْصِرُونَ "(۲).

او بنده ایست که به گناه همت ورزد سپس متذکر

---

۱- الطوف: المشی حول الشیء، ومنه الطائف: لمن یدور حول البیت حافظا، ومنه استعیر الطائف من الجن والخیال والحادثه وغیرها، قال تعالی "\:i إِذا مَسَّهُمْ طائِفٌ مِنَ الشَّيْطانِ\E "وهو الذی یدور علی الانسان من الشیطان یرید اقتناصه. قاله الراغب فی مفرداته.

۲- اصول کافی: ج ۲/ ۴۳۴، بحارالانوار: ۶/ ۴۰ ح ۷۲ از آن.

ص: ۱۹۵

می شود و از گناه باز می ایستد، پس این است گفته خداوند «متذکر می شوند و آنان بابصیرت (و بینا) گردند.

خداوند بنده توبه گر را دوست دارد

أبی جمیله گوید: أبو عبد الله فرمود: إن الله یحبّ (العبد) المفتن التواب (۱) خداوند می کشد (به سوی مغفرت بنده) امتحان شده توبه گر را.

ومن لا یکون ذلک (أی المراجعه إلی الذنب بعد التوبه) منه کان أفضل".(۲) وهرکس این گونه نباشد (بعدازتوبه به گناه بر نگردد) افضل می شود.

در پیش تو دگرگون می شویم!

سلام بن المستنیر گفت: کنت عند أبی جعفر علیه السلام

---

۱- اصول کافی: ج ۲/ ۴۳۵، بحارالانوار: ۶/ ۴۰ ح ۷۴ ازآن.

۲- اصول کافی: ج ۲/ ۴۳۵، بحارالانوار: ۶/ ۴۰ ح ۷۴ از آن.

ص: ۱۹۶

فـدخل علیه حمران بن أعین وسأله عن أشـیاء، فلما همّ حمران بالقیام قال لابی جعفر علیه السـلام: اخبرک أطال الله بقاءک لنا وأمتعنا بک (أی صیرنا ننتفع ونلتذ بک زمانا طویلا.

): أنّا نأتیک فما نخرج من عندک حتی ترق قلوبنا، وتسلو أنفسنا عن الدنیا، ویهون علینا ما فی أیدی الناس من هذه الاموال، ثم نخرج من عنـدک فإذا صـرنا مع الناس والتجار أحببنا الدنیا! قال: فقال أبو جعفر علیه السـلام: إنما هی القلوب (۱) مره تصعب، ومره تسهل، پیش ابی جعفر علیه السـلام بودم، حمران بن اعین داخل شـد و از او ازچیزهائی سؤال نمود، پس خواست بلند شود به ابی جعفر علیه السلام عرض کرد به تو خبر می دهم خداوند عمرتان را طولانی کند برای ما و ما را از وجود شما بهره مند

---

۱- قـال المصـنف قـدس سـره فی شـرح الحـدیث فی کتـابه مرآت العقول: إنما هی القلوب أی إنما سـمی بالقلب لتقلب أحواله، مره تصعب اه د.

ص: ۱۹۷

سازد (مدت زیادی از شما بهره برده و لذت ببریم) ما پیش شما می آئیم، تا آن وقت که پیش شماییم، دل های مانازک می شود و دلمان را از دنیا می کنیم (وکنار می کشیم) و آنچه در دست مردم است از مال و منال دنیا، برایمان خوار می شود، سپس از نزد شما که بیرون می رویم و قاطی مردم و تاجرها می شویم، دنیا را دوست می داریم؟!.

فرمود: همانا آن دلهاست که گاهی سخت می شود و گاهی نرم؛

ثم قال أبو جعفر علیه السلام: أما إن أصحاب محمد صلی الله علیه واله قالوا: یارسول الله نخاف علینا النفاق، قال: فقال:

ولم تخافون ذلک؟ قالوا: إذا کنا عندک فذکرتنا ورغبتنا وجلنا ونسینا الدنیا وزهدنا حتی کأننا نعاین الآخره والجنه والنار ونحن عندک، فإذا خرجنا من عندک ودخلنا هذه البیوت وشممنا الاولاد ورأینا العیال والاهل یکاد أن نحول عن الحاله التی کنا علیها عندک، حتی کأنا لم نکن علی شئ،

ص: ۱۹۸

أفتخاف علینا أن یکون ذلک نفاقا؟ فقال لهم رسول الله صلی الله علیه واله: کلا إن هذه خطوات الشیطان فیرغبکم فی الدنیا، والله لو تدومو علی الحاله التی وصفتم أنفسکم بها لصافحتکم الملائکه ومشیتم علی الماء ولولا أنکم تذنبون فتستغفرون الله لخلق الله خلقا حتی یذنبوا ثم یستغفروا الله فیغفر لهم، إن المؤمن مفتن تواب، أما سمعت قول الله عزوجل ":إِنَّ اللَّهَ یُحِبُّ التَّوَّابِینَ وَ یُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِینَ " وقال ":اسْتَغْفِرُوا رَبَّکُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَیْهِ."(۱) سپس اباجعفر علیه السلام فرمود: آگاه باش اصحاب محمد صلی الله علیه و آله و سلم گفتند: ای رسول خدااز نفاق (ودوروئی) بر خود می ترسیم، فرمد: چرا می ترسید؟ گفتند: تا نزد شمائیم و ما را تذکر می دهی و ترغیب می نمائی، می تریم و دنیا را فراموش کرده و دست بر می داریم مانند این که آخرت و بهشت و جهنم را می بینیم تا پیش شمائیم،

---

۱- اصول کافی: ج ۲/ ۴۲۴- ۴۲۳ بحارالانوار: ۶/ ۴۱ ح ۷۸ از آن.

ص: ۱۹۹

وقتی که از نزد تو بیرون می رویم و به این خانه ها داخل می شویم و بوی اولاد واهل و عیال را، درمی یابیم، نزدیک می شود از حالتی که نزد شما بودیم متحول شویم مانند این که ما بر چیزی نبودیم، آیا برای ما از نفاق می ترسی؟!.

رسول خدا به آنها فرمود: نه، این وسوسه های شیطان است که شما را به دنیا راغب نماید، اگر شما به حالت اولی ادامه دهید (و در آن روحیه همیشه بمانید) که فرشتگان با شما مصافحه می کنند و به روی آب راه می رفتید و اگر نبود که شما گناه کنید و استغفار نمائید، البته خداوند خلقی را می آفرید که گناه کنند و طلب مغفرت از خدا بنمایند و آنهارا ببخشد، مؤمن فریب خورده و بازگشت کننده است، آیا گفته حدا را نشنیده ای «خداوند توبه کننده ها و پاکان را دوست می دارد» و فرمود: «از پروردگارتان طلب مغفرت نموده و به سوی او برگردید».

ص: ۲۰۰

## منابع و مصادر

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱- المحاسن برقی:

۲- الخرایج و الجرایح: راوندی.

۳- أمالی شیخ صدوق:

۴- امالی: شیخ طوسی.

۵- بحارالأنوار: علامه مجلسی.

۶- تفسیر امام عسکری علیه السلام:

۷- تفسیر عیاشی.

۸- تفسیر علی بن ابراهیم:

۹- تنبیه الخاطر:

۱۰- تحف العقول: ابن شعبه حرّانی ..

ص: ۲۰۱

۱۱- ثواب الأعمال:

۱۲- جامع الاخبار:

۱۳- صحیفهالرّضا علیه السلام:

۱۴- عدهالداعی.

۱۵- علل الشّرایع صدوق.

۱۶- عیون احبار الرّضا علیه السلام: شیخ صدوق.

۱۷- مصباح الشریعه

۱۸- معانی الأخبار:

۱۹- کتاب حسین بن سعید.

من لا یحضره الفقیه شیخ صدوق.

۲۰- نهج البلاغه: سید رضی.

۲۱- نوادر راوندی.

## درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹